



سخن امام

راهنمای
مستضعفین
در صفحات
۱۶ و ۱۷

میلاد حضرت علی ابن ابیطالب
الگوی صبر و پایداری
و بعثت عصاره خلقت نبی اکرم
بر امام امت و همه مستضعفین جهان
مبارک باد

فَارَیْعَ الْعَسْرِیْنِ
اَزْمَعِ الْعَسْرِیْنِ

لا محبه

در راه خدا بفرستد و بصفتی بفرستد
نشریه نهضت مجاهدین خلق ایران
شماره

فروردین وارد بیهشت

سال دوم، شماره ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۲ بها ۲۰ ریال

توشه گیری از پیام قیام گونه

امام خمینی در ۲۴ آذر ماه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۲)

در سرمقاله شماره قبل به بررسی زمینه های پیام ۲۴ آذر ماه امام امت پرداختیم و اکنون به ادامه آن می پردازیم:
هـ - موضع برانداز و خصمانه جریانهای انحرافی و ماهیتا "سازشکار نسبت به دولت و خط امام:

امام در بیانات خود پس از پیام هشت ماده ای و بخصوص در رابطه با گریزشها فرمودند: "دشمنان می خواستند انقلاب را از درون از بین ببرند" سخنان امام با خوبی محتوی پیام را مرزبندی و مشخص نمود که دستها و جریانهای دگراند که قصد براندازی و به انحراف کشاندن انقلاب را داشته و در این راه از هر زمینه مناسبی بهره میگیرند. جریانهای مذکور در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی و حتی فقهی از تضاد جریانهای رفرمیست با خط اصیل امام بهره گرفتند و سعی داشتند از تکمیل توطئه تروریسم به منظور براندازی خط امام جلوگیری نمودن کنند و خط اسلامی انقلاب پرداخته و بتدریج خط امام را

از آرمانها و ارزشهای الهی و عدل طلبانه آن که مبتنی بر دفاع از حقوق مستضعفین و تحقق جامعه عدل امام زمان است، تهی نشان دهند. در نتیجه موجبات انحراف انقلاب و خارج شدن مردم را از صحنه فراهم آوردند. و بدینوسیله موجب انحراف مسیر انقلاب و یا خارج شدن مردم از صحنه بدلیل بدبین شدن به خط انقلاب شوند که این امر نهایتا شکست و عقب نشینی انقلاب اسلامی در مقابل دشمنان شرقی و غربی را در برآورد. بقول امام وقتی مردم در صحنه نباشند همه گونه توطئه و براندازی امکان پذیر است.

نشانه های این خط مشی در حرکتیهای بمنظور تضعیف و برکناری دولت و استیضاح و زاری از کابینه که مدافع طرحهای حامی مستضعفین بودند، به رود رویی کشاندن شورای نگهبان و برخی روحانیون بنا مجلس و دولت و ... دیده می شود. که رشد غیر اصولی این اختلافات برای کشوری که در حال جنگ با ماشین نظامی کمپ دیوید (صهیونیسم) و امپریالیسم (ارتجاع عرب) می باشد کشنده بود و موضع شکست در مقابل دشمن را بدنبال داشته دارد. باید توجه داشت که حرکتی اصلی این اختلافات هیچیک از طرفین دعوا را قبول ندارند. همچنین باید دانست که در صورت شکست در این جنگ جایگزین بعدی هیچیک از طرفین اختلاف نیستند بلکه امریکا و غرب است. امام خمینی در همان مقاطع در مقابل آن تحریکات و جوسازیها مقاومت کرد و به مبارزه بنا آنها برخاستند و جامعه را به سمت یک مبارزه اصولی و صحیح سیاسی ایدئولوژیک هدایت نمودند. پیام هشت ماده ای در حقیقت هشدار و بقیه در صفحه ۴

شرح عملیات مقدماتی



والفجر

در صفحه ۶

فهرست موضوعی

تفسیر الحمد امام خمینی

در صفحه ۱۰

نگار مراد سالگرد شهادت مجاهدین شهید

علی مهندس دوست، محمد بازرگانی
علی باکری، ناصر صادق
کاظم ذوالانوار، مصطفی خوشدل
علی اصغر منظر حقیقی، محمد شریف و

تغییرات تدریجی منتهی بیک گسترده در مرحله آزادی کربلا

در صفحه ۳

اقتصاد اسلامی یا اقتصاد عمل صالح

در صفحه ۷

سالگرد شهادت موحد شهید استاد مطهری

راه امام زمان (هج) و نایب
برحقش امام خمینی و امت شهید
پرور ایران تبریک و تسلیت عرض
کرده و امیدوار است ستاورد-
های ارزشمند ایدئولوژیک آن
شهید بارور گشته و راهنمای عمل
قرار گیرد.

پیرامون ولایت فقیه

فاطمه زهرا
الگوی زن مکتبی

در صفحه ۱۹



نگاهی گذرا به نقاط رشد انقلاب اسلامی

در صفحات ۶۱۳، ۶۱۴، ۱۵
در سال ۶۱

- مطالب این شماره
- * سخن امام راهنمای مستضعفین مکتبی - استراتژیک
 - * توشه گیری از پیام قیام گونه امام خمینی
 - * شرح عملیات مقدماتی والفجر مکتبی - اقتصادی
 - * اقتصاد اسلامی یا اقتصاد عمل صالح مکتبی - ایدئولوژیک
 - * فهرست موضوعی تفسیر الحمد امام خمینی
 - * پیرامون ولایت فقیه مکتبی - سیاسی
 - * خبرنامه استراتژیک
 - * نگاه گذرا به نقاط رشد انقلاب اسلامی در سال ۶۱
 - * ریشه یابی و تحلیل یک گروه عاقبت طلب مکتبی - تاریخی
 - * ادبیات انقلاب و مکتب
 - * فاطمه زهرا الگوی زن مکتبی
 - * یادنامه مجاهد شهید بتول پور ابراهیمی

ادبیات انقلاب و مکتب

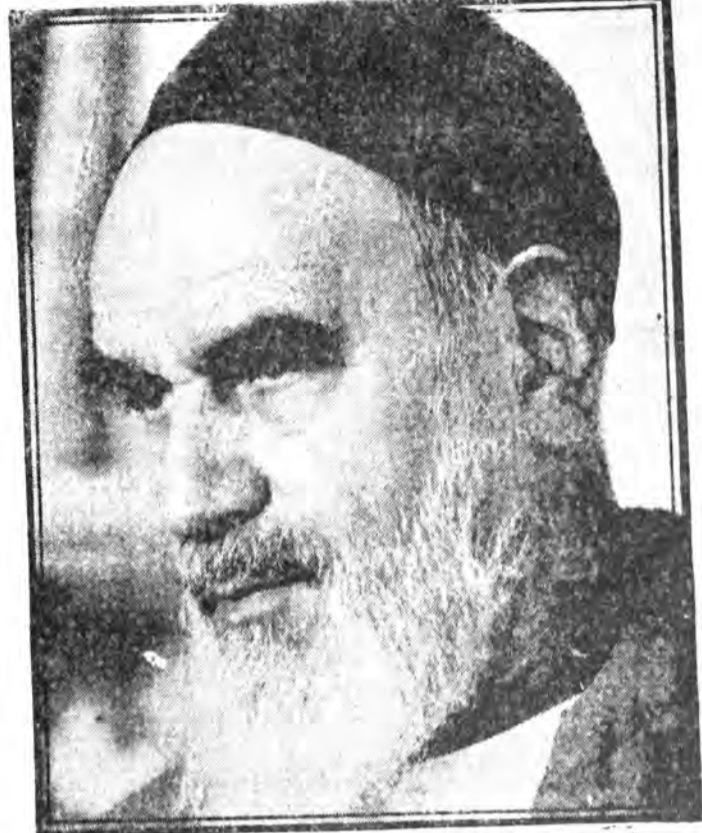
- * شعرونوحه *
- * مالک اصلی وجود برتر است ...
- * شویم کربلایی و نا کربلای برویم.
- * نوحه بمناسبت سالگرد شهادت شهید بتول.
- در صفحات ۲۴، ۲۳، ۲۰

۲۵ اردیبهشت ماه
دومین سالگرد شهادت
مجاهد شهید
مهدی آرزومند ارسلان
یادنامه در شماره آینده

ریشه یابی و تحلیل یک گروه عاقبت طلب

در صفحه ۹

سخن اما هر کس منضعین



بت شکنی خمینی روح من خمینی

کیهان ۶۱/۱۱/۱۱
امام امت در دیدار با بازاریان؛
امیر مومنین با این کشور کهد رمعرض
خطر است چه میکرد؟ همه افراد را
میفرستاد جنگ، با فشار اموال اشخاص
- صی که ثروتند بودند، اینها را
میگرفت و می فرستاد و اگر نیرسید عیب
خودش را میداد، عباى من را هم
میداد کلاه شما هم میداد برای حفظ
کشور اسلام، برای حفظ نوامیس خود
این مردم ۰۰۰ صدام يك وقت مست
دمتش برسد به تهران، چه خواهد
کرد؟ ۰۰۰ يك همه چه خطری الان
برای ایران هست ۰۰۰ انصاف است
که در يك هم چه وقتی احتکار بشود
این ملت را در مضیقه بگذارند ۰۰۰؟
تکلیف شرعی این اصناف محترم، این
بازارهای محترم، اینها میتوانند
مبارزه کنند با گران فروشی با این که
اجناس را به قیمت ارزان تر بفروشند،
۰۰۰ یا محتکرین برونند، خسود
اصناف برونند انجا بهشان بگویند
چرا این کار را میکنی ۰۰۰ آقا شوخی
نیست ۰ مساله جنگ شوخی نیست
، خرج جنگ شوخی نیست، مقاومت
در مقابل جنگ شوخی نیست ۰ يك
لشکر را یا چندین لشکر را تجهیز
کردن برای مقابله اینها يك امسوری
است که دولت گرفتارش هست و دارد
خدمت میکند این دولتی که خدمت می کند
باید تقدیرش کنیم

يك عده ای هستند که وارد میکنند و به
قیمت های چندین برابر میفروشند يك
عده ای هستند که احتکار میکنند يك
عده هستند که نمیکنند، خوب این
بیچاره دولت چه بکند؟ جنگ را رها
- بشود ۰۰۰ انطرف بازار را
باید حفظ کنیم با تمام قوا، همصان
موظفیم، بازار است که ما را نگهداشته
، همه را نگهداشته ۰ از آگر و بازار
باید دولت را حفظ کند ۰ اگر رها
بکند، چه بکند ۰۰۰؟

کیهان ۶۱/۱۱/۲۳
پیام امام امت بنسابت پنجمین
سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران؛
غرور از پیروزها افت بزرگی است
که شیطان باطنی در بندگان خدا
بی وجود میاورد ۰۰۰ و زمانی این آفت
وجدان کشنده میآید که انسان از
خود و خداوند غافل شود و قدرت و
پیروزها را از خود بداند ۰۰۰ -
زمنندگان عزیز ما نباید این پیروزی
معجزه آسا را جز با امداد های الهی
بینند و اگر چنین شد غرور آنها
خلاص میشود در این که ما مورد عنایت
تادرتعال هستیم و از خود چیزی
نداریم و آنچه داریم از اوست و باید
به راه او نثار کنیم و اینجاست که
خداوند عنایت خود را ادامه میدهد
و شما سلحشوری و جنگ شرافتمتدانه
را برای دفاع از اسلام و میهن
اسلامی ادامه میدید ۰۰۰ قیام
نمائیم و بدون وقفه از فرصت استفاده
نموده و کشور را بسوی بیشتر اسلامی
شدن در تمام ابعاد آن، در تمام
ارگانهای نظام جمهوری از قوای سه
گانه که این نظام است تا حوزه های
- علمی و دانشگاهها که اساس
فرهنگ است و از قوای نظامی و انتظا
- می و قوای مسلحه دیگر که اساس
امنیت هستند، تا قشرهای بازاری

و کشاورز و کارگر که هر يك رنگی مهم
از ارکان اقتصاد کشورند همت گماریم
و معلم است که در این امر بزرگ با
ابعاد وسیعش که سرنوشت ملت مستقیم
و اسلام بستگی به آن دارد تا تمام
ملت همت نکنند و قیام فعالان
نداشته باشند مقصد اعلا اسلامی
تحقق نخواهد پذیرفت ۰۰۰ در
احکام ثانویه پسر از تشخیص موضوع
به وسیله عرف کارشناس با رد احکام
اولیه فرقی ندارد، چون هر دو
احکام الله میباشد و نیز احکام ثانویه
ربطی به اعمال ولایت فقیه ندارد و
پس از رای مجلس و انفاذ شیواری
نکته ای هیچ مقامی حق رد
آن را ندارد ۰۰۰ در موضوعات
عرفیه که تشخیص آن با عرفاست با
مشورت از کارشناسان حجه شرعی
است که مخالفت با آن بدون حجه
قوی تر خلاف طریقه عقلا است چنانچه
تغییر احکام اولیه با شك در موضوع
و عدم احراز آن با طریقه عقلا مخالف
است ۰۰۰ اگر انحرافی در فرهنگ
يك رژیم پیدا شود وهمه ارگانها
و مقامات آن رژیم در صراط مستقیم
انسانی و الهی بایند باشند و بر
استقلال و آزادی ملت از قیام
شیطانی عقیده داشته باشند و آن
را تعقیب کنند و ملت نیز به تبعیت
از اسلام و خواسته های ارزنده
آن بایند باشند دیری نخواهد
گذشت که انحراف فرهنگی بر همه
غلبه کند و همه را خواهی نخواهی
به انحراف کشاند و نسل آتیه را
انچنان کند که انحراف به صورت
زیبا و مستقیم را راه نجات بناند و
اسلام انحرافی را به جای اسلام
حقیقی پذیرند ۰۰۰ اشخاصی
معدود قدرت ندارند تا این امر
عظیم الحجم مهم را اصلاح کنند
۰۰۰ همه مسئولیم ۰۰۰ از هیچ کس
هیچ عذری پذیرفته نیست و همه
باید بمقدار توان خویش در این
امر حیاتی کوشش نمایند ۰۰۰

از امور مهمی که اینجانب نگران
ان هستم مسائل حوزه های علمی
خصوصا حوزه های بزرگ مثل حوزه
مقدسه قم است ۰۰۰ مبادا تشریفا
- ت و توجه به ساختمانهای متعدد
برای مقاصد سیاسی و اجتماعی اسلام
، آمان را از مسئله مهم اصلی
حوزه ها که اشتغال به علوم رایج
اسلامی و خصوصا فقه و مبادی آن
به طریق سنتی است اغفال کنند
مبادا خداوند بخواهد تا اشتغال

عفاشان، با حفظ شرفشان ۰۰۰
لکن انهایی که کارشکنی میکنند اگر
مسلمان هستند این خدمت بزرگی که
این خانها و این بانوان دارند
میکنند و پیش خدا خدمت شایسته
است، از معاصی کبیره است که
کارشکنی در این موضوع بکنند ۰۰۰ از
قارهایی که باید این کفرانر غیر
متعهد ها انجام بدهند و در راس کار
- ها است و باید بعد ها این کار را
انجام دهد، این است که اول متعهد
و غیر متعهد را از هم جدا کنند ۰۰۰

کیهان ۶۲/۱/۱
امام امت در دیدار با مسئولین بلند
پایه ملکی؛
لکن چه باید کرد را باید عسر
کنیم از حالا به بعد چه باید کرد
۰۰۰ يك مسئله که در راس همه امور
است مساله معنویات است ما بایسد
کوشش کنیم که معنویات را در بین این
ملت عزیز و در بین مسلمین پیاده کنیم
مردم را دعوت به معنویات و دعوت به
اخلاق اسلامی و اداب فرهنگ اسلامی
کنیم ۰۰۰ انعقاداری که بزرگ است
از کون ها در دنیا منتشر شده است
هیچ در کاخ ها پیدا نمیشود، ما يك
کوخ چهار، پنج نفری در صد اسلام
داشتیم و آن کوخ فاطمه زهرا (س) است
از این کوخ ها هم محقرتر بوده است
لکن بزرگات ان چیست؟ بزرگات ان کوخ
چند نفری انقدر است که عالم را پر
کرده است از نورانیت ۰۰۰ ان اشخاص
- صی که این فقه را به این غنسا
رسانند و ان اشخاصی که این فلسفه
را به این غنا رسانند کاخ نشینان
نبودند، کوخ نشینان بودند ۰۰۰
ما باید کوشش کنیم که اخلاق کسناخ
نشینی را از این ملت بزد ایم اگر
بخواید ملت شما جاوید بماند و
اسلام را آنطور که خدای تبارک و تعالی
میخواهد در جامعه ما تحقق پیدا کند
مردم را از ان خوی کاخ نشینی به
پائین بکشید خود کاخ نشینی این
خوی را میاورد ۰۰۰ ان روزی که دولت
ما توجه به کاخ پیدا کرد ان روز است
که ما باید فاتحه دولت و ملت را بخوانیم
ان روزی که رئیس جمهور ما خدای
نخواست از ان خوی کوخ نشینی
بیرون برود و به کاخ نشینی توجه بکند
ان روز است که انحطاط برای خسود
و برای کسانی که با او تماس دارند
پیدا میشود ان روزی که مجلسیان خوی
کاخ نشینی پیدا کنند خدای نخواسته
و از این خوی ارزنده گریخ نشینی
بیرون برونند ان روز است که ما برای این
- صی که توجه اهل علم به دنیا شد و
توجه به این شد که خانه داشته باشند
چطور ورزق و برق دنیا خسودای
نخواست در انها تاثیر بکند ان روز
است که ما باید فاتحه اسلام را بخوا
- نیم ۰۰۰ ان روز است که ابرقدرتها
میتوانند در ما تاثیر کنند و کشور ما
را به تباهی بکشانند ۰۰۰ شبان
است که میتواند راه بیافتد و در مقابل

کیهان ۶۱/۱۳/۲۳
امام امت در دیدار با خواهران عضو
موسسه خیره ۱۲ فروردین تهران قم؛
الان ایران تقریبا يك مدرسه شده
است و در هر جای ایران که انسان
نگاه میکند بانوان انجا مشغول
فعالیت اسلامی، دینی و حتی
فعالیت سیاسی هستند با حفظ

تغییرات تدریجی منتهی به تک گسترده در مرحله آزادی کربلا

بنام خدای شهیدان

در ادامه جنگ اسلام و کفر جریان قوی وجود دارد که در ادامه حرکت‌های موفقیت آمیزی نظیر فتح المبین و الی بیت المقدس در صد انجام عملیات وسیع و گسترده میباشد، این جریان بین مرحله دفع تجاوز و آزاد سازی زمینهای میهن اسلامی و مرحله آزادی کربلا (سرکوب متجسس و آزادی و آزادی مستضعفین عراق) تفاوتی نمی بیند که این اشتباه و ضربه‌هایی به جنگ اسلام و کفر وارد می‌آورد. برای بدست آوردن تبیین صحیحی از رابطه تک گسترده و طی تغییرات تدریجی منتهی به آن در مرحله آزادی کربلا به بررسی این امر می‌پردازیم:

پس از آزادی خونین شهر و آزاد سازی بخش‌هایی از اراضی اشغالی، جنگ اسلام و کفر از مرحله دفع تجاوز به مرحله آزادی کربلا ارتقا یافت، این مرحله در جهت آزادی مردم عراق و پیوند مستضعفین ایران و عراق بوده و مرحله سرکوب متجاوز میباشد.

در مرحله دفع تجاوز ما توانستیم با گذراندن مراحل تدریجی، انسجام جبهه‌ها و نیروهای انقلاب را هر چه بیشتر بالا ببرد و نیروهای انقلاب را در جهت دفع تجاوز به وحدت برسانیم و این مهم را تحقق دهیم، اکنون که وارد مرحله کربلایی شده‌ایم با مسائل تازه‌ای درگیر هستیم از جمله ورود به خاک عراق، موضع گیری مردم عراق، موضع گیری نیروهای که تبیین از این مرحله را ندارند و چگونگی حل مشکلات اقتصادی در دل جنگ و...

برای تحقق مرحله آزادی کربلا بایستی از جمع بندی مرحله دفع تجاوز و تجربیات آن مرحله استفاده نمائیم. زمانی که توانستیم تکمیل گسترده طریق القدس، فتح المبین، الی بیت المقدس را با پیروزی انجام دهیم که در مرحله جنگ و گریز (مقاومت و شیوخونهای اوایل جنگ) و عملیات محدود (آزاد سازی مناطق کوچکی از اراضی اشغالی نظیر بازی دراز، عملیات مهدی عج و ۱۰۰) را پشت سر گذارده بودیم. ما با طی این مراحل توانستیم انسجام درونی خود را از لحاظ قدرت نظامی، شناسایی نیروها، دشمن، توان تدارکاتی و... بالا ببرد و تضاد های سیاسی ایدئولوژیک خود را حل کنیم.

در مرحله آزادی کربلا علاوه بر توجه به رشد و انسجام درونی باید رشد و تعالی مردم مستضعف عراق را نیز در نظر بگیریم، یعنی آن شیوه‌ای در این مرحله اصولی و مکتبی است که متضمن رشد و انسجام درونی نیروهای رزمنده و مسلمانان عراق و همچنین حلال تضاد های درونی مسلمانان مستضعفین عراق باشد.

برای رسیدن به تک گسترده در مرحله آزادی کربلا نیاز به طی تغییرات تدریجی در جهت انسجام و مسلح شدن توده های ما به تحلیل واحد و بسیج و فعالیتات مستضعفین و مبارزین عراقی در جهت سرنگونی سدام میباشد چرا که اساس حرکت ما بیداری فطرت‌های به خواب رفته و رهائی ملت‌های در بند است عدم طی این مراحل مسلماً ضرباتی را برای ما بدنبال خواهد داشت.

قابل توجه است که مرحله کربلایی جنگ مرحله‌ای است که نیروهای اسلام در داخل خاک عراق دست به عملیات می‌زنند و سعی در آزاد سازی و ایجاد حکومت اسلامی در مناطق تحت اشغال بعثی‌ها در داخل خاک عراق را دارند مانند عملیات رمضان و حرکت در جهت آزاد سازی بصره...

برای آزاد سازی مناطق تحت اشغال میهن اسلامی (نفت - شهر، فکه، میمک، ۱۰۰۰) عملیات تک گسترده همچنان عملیات مطلوب و متناسب با مرحله جنگ میباشد و عدم موفقیت‌هایی که گاه در بعضی از این عملیات وجود داشته است را باید در عمل نکردن به ملاکهای تک گسترده دید (برای درک بیشتر خوانندگان را به مقاله تک گسترده که در راه مجاهد شماره ۵ چاپ شد ارجاع میدهم).

با توجه به اینکه ما در ابتدای مرحله آزادی کربلا هستیم عملیات جنگ و گریز سراسری در سرتاسر مناطقی از جبهه‌های نبرد که به مزر رسیده‌ایم، شیوه متضمن مقصود میباشد بکارگیری این شیوه مسلماً ما را به انجام تکمیل گسترده‌ای همچون فتح المبین و الی بیت المقدس در جهت آزادی کربلا قادر خواهد کرد. عملیات جنگ و گریز سراسری در طول مزر در داخل خاک عراق ویژگیهای زیر را داراست:

الف: کار سیاسی ایدئولوژیک جهت انسجام بخشیدن به نیروهای درونی.

پس از طی مرحله دفع تجاوز نیاز شدیدی به تبیین مکتب و ورود به خاک عراق و انسجام بخشیدن به نیروهای درونی وجود دارد. به صورتی که هر جناح و جریانی تحلیل خاصی ارائه نداده بلکه وحدت کلمه در میان نیروهای خودی بوجود بیاید.

همچنین مراحل آزادی کربلا و شیوه‌های لازم الاجرا را در خلال این مرحله بایستی در درون نیروهای مکتبی آموزش داد.

در طول جنگ اسلام و کفر مراحل و فرازهایی را پشت سر گذارده‌ایم تدوین و کشف قانونند بیها و نقطه ضعفها و نارسائیهای حاکم بر آن برای ادامه جنگ، حیاتی و ضروری است. این دستاوردها در سیر صد و انقلاب برای جنبشهای رهائی بخش منطقه نیز بسیار لازم و ضروری است زیرا آنها که انقلاب ایران را الگوی خود قرار داده‌اند در صورتی که تصویر مبهمی از این انقلاب داشته و بسند و کشف قانونند بیهای انقلاب ما به تقلید شکلی و الگو سازی در کشور خود بپردازند، ضربه خورده و از شیوه های انقلاب اسلامی مأیوس خواهند شد. کما اینکه انقلابیون عراق بعد از سقوط شاه سعی در برپایی تظاهراتی مثل ایران در کشور خود نمودند که چون انقلاب عراقی مراحل خود را طی نکرده و مبارزین عراقی ویژگی رژیم حاکم بر کشور خود را در نظر نگرفته بودند این تظاهرات با استقبال مردم و روحانیت آنجا روبرو نشد و به شکست انجامید، پس از آن اکثر گروههای مبارز عراقی مرکز کار خود را در ایران و اروپا گذاشته و به کارهای سیاسی پرداختند.

ب: بازسازی و تشکیل ارتش مولد و مبارز با توجه به اینکه کفر کمپ دیویدی از گسترش و پیروزیهای روز افزون انقلاب اسلامی متوحش شده است لا محاله ما را مورد حمله قرار خواهد داد. در شرایط فعلی، انقلاب ما در نیاز اساسی دارد: یکی دفاع از جمهوری اسلامی در مقابل حملات کمپ دیویدی دیگری بازسازی سریع مناطق جنگی برای اسکان آواره‌ها و حل مشکلات داخلی، و در نیاز فوق میباشد تماماً باید یکدیگر برآورده شده و انجام آن بوسیله نیروهای حزب اللهی که برای جنگ و جهاد بسیج شده‌اند امکان پذیر است. زیر مناطق مسکونی جنوب و غرب که زیر آتش توپخانه عراق قرار دارد تنها بوسیله نیروهای بانگ پرموج جهادگر امکان پذیر است که بعزم جهاد خانه و کاشانه خود را رها کرده و به جبهه‌ها آمده اند.

این ارتش مولد و مبارز و مکتبی در طول شهرها و هات و نقاط مرزی مستقر شده و امر تولید کشاورزی و بازسازی مناطق جنگی را بعهده بگیرد، این ارتش در عین حال آماده هر نوع دفاع از جمهوری اسلامی در مقابل حملات و هجومهای دشمن میباشد. وجود این نیروها در مزارع، عراق و کمپ دیوید را تا حد زیادی از فکر حمله و باره به خاک ماباز میدارد زیرا امید آنند که برخلاف گذشته که مرزها از قسوی نظامی خالی بود و نیروهای ماعقب نشینی میکردند، این بار با نیروهای وسیع آموزش دیده و جان برکفی روبرو هستند که ضرب شست محکم هم از آنها در جنوب و غرب خورده‌اند. وجود این ارتش خیال ما را از حمله خارجی آسوده نموده و از عجله در طی مراحل جنگ و سوزاندن مراحل آن باز میدارد.

ج- جنگ و گریز با ارتش بعثت: نیروهای ماضن شیوخونهای متوالی چریکی به نیروهای دشمن اهداف ذیل را دنبال میکنند:

۱- بالا بردن سطح شناسایی از داخل خاک عراق در مرحله گذشته جنگ، ما در داخل خاک خود مانع بیجنگدیم و بطور طبیعی از شناسایی توده های منطقه جنگی برخوردار بودیم. لیکن باز هم از موضع دشمن شناسایی دقیق بعمل می‌آوردیم و از محل استقرار دشمن و تعداد نظامی و نفرات و راههای مواصلاتی او، آگاه میشدیم. در مواردی که شناسائیها انجام شده بود موفقیت داشتیم در عین حال اینگونه شناسائیها بعمل نیامده بود ضربه خورد و در مواردی که شناسائیها انجام شده بود موفقیت داشتیم، در عین حال میبایست این شناسائی آنقدر در نیروهای ماجریان شود که اگر در حین عملیات فرمانده شهید یا زخمی شده و از میدان عمل خارج شد، دیگران بتوانند مسیر را ادامه داده و ضربه لازم را ببرد دشمن وارد آورند. در مرحله فعلی مانع تنهائی از استعداد نظامی دشمن شناسائی کامل نداریم، بلکه از شناسائی بومی نسبت به محیط جغرافیائی دشمن هم محروم میباشیم وجود چند عکس هوایی با اطلاعات محدود از اسرای جنگی برای انجام عملیات چریکی نیز کافی نبوده چه برسد به هوزاندن مراحل و وارد شدن به مرحله درگیری وسیع.

حدود و شعور میدانهای مین، کمینگاهها، کانالها، کیفیت نظامی دشمن از طریق عکسهای هوایی بدست نیامد بلکه دستیابی به این اطلاعات با انجام شناسائیهای متعدد در حین عملیات کوچک میسر است.

قابل ذکر است هنگامی که جنگ چریکی در ازمدهت راهنما عمل خود اعلا مکرده‌ایم میبایست به تمامی قواعد و قوانین آن عمل کنیم و در شناسائی و طی مراحل ابتدائی رزمند های خود را به میدانهای دور نرستاده و خدای ناکرده ضایعات فراوانی را متحمل نشویم. ضربه هائیکه در آغاز مرحله جنگ خوردیم ناشی از طی نشدن درست مراحل جنگ مکتبی بوده است.

۲- بکارگیری نیروهای مبارز عراقی مقیم ایران در جنگ و رشد دادن آنها، استفاده از تجربیات بومی آنها و همچنین بالا بردن سطح شناخت خود از کیفیت و اوصالت این نیروها. این نیروها در حکومت آینده عراق میبایست بتوانند کشور خود را مستقل و اسلامی اداره کنند. این نیروها هم در جنگ چریکی شهری و هم در جنگ چریکی منطقه‌ای میتوانند کارائی فراوان داشته باشند.

۳- کار افشاکری تبلیغی روی مردم عراق و بیان اهداف ما از ورود به خاک کشور آنها

سدام در صد دست که با متجاوز نشان دادن ما و هم چنین تشدید عرق ناسیونالیسم و قومیت توده های عراقی را علیه ما منسجم نموده و در مقابل ما قرار دهد و همانگونه که در بحث شیوه های مکتبی صد و انقلاب بیان کردیم چون مسلمان میبایست استراتژی خود را روی قیام مردم عراق پایه ریزی، فعائم آگاه کردن و تفهیم اهداف واقعی انقلاب اسلامی از ورود به خاک عراق و بیان جنایات سدام بسیار ضروری است تا آنکه اندک مردم عراق از درون به صف ما بیایند و وارد داخل خرابکار علیه دشمن بعثی را افزایش دهند.

۴- ضربه به ارتش و ماشین نظامی بعثت یکی از علل اصلی حرکت نکردن مردم عراق علیه رژیم بعثت حاکمیت و ثبات ظاهراً "قوی بعثت است، حزب بعثت"

از صفحه اول ترسیم گری از پیام قیام گونه امام خمینی بود به کسانی که در خط این توطئه قرار گرفته بودند و نیز اعلام خطری بود به مردم که به این مسائل توجه بیشتری داشته باشند .
پیام امام شامل چه شیوه‌ها و جریان‌هایی میشود :

- ۱- اهانت و اعمال غیر انسانی و اسلامی .
- ۲- تجسس و تفتیش عقاید از طریق استراق سمع تلفن‌ها و نوارها و تعقیب و مراقبت‌ها و ...
- ۳- توقیف‌ها و احضارهای بی رویه و غیر اصولی و غیر قانونی .
- ۴- تصفیه‌های غیر اصولی و برخورد های غیر همدایتی گزینشها در ادارات و نهادها .
- ۵- برخورد های غلط و غیر مسئولانه با مردم و تشدید جو ناراضی‌تی .
- ۶- ضرورت اسلامی شدن توانین و لزوم رعایت ضوابط و تقدم آن بر روابط .
- ۷- رعایت حق حیثیت برای مردم .
- ۸- عدم دخل و تصرف بیمورد و مصادره به ضابطه اموال و کلا " امنیت شغلی و مالی .
- ۹-

چهره اشتباهی از پیام امام شده است؟

۱- يك برداشت صحیح می‌گفت پیام امام نشان داد که این نیاز وجود دارد که افراد در ریز به ریز اعمال از امام پیروی کنند . این میان به یکی از اساسی ترین نیاز انقلاب در بطن پیام توجه دارد که همان نیاز به اسلام راهنمای عمل و امامت لحظه به لحظه و راهنمای عمل است . با این دیدگاه امامت جامعه می‌خواهد که خط مشی اسلامی خود را در ریز به ریز اعمال و حرکات و در تاکتیکها تحقق دهد و با انحرافات در شیوه‌ها مبارزه کند و بدینوسیله از انحراف پیور انقلاب و خارج شدن مردم از صحنه و بدبین شدن آنها به انقلاب جلوگیری نماید چرا که این نارسائیها نهایتاً عقب نشینی انقلاب اسلامی در مقابل دشمنان شرقی و غربی را در بردارد .

۲- جریانی در پی تعمیق و اجرای هر چه دقیقتر پیام و تمحیح مخاطبان اصلی آن و افشای ادامه دهندگان شیوه‌های غلط است و معتقد است که برخورد های جنجالی و مصاحبه‌ها و اظهار نظرهای گوناگون نایستی باعث نامشخص ماندن و یا فراموش شدن مخاطبان اصلی پیام بشود این تفکر مخاطبان پیام را بصورت يك جریان و يك خط مشی دیده و معتقد است که باید با این خط و عناصر آن مبارزه کرد و کوشش کنیم که افراد ناآگاه و باحسن نیتی که به این شیوه‌ها آلود شده‌اند تصحیح شوند .

۳- وجهی از پیام که مورد توجه قرار گرفته بود امنیت سیاسی - قضایی بود و باره‌ای از مسئولین تاکید زیاد بر آن می‌نمودند و به مسئولین امنیتی و قضایی توصیه میکردند که شیوه‌های خود را بخصوص در رابطه با افراد و جریان‌هایی که در خط محاربه با جمهوری اسلامی نیستند تصحیح کنند و از تعقیب و مراقبت و استراق سمع و ... برای این گونه افراد و حتی مخالفین غیر محارب احتراز نمایند .

۴- يك برداشت عمومی بیشتر از امنیت قضایی و رویه غلط تصفیه‌ها نام میبرد و بخصوص با بی‌گیری این مطلب و اعلام انحلال گزینشها در کلیه نهادها و ادارات از سوی امام خمینی این وجه از پیام تحقق بیشتری پیدا کرد .

۵- جریانی در جامعه معتقد بود که بایستی مسئولین خاصی زیر سوال رفته و با ضوابط پیام مورد بازخواست قرار بگیرند . آیت الله موسوی اردبیلی از قول امام گفتند که: هر کی و در هر جا متخلف است باید مجازات شود . این جریان معتقد بود که مفاد پیام به نحو آشکاری به موارد تخلف مسئولین توجه نموده و آیت الله جنتی هم فرمودند که بایستی از دانه‌های درشت شروع کرد .

۶- جریانی هم در جامعه می‌گفت که به هیچوجه نباید

مسئولین زیر سوال بروند . این جریان خوف‌ان را داشت که مبادا به وحدت نظام جمهوری اسلامی لطمه‌ای وارد شود و دشمنان داخلی و خارجی از آن استفاده کنند . این جریان به حفظ وحدت ظاهری در میان مسئولین اصالت میداد و توجه نداشت که اجرای دقیق پیام علیرغم برخورد ها - ی مسئولین با یکدیگر وحدت جامعه را متعالی و اسلامی تر نموده و باعث بسیج و رشد هر چه بیشتر مردم و مسئولین میشده که این خود مبارزه عقیق تری با دشمنان است .

۷- جریان دیگری هم روی امنیت اقتصادی تاکید داشت و از آن در جهت امنیت سرمایه‌گذاری و گسترش بخش خصوصی استفاده میکرد .

۸- تفکری بود که می‌گفت چون دیگر نظام تثبیت شده است نیازی به برخورد های تند و اعمال خشونت نیست . این تفکر هر چند که با اعمال خشونت مخالف است اما آن را بعنوان شیوه‌ای برای رسیدن به تثبیت سیاسی می‌پذیرد . این بینش با مکتب اسلام که شیوه‌های غیر اسلامی را در هر شرایطی باطل و مردود می‌شمارد مغایرت داشته و بیشتر به این منطق که " هدف وسیله را توجیه می‌کند " تشابه داشت . از نظر اسلام با نردبان باطل نمی‌توان به حق رسید و آن ثباتی که با روش‌های غیر اسلامی بوجود بیاید ثبات واقعی نبوده و در فترت‌های حق طلب و قلوب توده‌ها نمی‌تواند پایگاه داشته باشد و لذا ضربه‌پذیر است و باید توجه داشت که ثبات انقلاب اسلامی در ایران بدلیل اعمال خشونت و سرکوب مخالفین نبوده بلکه نتیجه شیوه‌های اسلامی امامت جامعه و یاران واقعی‌اش بوده است و مردم بخاطر ایمان

۶۱/۱۰/۱۵- امام خمینی در پیامشان به ستاد پیگیری تخلفات قضایی و اداری به انتشار کتب سئوالات دینی و ایدئولوژی اسلامی که معیار گزینشها بوده است اشاره کرده و می‌گویند: " این نوشته‌ها شحون از سئوالات غیر متوسط به اسلام و دیانت و احیانا " مستهجن و اسف آور است و از آنجا که به اسم دیانت اسلام منتشر شده است از کتب و جزوات انحرافی است که برای حیثیت اسلام و جمهوری اسلامی مضر است . . . شاید بسیاری از افرادی که در تدوین آنها دخالت داشته‌اند دارای حسن نیت بوده‌اند لکن احتمال نفوذ شیاطین در این نحو مسائل قوی است که برای مشوه نمودن چهره نورانی اسلام یا جمهوری اسلامی به این امر اقدام نموده‌اند ."

۶۱/۸/۱۵- " تذکری که به‌شورا لازم است داده شود ولو اینکه خودشان توجه دارند یکی این است که افراد نفوذی از منحرفین به صورت اسلام و به صورت مقدس مایی وارد نشود ، اینها که شیاطین هستند ، همانطور که شیطان به شکل‌های مختلف وارد می‌شود و انسان را گول می‌زند ، اینها هم همان شیطان هستند و بصورت های مختلف وارد میشوند . باید آفایانی که در شوراها هستند با شناسایی تمام از سوابق آنها و از کارهایی که بعد از انقلاب متعمد بودند و در ضمن انقلاب و مهم این است که قبل از انقلاب چه جور بودند ، بررسی بشود . ببینید که اینها مردمی هستند و برای خدمت به این توده‌های مستضعف که همیشه محروم بودند ، آمدند خدمت کنند ؟ . . ."

۶۱/۹/۷- خطاب به انجمن‌های اسلامی دانشگاهها:

این تفکر مخاطبان پیام را بصورت يك جریان و يك خط مشی دیده و معتقد است که باید این خط و عناصر آن مبارزه کرده و کوشش کنیم که افراد ناآگاه و باحسن نیتی که به این شیوه آلود شده‌اند تصحیح شوند .

" . . . ممکن است در بین شما خدای نخواسته يك نفوذی بکنند و اگر خدای نخواسته يك همچو نفوذی بشود بدانند که انحراف در پیش است اگر چه به کوتاه مدت نشود ، در رازمدت انحراف خواهد شد . . ."

۶۱/۱۰/۱۳- " تنها راه نجات خودشان را این میدانند که اسلام در این کشورها یا نباشد ، یا محتوا نداشته باشد ، یا نباشد را خیلی میدانند موفقیت پیدا نمی‌کنند ، لکن محتوی نداشته‌اش را موفق شده‌اند و امید توفیق هم دارند ."

۶۱/۹/۲۹- " شما این را بدانید که آنها همیشه این طور بوده که استعمارگر کوشش این بوده است که از خود مردم به جان خود مردم بریزد ، همیشه بنابراین بوده که يك کودتایی در خود کشور ایجاد کند ، يك اختلافی در خود کشور ایجاد کند اینها در این صدد هستند همیشه ، دست از ما بر نمی‌دارند ."

۶۱/۱۰/۲- " همیشه اجانب بنایشان بر این است که از داخل کارها را خراب کنند و اتحاد مردم را از بین ببرند و اختلاف ایجاد کنند و بعد به ایادی داخلیشان دستور دهند تا مقاصد پلید آنها را پیاده کنند . پس ملت باید اتحاد خود را حفظ نماید و تنها در سایه این اتحاد است که ماتحت هیچ بیرقی نیستیم . عده‌ای است که مایه اسلام خدمت کنیم . خدمت به ملت خدمت به اسلام است ."

ضمن اجرای پیام چه کسانی هستند ؟

الف- آنچه که در توشه گیری از پیام هشتماد های امام خمینی اهمیت دارد این است که ضمن اجرای آنرا چه بدانیم ، بسیاری هستند که به روال معمول فکری کنند که ضمن اصلی اجرای این پیام مسئولین و نهاد های جمهوری بقیه در صفحه ۲۲

به ارزشهای اسلامی انقلاب و رهبری آن است که در صحنه مسائل جامعه حضور فعال داشته و به حمایت از جمهوری اسلامی می‌پردازند .

۹- يك جریان فکری هم در جامعه وجود داشت و دارد که چشمشان از مسئولین موجود برای اجرای پیام امام آب نمی‌خورد و لذا از تحقق پیام امام مایوس است ، این جریان بخصوص با سوء استفاده‌ای که در برخی نقاط از پیام شده است در تحلیل خود به قاطعیت بیشتری رسیده است .

۱۰- جریان دیگری هم تاکید امام را روی اسلامی شدن هر چه بیشتر قوانین و امور به معنای تطبیق آنها با رساله (آلته با دیدگاه خودشان نسبت به رساله) و توجه هر چه بیشتر به احکام اسلامی تلقی می‌نماید .

مخاطبان اصلی پیام چه کسانی هستند ؟

امام بارها چه قبل و چه بعد از پیام به خطر نفوذ شیاطین در ارگانهای جمهوری اسلامی اشاره کرده بودند امام در همین حال بارها تذکر دادند که چه بسیار افراد با حسن نیتی که ناخواسته آلت دست جسرانهای نفوذی می‌شوند و به آنها خدمت می‌کنند و امام هشدار دادند که دشمنان و شیاطین قصدشان از بین بردن وحدت داخلی و بی‌محتوا کردن اسلام است تا با خراب کردن کارها و رشد ناراضی‌تی زمینه را برای توطئه و کودتا توسط ایسادی شان فراهم نمایند . توجه به مخاطبان اصلی پیام به این است که این گونه شیاطین نفوذی را با خط مشی و شیوه‌های غیر اسلامی و مخربی که دارند راد قیقتربشناسیم و در بابیم که چگونه افرادی عموماً با حسن نیت ، مجریان اهداف سوء آنها قرار میگیرند . برای توجه بیشتر به این مطلب فزاینده‌ای از سخنان امام را در مقاطع مختلف در ذیل می‌آوریم :

از هیچکس ، هیچ عذر پذیرفته نیست و همه باید بمقدار توان خویش در این امر حیاتی کوشش کنند . (امام خمینی)

فاطمه زهرا، الگوی زن مکتبی

بسم الله الرحمن الرحيم
ضرورت بحث: یکی از ویژگیهای انقلاب اسلامی شرکت همه جانبه زنان در راین - انقلاب بوده است. این انقلاب در تاریخ مبارزات شیعه جهشی برای زنان بود - زنان جامعه ما بود. در گذشته و شیوه برخورد غلط با این مسئله وجود داشت:

۱- از يك سو فرهنگ سنتی حاکم بر بعضی از خانواده ها شخصیت اجتماعی برای زن قائل نبودند و بعنوان مانع از فساد و بی حجابی امکان هرگونه فعالیت اجتماعی - سیاسی را از قشر وسیعی از زنان جامعه گرفته بودند. و اورا صرفاً در چهارچوب کارهای صنفی خانه محبوس میکردند.

۲- از سوی دیگر رژیم طاغوت از این نارسایی و از نیاز زنان برای فعال بودن در مسائل اجتماعی سیاسی سو استفاده مینمود و هر روز با بی خبری از مسائل اصلی جامعه سعی میکردند فرهنگ فاسد مصرفی را در میان خانواده ها رواج بیشتری دهند و همه اینها به بهانه فعال کردن زنان بود که به آنها شخصیت اجتماعی کاذب میداد.

مضمون یکی از صحبت های امام در رابطه با این دو طرفه فکری بود که بی حجابی و فساد علتش رژیم شاهنشاهی بوده و کسانی هم که از فعالیت سیاسی زنان جلوگیری می کنند معصیت کبیره کرده اند.

انقلاب اسلامی با فعال کردن زنان در عمل صالح مبارزه با رژیم سلطنت و جنگ با صدام کافر توانست که با هر دو این - انحرافات مبارزه اصولی کند و به فعالیت زنان در درون و بیرون خانه جهت داده و برای آن ملاک مکتبی بدهد. اگر زنان مسأله قبلاً از آشپزی کردن و لباس شستن احساس حقارت میکردند و محدود شده بودند، امروز اینکارها را با جان و دل در جهت اسلام و انقلاب و جنگ انجام میدهند و خود يك عنصر فعال و آگاه در مسائل انقلاب هستند. و اگر آن روزها زنهای ظاهراً فعال جامعه ما فقط پشت میز می نشستند و وقتشان را هدر میدادند و از تربیت صحیح فرزندان غافل بودند، امروز با جان و دل به نیازهای انقلاب پاسخ میگویند و سعی میکنند بهتر فرزندانشان را هم تربیت کنند.

خانواده ها بی که روزی تمام اختلافات آنها را محدود و مسائل مادی و رفاهی بود امروز مسئله شان رفتن به جبهه و ایثار و فعال شدن در مسائل انقلاب میباشد. تمام کوششهایی که میشد تا زنان ماعده وقت خود را در خیابانها صرف خرید کالا های لوکس مصرفی کنند عقیم ماند و امروز اوقات خود را صرف نماز جمعه، دعای کمیل، دیدار از جبهه ها، دیدار از مجروحین و کمک و پشتیبانی به جبهه ها و... میکنند. آنان که روزی همه چیز را برای فرزندانشان میخواستند امروز فرزندانشان خود را به خاطر اسلام میدهند البته الگوی این زنان، حضرت فاطمه (س) و حضرت زینب (س) بوده و هستند.

با رشد انقلاب اسلامی اکنون نیازهای جدیدی در جامعه ما برای زنان مطرح شد است: مثلاً يك خانواده مکتبی چگونه است؟ چقدر زن میتواند در حل مسائل سیاسی جامعه فعال باشد؟ برای تربیت فرزندان مکتبی چه کند؟ تفاد کار "خانه" و فعالیت های سیاسی اش را چگونه باید حل کند؟ برای پاسخگویی به این نیازها مسأله احتیاج به شناخت بیشتری از شیوه های مکتبی زنان نمونه اسلام دارد. شناخت شیوه های فاطمه زهرا (س) که بقول امام از کوخ او آن همه معنویت و نیاساطع است میتواند بهترین الگوی مادر تمام مراحل مشکل

زندگی زن شویبی، بچه داری و فعالیت های سیاسی باشد.

بطور مسلم در يك شیوه های مکتبی حضرت فاطمه (س) در رابطه با این مسائل بخصوص تربیت فرزندان میتواند بخوبی پاسخگویی نیاز انقلاب به کارهای مکتبی باشد. کارهایی که بتواند تا اوم دهند انقلاب و قیام آخرین باشند.

مختصری از زندگی حضرت زهرا (س)

حضرت فاطمه (س) در سال پنجم بعد از هجرت بد تیا آمد و در آن کودکی خود را در سخت ترین دوران رشد اسلام گذراند تازه پیام تبلیغش را در باره اسلام علنی کرده بود و تحت فشار کفار مسلمین به درهای که شعب ابوطالب نامید میشد رفته بودند و بعد از مدتی نیز تحت محاصره اقتصادی بودند در حد و سه سال رافاطمه تحت شرایط سخت شعب ابوطالب گذراند در این دوران او مادر خود خدیجه را از دست داد در سن ه سالگی بود که مسلمانان از تنگنای شعب نجات یافته و به خانه و زندگی خودشان مراجعت نمودند. بعد از این دوران پیامبر را اکثر مواقع که برای تبلیغ اسلام بیرون میرفت او را همراه خود به کوچه و بازار میبردند و فاطمه (س) نیز شاهدند آزار و آذیت هایی بود که کفار و مشرکین به پیامبر می رساندند. فاطمه (س) ۸ ساله بودند که مسلمانان مجبور به ترک مکه و هجرت به مدینه شدند. ابتدا پیامبر را گروهی از مسلمانان از مکه خارج شدند و بعد از مدتی فاطمه (س) با عده ای همراه علی بن ابی طالب حرکت کردند و در رقابه پیامبر پیوستند. يك سال بعد از هجرت، فاطمه (س) با حضرت علی (ع) ازدواج کرد. در این ازدواج ملاک اونه قبیله نه ثروت و نه مقام بود زیرا تمام خواستگاران را که با این ملاک هاتقاضای ازدواج کرده بودند، رد نموده بود و ملاک تقوی و ایثار در جهت اسلام بود که علی (ع) را برگزید.

فاطمه (س) در شرایطی ازدواج کردند که اسلام تازه در حال گسترش بود و مسلمین با مشکلات زیاد سیاسی، اقتصادی، نظامی روبرو بودند نیروهای مسلمان اکثراً در جنگ با کفار بودند و از لحاظ اقتصادی نیز در جامعه شرایط مناسبی نداشتند (بخصوص مهاجرین) بطوری که حضرت علی (ع) هنگامیکه میخواستند ازدواج کنند چیزی جز يك شمشیر و يك زره و يك شترند اشتند و ایشان برای تامین مخارج ازدواجشان زره خود را فروختند، مسلمانان این اوضاع فاطمه (س) به امید يك زندگی راحت با علی (ع) ازدواج نمی کنند بلکه دلیلش این بود که علی (ع) کسی است که شیوه های مکتبی دارد و در کنار آن حضرت میتواند هر چه بیشتر در جهت رشد و خدمت به اسلام فعال شود. در مدت زندگی مشترک فاطمه (س) و علی (ع) میبینیم که مسلمین جنگهای بزرگ احد، خندق، خیبر را پشت سر میگذراند. در حالیکه جنگهای کوچک دیگر - ی هم بوده است و فاطمه (س) در اکثر این جنگها فعالانه در پشت جبهه شرکت داشته است. به علت شرکت مستمر علی (ع) در جنگها، او به تنهایی مشکلات خانه را به دوش میکشید. بنا به روایت، او هم جبهه

شیر میداد، هم دستاس میکرد و گاهی اوقات برای تامین مخارج خانه پنبه می رسید تا بتواند با پول آن غذای خانواده را تامین کند در کنار پیامبر (ص) و علی (ع) فاطمه یکی از آموزگاران فرزندان خود بود. به آنها حق طلبی، عدالت جویی را آموزش میداد. او که در زمان حیات پدر همراه همسرش یار و یاور رسول خدا بود اینک بعد از فوت پیامبر یار و یاور همسرش میشود و در مقابل توطئه سقیفه موضع افشاگرانه میگردد و به خوبی حق فرزندی پیامبر و همسری علی و مادری حسن و حسین را بجا می آورد و علیرغم مشکلات زیادی که داشت عده نیرویش را در راه مبارزه با این توطئه گذاشت تا جایی که منجر به شهادتش شد.

شیوه های برخورد فاطمه و علی

آنچه در زندگی فاطمه (س) مشخص است اینکه او توانست بخوبی به خانواده اش بعد مکتبی سیاسی بدهد. و در تمام لحظات زندگی مکتب را رعینیت دهد و در این رابطه شیوه ها و روشها نمودهای پیامبرانه ای او بود. در ابتدای زندگی مشترک او با علی بن ابی طالب که این دو برای تقسیم کار نزد پیامبر پیوستند و پیامبر میگویند کارهای بیرون از خانه مثل آب و هیزم آوردن و... با علی و کارهای درون خانه با فاطمه باشد. مسئله ای که در این رابطه قابل توجه است اینکه برای تقسیم بندی ملاکی حاکم بود و آن اینکه هر دو در عمل صالح زمان خود فعال باشند و بعد به تناسب فعالیت در عمل صالح زمان این مسئولیت هاتقسیم میشود. مثلاً مادر رسول زندگی مشترک فاطمه و علی بنی بینیم که بعضی از موارد حضرت فاطمه تمام کارهای بیرون از خانه را نیز انجام میداد حضرت علی (ع) در جایی متذکر میشوند که فاطمه اینقدر آب آورده بود که آثار مشک بر بدنش نمایان بود، آنقدر آسباب کرده بود که دستهایش تا اول زده بود. بسیار در نظافت و تمیز کردن خانه و یختن غذا زحمت میکشید. و بسیار بعضی موارد می بینیم که فاطمه اصلاً در پشت جبهه جنگ فعال است. و به مجروحین جنگی رسیدگی میکند. پس آنچه برای تقسیم کار در زندگی فاطمه (س) و علی (ع) ملاک بوده فعال بودن در عمل صالح میباشد که میتواند در این زمان نیز ملاکی برای تقسیم مسئولیتها باشد و شاهدیم که زنان مکتبی ماکه اینک شوهرشان در عمل صالح جنگ با صدام کافر شرکت دارند صبورانه تمام مشکلات زندگی را به دوش میکشند.

در همین رابطه شاهدیم که پیامبر (ص) و علی (ع) همیشه بعد از پایان یافتن جنگ قبل از هر کاری به خانه فاطمه (س) میرفتند و اخبار جنگ را به او میگفتند بطور مسلم پیوند پیامبر و علی با فاطمه تنها یک پیوند عاطفی نبوده که آنها را به خانه فاطمه میکشاند بلکه ابتدایک پیوند مکتبی سیاسی برای پاسخگویی به نیاز اصل فاطمه بوده که او را بر سایر امور ترجیح میدادند. حضرت علی (ع) می گوید: وقتی به خانه می آمدم و به زهرانگاه میکردم تمام غم و غصه هایم بر طرف میشد. بطور مسلم با آشنا... که از شخصیت علی (ع)

داریم، میدانیم که نیاز و غم و غصه ها و مسائل مبتلابه مسلمین بود و نه نیازهای شخصی و مادی و بطور مسلم زهد را در رابطه با این مسائل یار و همراه او بود. که حضرت علی میتواند در کنار او مشکلات و مسائل مسلمین را قابل حل بباید نه اینکه آنها را فراموش کند. آنچه که مسلم است میزان بسیج مکتبی (تحقق شیوه های مکتبی) در خانه فاطمه (س) خیلی بیشتر از جامعه بوده که میتواند برای علی (ع) محیطی بوجود آورد که غم و غصه هایش را فراموش کند. اگر فاطمه (س) بطور مستمر در جریان مسائل مسلمین و نهضت اسلامی نبود نمیتوانست آنچنان یاری باشد که علی (ع) در کنار او احساس آرامش کند. پیوند فاطمه و علی چون بر اساس اسلام و خط پیامبر (ص) بود در زندگی نیز همیشه سعی میکرد که در این خط حرکت کنند. تا زمانی که پیامبر (ص) زنده بود سند و همیشه تابع پیامبر بود و در هنگامهای او را راهنمای عمل قرار میدادند و در مسائل و مشکلات خود نیز به او مراجعه میکردند. زیرا پیامبر بر هر دو آنها امامت داشت ولی بعد از فوت پیامبر (ص) می بینیم در جایی که این دو و شیوه متفاوت داشتند، حضرت فاطمه (س) بسا قبول تحلیل حضرت علی (ع) تسلیم او می شد و رابطه امام و امت حاکم بر رابطه زن و شوهر میگردد. مثلاً در زمانی که میخواستند از حضرت علی (ع) به زور بیعت بگیرند حضرت فاطمه میخواست به عنوان اعتراض بر سر قبر پیامبر رفته و شیون و زاری راه بیاندازد که حضرت علی با فرستادن پیام برای او، او را از اینکار باز میدارد و فاطمه (س) نیز قبول می کند. یا زمانی که بعنصوان اعتراض به شیوه عمرو ابوبکر رمورد به زور بیعت گرفتن از علی و غضب فدک آنها را به حضور نمیداد، وقتی که حضرت علی به او میگردد که جان من در خطر است آنها را به او تسلیم نه از موضع تسلیم زن به شوهر بلکه از موضع تسلیم امت به موضع حق امام است. آنچه که از این دو برخورد نتیجه میشود این است که تسلیم زن به شوهر نمیتواند يك تسلیم مکانیکی و بدون ملاک باشد بلکه باید تسلیم به کسی شد که دارای خطمشی درست و در جهت عمل صالح زمان میباشد، حال هر کدام از طرفین باشند.

شیوه های برخورد فاطمه (س) با فرزندان

آنچه در این شیوه برخورد حضرت فاطمه با فرزندانش مشخص میباشد این است که بچه ها برای او باید ثلویذی و خط مشی تعیین نمی کردند بلکه حضرت فاطمه با قبول اسلام و خط پیامبر میبایست بچه هایش را در این خط پرورش میداد زیرا در غیر این صورت زندگی فاطمه در خط اسلام نبود. بلکه در خط فرزندانش بود. اکنون در تفکر در جامعه مادران این رابطه وجود دارد یکی اینکه بچه را در خط اسلام و عمل صالح زمان میخواهد و برای آن خط مستقلی قائل نمیشود و جریان را یگراینگ بچه و بچه داری را برای خود میخواهد که بطور مسلم به آن هم اصل است میدهد و با اصل گرفتن بچه و بچه داری در مقابل نیازهای انقلاب برای خود خط مشی در می آورد که در این صورت به چیزی جز زندگی مصرفی نخواهد رسید و ماد را تابع بچه شده و طبیعاً بچه نیز رشد انقلابی و مکتبی نمینماید. و چون مکتب و خط انقلاب را حاکم بر خود و فرزندانش نمی داند بالطبع

به صفوف آنها رخنه کرده و شناسایی کامل تری از دشمن به عمل آوریم، ویژگی دیگر اینکه صدام دیگر نمیتواند به راحتی کانال حفرت کند و با موانع بسیاری احداث نماید.

۵- کادرسازی نسبی :
در این عملیات رزمندگان از منطقه عملیاتی، شناسایی نسبی بدست آوردند و از اوضاع منطقه و دشمن به یک سری جمع بندی هارسیدند و بسیاری از سادها اندیشی هایشان بر طرف شد و به کادریایی برای عملیات آینده مبعوث شدند که وجود چنین کادریایی در هر عملیات از مهمترین نقاط قوت و دلیل پیروزی است که در صورت استمرار حرکت های کوچک این ویژگی در همه رزمندگان جریان میشود.

۶- رشد گروههای خود جوش که خواهان تبیین بالاتری از خط مشی و شیوه های مکتبی جنسنگ هستند :

بعد از ضربه خوردن عملیات پویایی جهت ریشه یابی ضربه در رزمندگان شدت پیدا کرد و خود این امر سبب شد گروههای خود جوش بوجود بیایند که در پی تبیین بالاتری از آزادی کرپلا و خط مشی جنگ و شیوه های عملی در میدان جنگ میباشند. فعال شدن جوهره وجودی این رزمندگان و نیازمند شدن آنان به چنین اموری خود زمینه است که اگر به رشد و شکوفایی آن توجه شود مهمترین برکت خواهد بود.

۷- تعمیق مسئله رابطه رشد مردم عراق با جنگ اسلام و کفر :



مسئله ای که از اول جنگ مطرح شده بود
رشد مردم عراق در طول جنگ اسلام و کفر است که بعد از اتمام مرحله دفع تجاوز و آغاز عملیات رمضان بصورت گسترده تری مطرح شد ولی به آن بهای لازم داده نمیشد بعد از عملیات والفجر همین سؤال به صورت بسیار ملموس و گسترده ای برای رزمندگان مطرح و به اهمیت آن پی برده شد. دلیل این قضیه این بود که بعد از عملیات همه به کمبود کادری پی برده بودند و مطرح شده بود با توجه به این ضعف چگونه میخواهیم انقلاب و حکومت عراق را اداره کنیم و اینک خود عراقی ها پاکدامن کادری خواهند داشت و انقلابشان را اداره کنند مگر در سپهر انقلابیان ۶۰ هزار

۳- آزادسازی خاک میهن اسلامی :
در این عملیات نیروهای ماموق شدند در مناطق قابل توجهی از خاک میهن اسلامی مستقر شوند.

۴- نزدیک شدن خاکریزهایمان با مواضع دشمن :

بر اثر پیشروی هایی که رزمندگان اسلام نمودند از فاصله خاکریزهای دشمن و کاسته شده و این امر در آینده به ما امکان میدهد که با استمرار حرکت و عملیات جنگ و گریز شناسایی

شرح عملیات مقدماتی و الفجر

برکات عملیات

۱- متوجه ساختن همگان به مسئله اصلی در طی دو سال جنگ به خوبی دریافته ایم که هر وقت اندکی از جو سیخ به سوی جبهه ها کاسته شده است جریانهای انحرافی مسائل نرضی را در ردون مطرح میکنند و قصدشان فرعی جلوه دادن ولو کردن مسئله جنسنگ در اذهان عمومی است. یکی از ویژگی های بارز این عملیات مطرح کردن مجدد مسئله اصلی در جامعه است.

صحبت امام با بازاریان در جو سیخ بسوی جبهه که باعث شد بازاریان تم یک میلیسار تومان کمک به جبهه ها را تقبل کنند

تضادهایی مانند تضاد کارگرو سرمایه داره، کشاورز و فئودال، تضاد مالک و مستاجر و... که میرفت به عنوان تضادی جدی از مسئله جنگ مطرح شوند با صحبت های امام و جو عملیات در مسیر واقعی خود (مبارزه با کفر و دیوبندی) قرار گرفت این امر باعث تسریع در حل مسائل در جو ایثار و اخوت و درک و برخورد عمیق تر با این مسائل میشود.

۲- رفع ساده اندیشی نسبت به دشمن در پی آمد پیروزی های متعادی، بعضی رزمندگان و جریانات به این جمع بندی رسیده بودند که دشمن زبون و تهی است و با شلیک یک گلوله بعضی سربازانش را اسیر میشوند یا فراری (سماه سکون جبهه ها نتیجه چنین تفکری بود) باید توجه کرد که دشمن در ضمن اینک از سلاحهای بسیار خطرناک و شیوه های پیچیده ای برخوردار است در صورت هوشیاری ماضیه پذیر است در این عملیات این ساده اندیشی ضربه خورد و با ایمان به آیه شریفه ان یمسکم قرح فقد مس القوم قرح مثله (اگره شما آسبی برسند پس به تحقیق بد دشمن شما هم آسبی مثل آن رسیده است) بد دشمن هم ضربه کاری وارد آمده است.

اندیشی پایگاه دشمن در ردون ماست و این پایگاه ضربه خورده است که باعث میشود که در آینده با انسجام بیشتر و کیفیت بالاتری به سراغ آن بروم و ضربه کاری تری بر او وارد کنیم.

۳- دفع تجاوز و آزاد سازی میهن اسلامی
۲- نفی تجاوز و نابودی متجاوز که این حرکت الگو برای دیگر ملت ها خواهد شد تا در برابر متجاوز تانابودی ان ایستادگی کنند و نه اینک پس از دفع تجاوز به حکومت سیاسی متجاوز بسند کنند و آمریکا آتش بیار معرکه در جای دیگر توطئه کند. با تثبیت سرکوبی متجاوز دیگر آمریکا نمیتواند به سادگی به هرملتی تجاوز کند.

۳- دور کردن آتش دشمن از شهرهای مرزی

۴- تقاص خون شهدا

۵- رشد و بیداری مستضعفین عراق

۶- باز کردن راه کرپلا به طرف سرزمینهای اشغالی فلسطین جهت آزادی قدس

۷- رشد کادرسازی و...
با توجه به جوهره حرکت این نیروها به ذکر برکات این عملیات میریزیم :

آیه ۱۴۰ سوره آل عمران :
ان یمسکم قرح فقد مس القوم قرح مثله و تلك الایام نداولها بین الناس و لیعلم الله الذین امنو و یتخذ منکم شهداء و الله لا یحب الظالمین ۱۴۰

اگر شما را گزندى رسد همانا دشمن را رسیده است گزندى همانند آن و این روزگسبار میگردد انیمش میان مردم تا خدا بداند آنانرا که ایمان آوردند و تا بگیرد از شما گواهانسی و خدا دوست ندارد ستمگران را.

در مسیر رشد و گسترش امت واحده در برابر خوردن با حرکت دشمن (باطل) بر خلاف شیوه رفرمیستها (شیوه مسالمت آمیز و مذاکره) تکیه به کفرانسیهای بین المللی و شیوه حق همیشه درگیری قهر آمیز بود است و هر جا باطل جنگی را آغاز کرده حتما به خاطر به خطر افتادن منافعی از حرکت توفنده و پرشتاب توده های مستضعف بود است.

حرکت حق هیچوقت شکست نمیخورد و اگر گاه در این جنگها جریان حق متحمل ضربه شود با کوشش خود ریشمیا پی نارسائی ها آن ضربه را به تازمانه تکامل و رحمت و برکت تبدیل می نماید.

در عملیات والفجر نبود هیچکس از رزمنده مکتبی با منطقها و انگیزه های حق جوهره عملیات بودند از برخورد این منطقها و انگیزه های حق :

۱- دفع تجاوز و آزاد سازی میهن اسلامی

۲- نفی تجاوز و نابودی متجاوز که این حرکت الگو برای دیگر ملت ها خواهد شد تا در برابر متجاوز تانابودی ان ایستادگی کنند و نه اینک پس از دفع تجاوز به حکومت سیاسی متجاوز بسند کنند و آمریکا آتش بیار معرکه در جای دیگر توطئه کند. با تثبیت سرکوبی متجاوز دیگر آمریکا نمیتواند به سادگی به هرملتی تجاوز کند.

۳- دور کردن آتش دشمن از شهرهای مرزی

۴- تقاص خون شهدا

۵- رشد و بیداری مستضعفین عراق

۶- باز کردن راه کرپلا به طرف سرزمینهای اشغالی فلسطین جهت آزادی قدس

۷- رشد کادرسازی و...
با توجه به جوهره حرکت این نیروها به ذکر برکات این عملیات میریزیم :

بنام خدای شهیدان

شرح عملیات مقدماتی والفجر در ۱۸ بهمن ماه ۶۱ :

در مرحله کرپلای جنگ و در خط سرکوب تجاوزگر وابسته به کفر کمپ دیوید و آزادی مردم عراق انجام گرفت. منطقه عملیاتی از فکه تا جزایه بود، در این منطقه قسمت کوچکی از خاک اسلامی در اشغال دشمن میباشد، این منطقه پوشیده از رملهای روان است که تپه های شنی در سطح دست گسترده آن خود نمایی میکند، و در بعضی نقاط آن مردابهایی وجود دارد، در وسط جبهه جنگل عمق قرار گرفته که قبل از عملیات جبهه فعالی محسوب نمیشد.

ارتش بعث صدام برای جلو گیری از نفوذ نیروهای اسلام دست به احداث موانع گسترده ای زده بود که از پیچیدگی خاصیتی برخوردار بود از جمله در ردیف کانال به عرض ۹ تا ۱۶ متر و عرض ۳ تا ۵ متر و طول ۲۰ کیلومتر که داخل آنها آب بود و همچنین میادین وسیع مین از انواع مین جهشی، قطعی، کششی و... که توسط سیمهای بسیار نازک به هم وصل شده بود و کل میدان مین توسط سیمی از زیر زمین به سنگ نرماند می وصل میشد که به محض احساس خطر از سنگ نرماند می قادر بودند میدان مین را منفجر کنند و نیز سفکتهای زمینی مسطح و مسلح به تیر بار احداث شده بود که هم نقش حفاظت از میدانهای مین را داشت و هم شکستن حرکت نیروهای رزمنده را از موانع دیگر سیم خاردارهای بسیار طولی در سه نوع :-

۱- حلقوی درینحسب ردیف ۲- مثلثی ۳- کوتاه زمین در چند ردیف. احداث شده بود و همچنین کار گذاشتن بشکه های آتش زار.

بحمد الله توسط رزمندگان این موانع یکی پس از دیگری شکسته شد و مقدار زیادی به پیش رفتند و در ادامه عملیات برای تشکیل خط دفاعی بعضی محورها عقب نشینی کرده آماده پدافند شدند.

خطی که عراق برای مقابله با این عملیات در پیش گرفته بود عقب نشینی در وسط جبهه بود که بعد بتواند از طرفین نیروهای ما را محاصره کند و با اطلاعی که از انجام این عملیات داشت قوی ترین نیروی رزمی خود را به ایسن جبهه آورد.

در یکی از محورها پس از پیشروی وقتی برادران مجبور میشوند عقب نشینی کنند ۴ تن از مجروحین که در کانال باقی مانده بودند تصمیم به مقاومت میگیرند این مجروحین به کمک اسرایی که گرفته بودند و پاتک دشمن را خفتی میکنند تا اینکه پس از مدتی سایر نیروها می رزمند به یاری آنها میشتابند.

حملات هوایی دشمن از فاصله خیلی بالا قبل و بعد از عملیات در جبهه و پشت منطقه عملیات شدت گرفته بود. در این عملیات حدود ۳۰۰ کیلومتر از خاک کشور اسلامی آزاد شد. (منطقه رمل و قسمتی از جنگل عمق و تپه های آن)

در یکی از محورها پس از پیشروی وقتی برادران مجبور میشوند عقب نشینی کنند ۴ تن از مجروحین که در کانال باقی مانده بودند تصمیم به مقاومت میگیرند این مجروحین به کمک اسرایی که گرفته بودند و پاتک دشمن را خفتی میکنند تا اینکه پس از مدتی سایر نیروها می رزمند به یاری آنها میشتابند.

حملات هوایی دشمن از فاصله خیلی بالا قبل و بعد از عملیات در جبهه و پشت منطقه عملیات شدت گرفته بود. در این عملیات حدود ۳۰۰ کیلومتر از خاک کشور اسلامی آزاد شد. (منطقه رمل و قسمتی از جنگل عمق و تپه های آن)

۵- رشد کادرسازی و...
با توجه به جوهره حرکت این نیروها به ذکر برکات این عملیات میریزیم :

اسلام میخواهد انسان درست کند. اسلام میخواهد که استقلال محفوظ باشد و استقلال با توجه به دنیا

ممکن نیست.

اقتصاد اسلامی با اقتصاد عمل صالح

از کتاب دانشگاه مدرّس



بنام خدای شهیدان

معرفی کتاب: دانشگاه مدرّس یا انقلاب بنیادی در نظام آموزشی
عمدتاً بعد از انقلاب و مخصوصاً در مرحله بازسازی اقتصاد در هم ریخته کشور ستم زده ضرورت شدیدی برای کار روی اقتصاد اسلامی و پیداکردن بینشی اقتصادی که از خدا و قرآن به آن رسیده باشیم مطرح گشت. تشدید این نیاز در اوج درگیریهای ما با امپریالیسم امریکا و صدام عفلقی - صهیونیستی بود زیرا از طرفی خط انقلاب ما شعار نه شرقی - نه غربی - خودکفایی اقتصادی، درگیری با جناحهای بانکی، نفتی و نظامی امپریالیسم که در حال حاضر بر اکثر دولتهای جهان حاکمند، بوده و هست و از طرفی مشکلاتی نظیر محاصره اقتصادی و ایجاد تورم مصنوعی، فئودالیسم و مسئله زمین که همه آنها با اشاره‌های مستقیم و غیرمستقیم غرب بر ملت ما تحمیل شده ما را نیازمند - تر میکرد که چاره‌ای بیندیشیم و به روش اقتصادی دست پیدا کنیم که هم جوابگوی نیازهای مقطعی انقلابی هم هماهنگ باشد با خط انقلاب، که خودکفایی و تحقق استقلال با تکیه بر نیروهای خلاق انقلاب است.
در حال حاضر بیشتر از هر موقع جوابگویی به این نیاز انقلاب ضروری است و در عین حال دیدگاههای مختلف نیز، در مورد اقتصاد اسلامی در سطح جامعه بطور وسیع در حال نشروبیان است. (مثال پیش‌نویس قانون کار، بحث‌های در مورد طرح اصلاحات ارضی، ملی‌کرن بازارگانی خارجی و کتابهای مختلف در مورد اقتصاد اسلامی) از آنجا که انقلاب ما مکتبی است و مکتب اسلام اساس این انقلاب را تشکیل میدهد و مادر صد تحقق جمهوری اسلامی، نه شرقی نه غربی هستیم بایستی بدانیم که اقتصاد

ما نیز می‌بایست نه شرقی باشد و نه غربی، ملاک مالکیت نه باید سرمایه باشد (غربی) (و نه صرف کار (شرقی)) بلکه ملاک مالکیت می‌بایست درجه قرب به خدا و تسلیم به او باشد، اقتصاد ما هم می‌بایست در جهت تحقق هر چه بیشتر صفات خدا در جامعه باشد (صفت وحدانیت، صفت عدل، صفت رحمت و...) .
عده‌ای آنچه را که گفته شد در کلیات می‌پذیرند ولی در عمل وقتی به طرح برنامه‌ها و قوانین اقتصادی می‌پردازند مستقیم و یا غیرمستقیم سراز سیستم‌های غربی و شرقی در می‌آورند و بعضاً صریحاً می‌گویند روابط کارگر و سرمایه‌دار در کشور شیطان بزرگه استماری نیست.
قابل توجه است که امام در سخنرانی با مجلس شورای اسلامی در اوایل دهه فجر ۱۱ نیز اشاره‌ای بدین مضمون کردند که عده‌ای می‌گویند کمونیسم به (منطق اصالت کار و ابزار) به اسلام نزدیکتر است و می‌روند آیه و حدیث

دری آورند و عده‌ای می‌گویند سرمایه‌داری به اسلام نزدیکتر است و می‌روند آیه و حدیث دری آورند.
در این کتاب شرح کاملی بر روی دیدگاه صحیح اقتصاد اسلامی، اقتصاد بسیج، اقتصاد قدس آمده و نقد و شرحی نیز بر تفکرات دیگری که کاریا سرمایه را ملاک محکم برای حل مسائل اقتصادی و مرجع حل مشکلات قرار میدهند.
این کتاب در شرحی بر کتاب مکتب راهنمای عمل شرح ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ آمده است که توسط برادر لطف‌الله میثی در دانشگاه تهران به تاریخ ۵۹/۲/۲۰ ایراد گردیده است.
مطالبی که از نظر تان می‌گذرد بزرگ‌زده‌هایی از قسمتی از کتاب برای معرفی است.
" برای دریافت کتاب می‌توانید به آدرس صندوق پستی راه مجاهد ۷۱/۵۴۴ نامه فرستاده و آدرس بدیهیست قیمت کتاب ۵۰ ریال "

مطالب مطرح شده در کتاب

- جلسه اول: (جلسه ۲۵ از سلسله درسها - ی برادر مجاهد لطف‌الله میثی)
۱- خلاصه‌ای از جلسه قبل
۲- شهید مدرّس، ملاک حق و باطل، (ملاک ارتجاع و ترقی)
۳- مدرّس و موضع نیروها در قبال او (دگما - تیسیم چپ، دگماتیسیم راست)
۴- شهید مدرّس بنیانگذار مبارزات نوین ضد امپریالیستی خلق ما.
۵- اقتصاد سرمایه و مبارزات ضد امپریالیستی جنبش ایران
۶- اقتصاد کار و مبارزات ضد امپریالیستی جنبش ایران
۷- اقتصاد بسیج (اسلامی) و مبارزات ضد امپریالیستی جنبش ایران
۸- ضرورت انقلاب آموزشی:
الف: باوروی مبارزه ضد امپریالیستی
ب: مبارزه با انحرافات در شیوه‌ها
جلسه دوم: (جلسه ۲۶ از سلسله درسها - ی برادر مجاهد لطف‌الله میثی)
۱- خلاصه‌ای از جلسه قبل
۲- اقتصاد اسلامی - اصالت عمل صالح
۳- ملاک در دست گرفتن کالا و نعمات (صلاحیت مکتبی)
۴- خلق مسلم و اندیشه مالکیت
۵- سازماندهی سیستم آموزشی
۶- انقلاب بنیادی را از کجا شروع کنیم
۷- انقلاب آموزشی و حرکت به سمت روستا.
جلسه ۲۷ و ۲۸

.....
شهید مدرّس، ملاک حق و باطل، (- ملاک ارتجاع و ترقی)
.....
یک مسئله را که در آن نمیتوانیم شک کنیم مسئله تاریخ ایران است. تمام نیروها هم از مذهبی و غیرمذهبی، روحانی - نیست راست‌متروقی و غیره همه نسبت به مدرّس اخلاص دارند یعنی نمی‌توانند نداشته باشند چون منزوی میشوند و حالا که روی مدرّس وحدت دارند و همه از او تعریف میکنند و خط او را اصیل میدانند پس بهترین راه این است که بگوئیم مدرّس را ما چگونه تبیین میکنیم مدرّس در کدام دانشگاه درس خوانده بود.
مدرّس و موضع نیروها در قبال او (دگما - تیسیم چپ، دگماتیسیم راست)
در آن موقع دگماتیسیمهای راست که روحانیت مرتجع و فئودالها بودند و مدرّس را مرتد و کافر دانسته و میگفتند اصلاً او مسلمان نیست. دگماتیسیمهای چپ که حزب کمونیست بود مدرّس را عامل ارتجاع می‌دانستند و می‌گفتند این فردی مرتجع و واپس‌گرا است و در برابر رضاشاه که معروف به جمهوریخواه و نماینده بورژوازی ملی است می‌گفتند مدرّس مرتجع و رضا شاه متروقی است چون مبشریک نظام نوین است.
شهید مدرّس بنیانگذار مبارزات نوین ضد امپریالیستی خلق ما
.....
به هر حال ما میبینیم که مدرّس در رأس مخالفین قرارداد ۱۹۱۹ بود و بقدری افشاگری کرد که این قرارداد باطل شد و مجبور شدند برای اینکه محتوای آن قرارداد اجرا شود کودتای سید ضیاء و رضاشاه را ترتیب بدهند. حالا سوال این است که چرا نیروهایی که در غرب تحصیل کرده

بودند با تفکر غربی نتوانستند با امپریالیسم مبارزه کنند و نیروهایی که به هر حال آموزش سوسیالیستی دیده و کمونیست بودند و در رابطه با انترناسیونالیسم سوم بودند آنها هم نتوانستند ماهیت سید ضیاء و رضاشاه را تشخیص بدهند و نتوانستند بفهمند که او نماینده امپریالیسم است و تحلیل میکردند که رضا شاه نماینده بورژوازی ملی است. آیا آن ساده اندیشی که حزب کمونیست نسبت به مدرّس داشت بر طرفشده، آیا ریشه‌اش در آمده‌گیا آن اشتباه و خیانتی که غریزده‌ها در زمان مدرّس کردند ریشه‌اش در آمده و همان جریانیکه حالا دوباره تکرار میشود حالا آیا اینها میدانند ریشه‌اش چیست؟ و امروز مدرّس کیست؟ اینها سوالاتی است که باید پاسخ بدیم که همه آن جریانات الان در دانشگاه است هم دگماتیسیم چپ و هم دگماتیسیم راست در اجتماع ما وجود دارد و ما اگر آن را تبیین کنیم و مدرّس را آغاز کار قرار دهیم میتوانیم يك انقلاب آموزشی در تمام زمینه‌ها بوجود آوریم. حالا ما يك زمینه‌اش را امروز می‌گوئیم.
زمینه اقتصاد: ما پاسخی میدهم که چرا آن نیروها در زمان مدرّس نتوانستند اوضاع را تحلیل کنند، نتوانستند استثمار غرب را احساس کنند، استعمار را دریافتند اقتصاد سرمایه و مبارزات ضد امپریالیستی جنبش ایران
.....
کسانی که به تفکر اقتصاد غرب مسلحند و آن را يك علم می‌شمارند آیا می‌توانند جلوی قرارداد استعماری و استعماری بایستند آیا می‌توانند ماهیت قراردادی استارت بار را در آن کنند؟ آیا اینها میتوانند محتوای قرار داد کسرسیوم و قراردادهای نفتی که بسته میشود درک کنند. به هیچ وجه، اصلاً

در بخش‌هایی از این کتاب آمده است:

که اخیراً ۴ عامل شده است میباشد پس ببینید این است نظام آموزشی که ما باید آن را عوض کنیم ، اگر انقلاب آموزشی میگوئیم یعنی انقلابی کنیم که انسانها را تغییر دهد ، انسانهایی که مبنای تولیدند ، اگر که این انسانها تغییر نکنند در مهمترین درآمد ما که نفت باشد ما وابسته خواهیم بود ، شما همه اطلاع دارید که درآمد نفتما چندین برابر درآمد ما در صنایع تولیدی و غیره است صادرات نفت ما ۲۰ الی ۳۰ برابر صادرات غیر نفتی ما میباشد و اگر وابستگی ما به نفت از بین نرود در سایر بخشها ما اصلاً نمیتوانیم وابستگی را از بین ببریم ۰۰۰۰ اصلو در صنعت نفت است بنام اصل خبروت ، و میگویند نفت مال کسی است که خبروت دارد همان که زیرکی و تکنولوژی برای استخراج نفت دارد پس نفت مال اوست ، و ما چون آدمها - ی اصلی هستیم و آدمهای غیر زیرکی هستیم نمیتوانیم نفت را استخراج کنیم پس نفت مال ما نیست ، این انقلاب آموزشی ، یعنی مبارزه با این ایدئولوژی آمریکایی یا بهتر بگوئیم ایدئولوژی کارتلهای نفتی ، مبارزه با اصل خبروت ، مبارزه با اصالت دادن به تخصص که اگر یکی تخصص دارد ، ششمره حیاطمان را بکند ، سرزمین ما را غارت کند ، منابع ما را چپاول کند ، این ریشه بدبختی است ، این تفکر در اکثر بوروکراتهای ما ، در اکثر استادان ما وجود دارد و باید با این تفکر مبارزه کرد ۰۰۰۰۰۰ این چیزهایی بود که مدرس میفهمید ، مصدق میفهمید و برای مبارزین ایران هم کاملاً ملموس بود ولی چیست که تحصیل کرده های ما معمولاً نمیفهمند ، میبینیم که تمام این قرارداد های نفتی مان استعماری است و همه بوسیله تحصیل کرده های ما در غرب انجام شده است ، دولتمردان ما که همه از دانشگاههای مثل تهران ، سورین ، دانشگاههای انگلیس و آمریکا فسارغ تحصیل شده اند همه اینها بودند که قرار دادها را بستند و بنابراین خوب با این اقتصاد نمیتوانند واقعاً واقعتاً استثمار و استعمار امپریالیزم را درک کنند ، یک چیز جدیدی که در اقتصاد آمده عامل مدیریت است ۰۰۰۰ اینها فلسفه شان این است که ما یک طبقه وسیع از مدیران در دنیا درست بکنیم و بخصوص در آمریکا که این مدیران بیک نقش واسطه باشند بین کارگران و سرمایه داران ، و آن کینه کارگر که ناشی از استثمارش است کم بشود ، و این مدیران کینه زدایی کرده و موج شکن خشم مستضعفین نسبت به مستکبرین شوند و این شکر جدید و عظیم بورژوازی عاقل است که خیلی پیچیده است ، که جلوی سرمایه داران ، دیواری از مدیران بکشند که اگر هر چه فحش و تهمت و ناسزا و اعتسراف کارگر است به مدیر وارد شود مدیر هم یک کارمند است و حقوق میگیرد البته از بقیه بیشتر و کارگران نمیتوانند با او درگیر شوند چون میگویند این هم زحمت میکند ۰۰۰۰ کار مدیریت این است که استثمار را پیچیده تر بکند ۰۰۰۰ البته ما نمیخواهیم با مدیریت مخالفت کنیم ولی اصالت دادن به مدیریت ، آن هم مدیری که خودش کاریدی نکند و از دل کارگر کارمند آن نجوشیده باشد خوب طبیعی است که تبدیل به یک طبقه استثمارگر میشود ۰۰۰۰ همزمان با مدیریت عامل دیگری هم بنام تکنولوژی مطرح میکنند ، که میگویند امروز عصر ما عصر تکنولوژی است و آن اقتضای قویتر و بهتر است که از تکنولوژی بالاتر

برخورد ار باشد و ببینیم اگر که از ۱۹۵۰ - روشنفکران ما و ادارات ما و دولتمردان ما به این اقتصاد مسلح بوده و این اقتصاد را راهمای عمل خود قرار دهند چطور از یوق استعمار غرب دریائیم؟ البته حال است که اگر واقعاً معیار تکنولوژی باشد که آمریکاییها به کره ماه رفتند و ما سالها که جلو برویم باز هم نمیتوانیم به تکنولوژی آنها برسیم ، اگر مدیریت است که واقعاً تجربیات و مدیریت آنها خیلی زیاد تر از ما است ۰۰۰۰ با شیوه آمریکا که نمی توانیم با آمریکا بجنگیم .

اقتصاد کار و مبارزات ضد امپریالیستی جنبش ایران
اقتصاد کار یا اقتصادی که علمی گفته میشود به این معنی که "لا سال" و "ریکارڈ" که روی ارزشها فی کار کرده اند مارکسیست نبوده اند و مارکس آمد و نظریه ارزش اضافی را مدون کرد و بصورت یک تئوری و نظریه علمی مطرح کرد ۰۰۰۰ اقتصادی که میگوید آنچه اصلت دارد کار کارگر است (کاریدی) ارزش هر چیزی را ، کاری که در آن نهفته است تعیین میکند ، اگر مثلاً یک قالی ارزشمند است به این دلیل است که رویش کار شده ۰۰۰۰۰ اگر ارزش هر کاری به کاری است که رویش انجام میشود پس بنا بر این ۲۰۰ الی ۳۰۰ کارگر نسبت به قیمت نفت کاری انجام نمی دهند با این همه نفتی که می رود ، پس ما بیایم قیمت نفت را ۳۰ یا ۴۰ سنت بکنیم طبق این اقتصاد چه دلیل دارد که ۲۰ الی ۳۰ دلار بکنیم چون کاری رویش انجام نداده ایم ، این نفت خودش از قلب زمین میاید و به جزیره خارک می رود بار کشتی میشود ، مقدار کار مختصری که رویش شده خیلی کم است ، و باز هم این جاست که اقتصاد "کار" هم نمیتواند استثمار و چپاول را تبیین کند به همین دلیل است که مارکسیستها در ایران هیچگاه دست روی نفت نگذارند و نمیگذارند ۰۰۰۰ من میخواهم ببینم در عرض ۱۰ یا ۱۲ سال آیا این حزب توده با این همه گستردگی و تشکیلات و عظمت و اقتصاد سوسیالیستی چرا به چپاول نفت اعتراض ننمود مگر ما استثمار نمیشدیم ، مگر مهمترین عامل بدبختی ما نفت نبود ، مگر انگلیس بزرگترین و مهمترین تسلط را بر ایران نداشت ، چرا حرکتی علیه انگلیس نمیشد؟ حرکتی علیه امپریالیسم نفتی ، کارتل های نفتی نشد؟ این سادها اندیشی در کجاست؟ مسلم است که همه مغرض نبودند ، جز عده ای رهبران شان که واقعاً خائن بودند و در نهایت فرار را برقرار ترجیح دادند ۰۰۰۰ مثلاً قرارداد کنسرسیوم بعد از کودتای مبینیم که گروه های چپ هیچ مبارزه اصیل و بنیادی علیه آن نیکند یا مثلاً سازمان فدائیه در سال ۱۳۵۲ که من بیرون آمدم مسئله نفت و وابستگی نفتی اصلاً برایشان مطرح نبود که شعارش را بدهند و حالا بسعد از انقلاب مبینیم که همه میگویند مرگ بر سازشکار ، ولی هیچکس نمسی - گوید این نفت کجا می رود این که همان کنسرسیوم است ، چرا دست بروی نفت نمی گذارند ، چرا دگرگون نمیکند ، مثلاً مبینیم آقای نزه میگوید نفت یک کالای تجاری است خوب از او توقعی ندارم تفکرش غریبی است از ملک فیصل هم مرتجع تر است چرا که ملک فیصل می گوید نفت یک کالای سیاسی است و در اکتبر ۱۹۷۳ از نفت بعنوان یک کالای سیاسی استفاده میکند و به همین دلیل سازمان سیا او را ترور کرد حالا ما که اقتصاد

سوسیالیستی خواندیم چرا فکرمندان به این نرسید ، استثمار نفتی را نمی بینیم ، اینها سائلی است که واقعاً می بینیم که اگر تغییر بنیادی در نظام آموزشی خوب انجام شود به خط مشی بر میگردد و به مسائل استراتژیک ربط پیدا میکند و سادها اندیشیهای کسمبه در تمام جریانات فکری هست انشاء الله بر طرف میشود ، ما شهید مدرس را مینما گرفتیم که چگونه تبیین میشود ؟ در کدام دانشگاه درس خوانده بود ۰۰۰۰ حساساً میگوئیم این نیروهای چپ چرا نتوانستند مدرس را درک کنند ، استثمار انگلیس را درک کنند و همه آنها باعث شدند که امپریالیسم در ایران تحکیم شود بعد ریشه فکری را تا حدودی گفتیم از اقتصاد شروع کردیم ، اقتصاد غرب را تحلیل کردیم اقتصاد کار را تحلیل کردیم و دیدیم هر دوی اینها نمیتواند مشکل ما را حل کند و بخصوص در استثمار نفتی جوابگوی ما نیست ۰۰۰۰ آنچه که ما مخفی بودیم میدیدیم که صنایعی وابسته به غرب هستند و به آن صنایع کپی را در می گوئیم ، اینها از تکنولوژی پیچیده برخوردار بودند اتوماتیک بودند و کارگرها زیاد تحت فشار نبودند و روزی ۸ ساعت کار میکردند روی صندلی مینشستند دگمه را بزین دگمه را بردار ، مثلاً دستگاه را

روشن کن ، خودش کار کند ، اتوماتیک است ولی صنایع ملی و قدیمی ما ، آنها که خرده - بورژوازی و بورژوازی ملی بودند بیشتر کارگر داشتند و از کارگر هم بیشتر کار میکشیدند و شدت استثمار در این صنایع خیلی بیشتر از صنایع کپی را در بود و بگوئیم در روشنفکرها یک خوش بینی نسبت به صنایع کپی را در وجود می آورد و ما خودمان بحث میکردیم میگفتیم اینها با اینکه صنایعشان ملی است استثمار بیشتر است در صنایع وابسته ظاهراً استثمار کمتر است ، کارگر حمام دارد ، رفاه دارد ، خرج عروسش را میدهند ، مسکن به او میدهند ، ولی میزان استثماری که از آن کارگر میشود خیلی بیشتر است چون ابزار پیچیده است ، حالا اگر وقت کنیم می بینیم که آن ابزار پیچیده ای که غریبها اینجا می آورند و نفت ما را استخراج میکنند و نفت را میبرند ، در آن ابزار هم کار کارگر خوابیده ، استثمار در آن خوابیده و می توانیم قبول کنیم ۰۰۰۰ مدرس با کدام فلسفه با کدام ایدئولوژی بود منطق بود که جلوی این قرارداد اسارت بار و ثوق الدوله ایستاد ، برای ما خیلی مهم است اگر این را بدون کنیم و ارائه دهیم من فکر میکنم بخشی از مشکلات امروز ما هم حل میشود ، اینقدر تفرق گرهما و خطمشی ها وجود نخواهد داشت و ما هم نیایم بحث فلسفی بکنیم مثل بحث آزاد رادیو ، تلویزیون که مبنای استراتژیک نداشته باشد ۰۰۰۰ مدرس در تضادی که با روسیه داشت بدام انگلیس نیافتاد و در تضادی که با روحانیت مرتجع داشت بدام دگماتیسم چپ نیافتاد و در تضادی که با دگماتیسم چپ

داشت بدام روحانیت مرتجع نیافتاد و باقی

خط تکامل و صراطمستقیم بود که رفت و مرجع صدق هر اتفاقی که در ایران می افتاد میگفت این همان قرارداد ۱۹۱۹ است ، مثلاً وقتی که مدرس را ترور کردند (عناصر شاه سابق) گفت این همان قرارداد اسارت بار است ۰۰۰۰ و وقتی که در سال ۱۳۱۲ قرارداد ۱۹۱۹ امضا شد گفت ببین این همان قرارداد است چون مدرس مخالفت کرد مدرس را کشتند مصدق را تبعید کردند و بعد همان محتوای قرارداد را رضا شاه آمد و اجرا کرد ، آن از جادهاش این هم از نفت و آنها از سرکوب گروهها ، گفت مبارزاتی که رضا شاه بنام ارتجاع با مذهب میکرد آنها همان قرارداد بود و بعد وقتی که کودتای سال ۱۳۳۲ میشود و مصدق را میگیرند و بعد قرارداد کنسرسیوم را امضا میکنند مصدق میگوید این هم همان قرارداد ۱۹۱۹ است ، پس خواهان و برادران اگر بخواهیم ریشه استثمار و استعمار را در جامعه با هم درک کنیم و برکنیم ، برای انقلاب آموزشی قرارداد ۱۹۱۹ را مطالعه کنید که ریشه همه بدبختی ها و تنام عنصری که در این قرارداد است دست داشتند و در جریان آن بودند شناسا - می کنید و آنها را تعقیب و مراقبت کنید و مهمتر از همه تبیین مسأله مدرس است که مدرس در کدام دانشگاه درس خوانده بود .

مشکلی در مملکت ما وجود دارد این است که اکثر نیروهای انقلابی به کار

اهمالت می دهند ، کارگر را که کار می کند می بیند ولی کارگر ایدئولوژیست را که همان مستضعف تاریخی باشد نمی تواند در یابد و بر آن بطور اصیل تکیه کند .

اسم دانشگاه را مدرس بگذارم و بعد محتوا - یش را درک کنیم ، این اجمالی از تغییر بنیادی نظام آموزشی در زمینه اقتصاد بود اقتصاد غرب محرك را منافع فردی میدانند و اقتصاد "کار" محرك را منافع طبقاتی و اجتماعی میدانند ، یکی مالکیت خصوصی را قبول میکند یکی مالکیت عمومی را ولی هر دو در پذیرش مالکیت یکی هستند و اندیشه مالکیت را می پذیرند .

اقتصاد اسلامی و مبارزات ضد امپریالیستی جنبش ایران
ما باید اقتصادی را جایگزین کنیم که با هرگونه اندیشه مالکیت هم مبارزه کند واقعاً چیزی بهتر از اصل خدا مالکی نیست حاصل کالا امانتی که کالای امانتی است در دست ما مدیر کالا هستیم و ما اگر نتوانستیم از کالا خوب استفاده کنیم یا بقول قرآن شکر نعمت را نتوانستیم بجای آوریم که شکر همان بهترین استفاده از امکانات و نعمات است باید بدیم دست یک نفر دیگر و نیروی بیاید و از این امکانات استفاده کند ، دانشگاه مدرس در روستا است همانجایی که در هر باغی را که به روی آن مبینیم نوشته شده است "در حقیقت مالک اصلی خداست ، این امانت است که در روزی بهر روزی دست ماست" و این است دانشگاه مدرس که واقعاً در دهات اصل خدا مالکی را قبول دارند و اصل کالا امانتی را در دهات قبول دارند و نمی دانم که در محیط روشنفکری و حوزه های ما چی شده که از اسلام مدرس ، ما فرسنگها دوریم و این است که میتواند مشکلات ما را حل کند آری

بسم الله الرحمن الرحيم
" نحوه پیدایش "

پس از شناخت اجمالی از خط مشی و تفکرات جریان عاقبت طلب اکنون به بررسی نحوه پیدایش این انحراف میپردازیم . شناختن نحوه شکل گیری جریان عاقبت طلب و عوامل موثر در آن از آن جهت ضروری است که :

۱- عبرت و تجربه برای انقلاب اسلامی ایران در شرایط فعلی مسلماً امپریالیسم با استفاده از تجربیات گذشته اش روی جریانات انحرافی داخل برنامه ریزی میکند . اگر ما هشیار نبوده و زمینه های دورنی انحرافات را از بین نبریم توطئه های امپریالیسم کار آبی پیدا میکند ، امام خمین در پیام انحلال گرینشها گفتند : توطئه دشمن این است که ما را از داخل نابود کند . آیت الله منتظری در پیام ۱۲ بهمن ماه گفتند : " به یقین اگر ما تحولی داخلی در خود و روش خود بوجود نیآوریم دستاوردهای انقلاب و خونریزی ک شهدای عالیقدر اسلام را به خطر انداخته ایم . . . "

اما آنچه مانع اصلی این توطئه بشمار میرفت نهضت بیدار اسلامی بود که علیه استعمار همیشه موضع داشته است . لذا دشمنان همیشه آرزو میکردند که بتوانند بنحوی نیروها را منحرف کرده و از پیراختن به مسئله اصلی و مبارزه با توطئه های آنان باز دارند ، برخی را با سرکوبی و تهدید که بوسیله کودتا و اعدام انجام گرفت و تاسیس ساواک جهنمی در سال ۱۳۳۵ نیز در این رابطه بود و یکی هم مشغول نمودن و بی تفاوت نمودن نیروها نسبت به توطئه سلطنت و امپریالیسم بود ، که این کار را به طرق پیچیده شروع

الف - فعال شدن بهائیت و تحریک مسلمانان دستهای وابسته در جریان بهائیت که مجری توطئه های درازمدت امپریالیسم و صهیونیسم بوده اند در دوران اوج گیری مبارزات ملی مردم در سالهای بعد از شهریور ۲۰ دست به تهاجم تبلیغی میزنند و همزمان با درگیری نهضت ملی نفت با استعمار به اختلافات عقیدتی و فرقه ای نیروهای مذهبی فشار می آورند و دست به تحریک آنها میزنند ، در

بعنوان " منکرین ولایت "

ج - بزرگ کردن و دامن زدن به مسئله بهائیت از طرف رژیم پهلوی

همزمان با دسیسه های فوق و مشغول شدن برخی نیروها قشری مذهبی به درگیری با بهائیت میبینیم رژیم دستگاہها تبلیغاتیش را در این زمینه بکار می اندازد . در سال ۱۳۳۵ " یکی از خطبای مشهور " یک برنامه سخنرانی یک ماهه علیه بهائیت می گذارد که از رادیو در سراسر ایران پخش شده و مسئله بهائیت خیلی بزرگ میشود و حتی به تحریک رژیم حظیره القدس مرکز تبلیغی بهائیان را خراب می کنند هم بهائیان ساده اندیش احساس مظلومیت و حقانیت می کنند و دگر تر میشوند و هم بهائیت بعنوان یک مسئله جدی و امر روز جلوه میکند . بد نیست بدانید این تبلیغات در شرایطی است که شاه دارد پیمان بغداد را میبندد که پیمان سنتو باشد (سال ۱۳۳۴) و نیز ساواک بنیانگری میگرد (سال ۱۳۳۵) و همینطور فدائیان اسلام دستگیر گشته و اعدام می شوند .

۲- تفکر قشری و ظاهر گرایی (دکماتیست راست)

این جریان فکری بیشتر به ظاهر اسلام و قرآن اصالت میدهد و به روح و عمق اسلام کاری ندارد ، اسلامی بودن جامعه را صرفاً در حفظ ظواهر و آداب و سنن میداند و لذا در قبال استثمار و وابستگی نهضت های نهضت های آزاد بیخوش از این قبیل حساسیتی ندارد ، ملاک اسلام و کفر را صرفاً قبول یا رد لفظی خدام دانند و انا شاه را مسلمان می دانستند و فقط مارکسیست ها کافر میشدند ، لذا ، آنها را از سلطنت دشمن ترمی شمردند .

یکی از روحانیون غیر مکتبی می گفت کشتار فلسطینی ها در لبنان بخاطر این بود که این فلسطینی ها سنی هستند و ولایت علی (ع) را منکرند و آنقدر در این بیروت فساد و شرابخواری کردند تا این بلاها برایشان نازل شد .

تضاد این جریان با شاه عمده بر سر بی حجابی ، آزادی گذاشتن مشروب خواری ، فیلم های سکس و از این قبیل امور بود و به اساس سلطنت و امپریالیسم و غارتگری و چپاول آنها کاری نداشتند ، حتی تظاهر شاه به دینداری ، چاپ قرآن ، مراسم عزاداری ، کمک به برنامه های دینی و تبلیغی انگیزه مبارزه را از این قشر میگرفت .

این تفکر وقتی با بهائیت روبرو شد و دید که ولایت امام عصر (عج) را منکر میشوند و یا خاتمیت پیامبر اسلام را رد می کنند به عکس العمل افتاد و آنها را خطرناکتر از شاه میبنداشتند که به زیارت میرفت و از اسلام و بعضی روحانیون ظاهر حمایت می کرد ، کما اینکه اینها معامله با اشخاص بهائی را حرام میدانستند ولی معامله با رژیم شاه و بیگانه کشورهای امپریالیستی و اجناس خارجی را حرام نمیبنداشتند مثلاً پرسی کولا را بسبب دلیل اینکه صاحب آنها بیگانه است تحریم کردند ، ولی سایر کالاها که صاحبانشان ریاری آمریکایی و انگلیسی بودند مباح و حلال شمرده میشد ، گرچه در دوره حکومت مصدق با بسیج عمومی مردم این جریس را فکری هم از حکومت مرحوم مصدق حمایت کرد ، اما تدریجاً به مخالفت برخاستند و با دست گذاشتن روی نارسائیها موجود زمان و اختلافات رهبران نهضت اینها جمع بندی کردند که اساساً سیاست بدروماد رندانه است و مقوله ای جدا از عالم دین و ولایت و خداست و اساس مبارزه و عدالتخواهی را نفی کردند ، بخصوص که همزمان با مبارزات ملی شدن نفت رهبران نهضت مبارزه ایدئولوژیک با این تفکرات انحرافی نکرده بودند و اینها زیر فشار بسیج ساکت مانده و بعد سر بلند کردند .

امپریالیسم روی این قشر کار میکرد ، یکی از روحانیون دریاری گویا بهبهانی گفته بود که قبل از کودتای بهائیها بسیاری برای روحانیون نوشتیم بنام حزب توده آنها را تهدید کردیم . یا تبلیغات زیادی میشد که مصدق توده ای ها را تقویت میکند .

این جریان فکری بهترین زمینه برای توطئه امپریالیسم بود ، رهبر گروه عاقبت طلب که از چنین تفکری قشری برخوردار است با تبلیغات و فعالیت شدید بهائیان روبرو میشود و

ریشه بابی و مخلص ۴

یک گروه عاقبت طلب

آن سالها حتی جلسات علنی تبلیغات وسیعی راه می اندازند و هل من مبارز سر میدهند و علمای اسلام را به مباحله دعوت می کنند .

این نوع وسیله ها هنوز هم رایج است که سعی میکنند نیروها را به درگیری با اختلافات فرعی بکشانند و از مبارزه با جوهر توطئه ها باز دارند .

ب - فعال شدن عناصر وابسته برای جا انداختن تفکر جدایی دین از سیاست

همزمان با ازدیاد مشکلات و بروز برخی نارسائیها در حکومت دکتر مصدق عناصر وابسته در نیروهای مذهبی تبلیغ می کنند که سیاست بدروماد رندانه ، انقلاب فایده نداره هیچ حرکتی به ثمر نرسیده ، سیاست به دین کاری ندارد و ما باید دین خود را حفظ کنیم و غیره . . . این فکر برای کسانی که از نارسائیهای نهضت ملی ، زده شده و زیر بار مشکلات خسته شده بودند توجیهی میشد برای کنار کشیدن و راحت شدن و دشمنان نیز او وجود چنین فرصتی آگاه بوده و بهره برداری می کردند .

یکی از کسانی که در تبلیغ این فکر سخت کوشا میشود "رهنم نخعی" است ، وی از یک خانواده بهائی بوده مدتی در ضد اطلاعات ارتش خدمت میکند و با اوجگیری نهضت ملی شدن نفت به حزب ایران می رود (عناصر دیگر حزب ایران شاپور بختیار ، الهیار صالح ، ابوالفضل قاسمی و . . .) بعد از

موضع ضد حزب توده و به بهانه ائتلاف حزب ایران با حزب توده جدا میشود و باین ترتیب با وجهه مذهبی پیدا کردن به سمت روحانیون و نیروهای مذهبی می رود و سعی در راه انداختن جریانات ضد مارکسیستی در بین روحانیون کرده تا نسبت به نهضت ملی نفت آنها را بدبین کند . بعد از کودتا ایشان رسماً ترجدایی سیاست از دین را میدهد و در این زمینه مقاله مینویسد و تبلیغ میکند و با روحانیون زمیندار منجمله رهبر گروه عاقبت طلب مراداتی داشته است . و نیز در کوبیدن و منزوی کردن شخصیت های مبارز زمان از جمله آیت الله طالقانی نقش بسزایی ایفا می کند . خط تبلیغاتی او این بوده است که باید از ولایت و امامت شیعه دفاع کرد و این غیر از خط سیاست و مبارزه است و وظیفه دین ما دفاع از حریم ولایت است و مبارزه با منکرین آن . باین ترتیب خط عاقبت طلبی و بی تفاوتی را توجیه مذهبی و شرعی میکند و هم زمینه سازی برای راه انداختن دعوای فرقه ای و درگیری با بهائیت و یا وهابیت و . . .

شناختن قانونمندی توطئه ها و ریشیایی انحرافات می تواند در این زمینه به ما یاری دهد .

۲- شیوه برخورد عادلانه

با گروه عاقبت طلب از طرف مسئولین برخورد های متفاوت و گاه متضادی شده است ، برخی معتقدند بایستی گروه منحل شده و افرادی که صادقند جذب انقلاب شوند ، برخی میگویند باید به همین صورت باشند و افراد متخصص و تحصیل کرده اش مورد استفاده قرار بگیرند ، برخی افراد هواداران آنها را از جبهه ها هم تصحیه می کنند ، برخی معتقدند بصرای اصلاح و هدایتشان آنها را به جبهه ها بفرستیم تا از جوهر انقلاب و جو شهادت طلبی تأثیر بگیرند ، برخی معتقدند باید مدارک وابستگی بصران آنها به ساواک را افشا کرد ، برخی میگویند آموزشها و ایدئولوژی شان خوب است و باید استفاده کرد

برای یافتن شیوه برخورد عادلانه با این جریان لازم است جناحهای آن را شناخت و منشا و عوامل موثر در تشکیل آنها را پیدا کرد و با هر کدام برخورد متناسب نمود .

عوامل موثر در شکل گیری گروه عاقبت طلب به قرار زیر بود (در سالهای نهضت ملی نفت)

۱- خط امپریالیسم

۲- تفکر قشری و ظاهر گرایی (دکماتیست راست)

۳- از بسیج افتادن توده ها

۴- سوء استفاده از نیروهای مأیوس و منفعل شده

۱- خط امپریالیسم : در جریان ملی شدن نفت که با بسیج شدن همگانی ملت ایران میسر شد ، امپریالیسم امریکادید برای سرمایه گذاری در ایران و تبدیل ایران به بازار فروش کالا های خود بایستی برنامه ریزی درازمدت کند . رشد یک طبقه مصرف زده رفاه طلب تنها راهی بود که به امپریالیسم اطمینان میداد که روی ایران حساب کند . لذا در تمامی ابعاد بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد در این جهت برنامه ریزی کردند ، توسعه فرهنگ غربی و تجدیدگرایی و فساد و دامن زدن به روحیات بی تفاوتی و تبلیغ اینکه "هرکس مال خودش آتش بانبار خودش" و روحیه تنوع طلبی ، "نوکه آمد ببازار کهنه میشه دل آزار" و بدنبال ورود کالا های متنوع و رنگارنگ در قبال غارت منابع نفتی ملت محروم . و چنانکه میدانیم لواجه ۶ گانه شش بهمن نیز یک جهشی در این جهت بود که طبقه رفاه طلب غرب زده را تثبیت و گسترش دهد .

آزوزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرده ، آنروز است که ما باید فاتحه دولت و ملت را بخوانیم .

فهرست موضوعی تفسیر سوره احمد امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

"الحمد لله على ما هدانا والشكر لله على ما اولينا"
حمد خدا را بر آنچه ما را هدایت کرد و شکر خدا را باینکه سرپرستی ما نمود.

از آنجا که اساسیترین عامل تعالی و یا انحطاط هر ملت و هر انقلابی، بنیادهای مکتبی آن ملت و آن انقلاب میباشد، کوشش در جهت اعتلای برداشتهای مکتبی هر ملت بزرگترین گام در جهت تعالی آن ملت میباشد.

انقلاب اسلامی ایران که تداوم حرکت مکتبی شیعه و تداوم نهضت انبیاء و طلیعه ظهور مهدی (عج) و برقراری حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) میباشد، این انقلاب بر اثر جوش فطرتهای پاک مستضعفین بوجود آمده و می رود که با توشه گیری از تعالیم مکتب فطری و الهی اسلام شاخ و برگ خود را در میان تمامی مستضعفین منطقه و جهان بگستراند. برای اعتلای هر چه بیشتر حرکت انقلاب اسلامی و همچنین جلوگیری از افول و گرایش آن بسوی مکاتب و نظامهای شیطانی میبایست نگهبانی از اساس این انقلاب یعنی پاسداری از مبانی مکتب اسلام را نصب العین خود تکرار دهیم، بر علما و مبلغان اسلامی است که اسلام را آنچنان که هست، نه آنچنان که خود میخواهیم و می پسندیم و یا ظاهراً بنظرمان کارایی بیشتری دارد، بر مستضعفین و زمامداران و پاسداران حرم جمهوری اسلامی بشناسانند که در آن صورت حرکت آینده امت اسلام بیمه شده و شکست و انحراف به آن راه نخواهد یافت.

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی با علم به این مهم و درک نیاز قیامگران جان برکف به شناخت اسلام، با زبان ساده و شیوا سعی در نمایاندن پرتوهای از قرآن و ایدئولوژی الهی نمودند که متأسفانه ازینج جلسه متوقف شد، ما بدستی علت توقف در سه سالی تفسیر سوره حمد را نمیدانیم ولی از صمیم قلب از خداوند تعالی خواهیم که موانع و محذورات موجود بر سر راه ادامه این سری در رسها را از میان بردارد تا بار دیگر بتوانیم با بیانات امام از منبع فیض الهی توشه گیری نموده و حرکتمان را سرعت بیشتر بخشیم.

نشریه راه مجاهد بر آن شده است که در این شماره فهرستی نسبتاً مفصل از مطالب مندرج در کتاب تفسیر سوره حمد امام خمینی را در اختیار خوانندگان بگذارد انشاءالله که آغازی برای شناساندن هر چه بیشتر این اثر گرانقدر مکتبی به مستضعفین باشد.

این کوشش مخصوصاً باین دلیل بعمل آمده است که راه مجاهد معتقد است بهترین راه برای اعتلای برداشتهای از اسلام و حل اختلافات فکری جنبش اسلامی، توشه گیری از تفسیر سوره حمد، آخرین اثر ایدئولوژیک امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی می باشد.

قابل ذکر است که محوریندیها، عری کتاب تفسیر حمد انتشارات حجر بوده و شماره صفحات در چاپهای دیگر اندکی تفاوت دارد.

۱- شیوه تفسیر و لزوم صلاحیت برای تفسیر قرآن ص ۴
۲- یکسان نبودن پدیده ها و آیات، یکسان نبودن دو بسم الله الرحمن الرحيم ص ۱
۳- تعریف اسم و اسم الله ص ۶، ۱۲، ۱۴، ۲۲، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۴

۴- تعریف ممکن و واجب ص ۱
۵- بیان رابطه تصدیق و تصور ص ۸
۶- بیان عقل مبتنی بر فطرت ص ۷

- ۴۱- تنزیل قرآن و بیان شرح صدر و عقدهای موجود در زبان انسان ص ۴۹
- ۴۲- تفسیر آیه شریفه "فلما تجلی للجبل" و بیسان حالات موسی (ع) ص ۵۰
- ۴۳- بیان روح الامین و بیان حدیث شریف "انما یعرف القرآن من خوطب به" ص ۵۱
- ۴۴- ماهیت قرآن و بیان چگونگی ادراک از قرآن در مورد پیغمبر و دیگران ص ۵۲
- ۴۵- مشاهده غیبیه ص ۵۲
- ۴۶- تفسیر حدیث "ما اوزی نبي مثل ما اوزیت" و بیان عقدهای موجود در زبان پیغمبر و عدم توان گویش ادراکات خود ص ۵۳ و ۵۴
- ۴۷- بیان حجابها، حجابهای نورانی ص ۵۴
- ۴۸- اصالت علم خدا و اصالت دادن انسان به علم خود ص ۵۵ و ۵۶
- ۴۹- ممانعت علم از ذکر خدا ص ۵۶
- ۵۰- بیان قلب مهذب و غیر مهذب ص ۵۵
- ۵۱- ذهنیات و عینیات و بیان تعریف علم در این رابطه ص ۵۷
- ۵۲- قیام برای خدا و تفسیر آیه "قل انما اعظمکم بواحدته ان تقوموا لله شکی و فردی" ص ۵۸
- ۵۳- تفسیر حدیث "حب الدنيا راس کل خطیئه" بیسان احساس مالکیت و چگونگی ضربه زدن به آن ص ۵۹
- ۵۴- تعریف نفاق و بیان مراتب آن ص ۶۱
- ۵۵- دعا و نقش آن در رشد و تعالی انسان ص ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶
- ۵۶- بیان حدیث "لیغان علی نفسی" ص ۶۲
- ۵۷- داستان استدلال توحیدی حضرت علی حین جنگ ص ۶۴
- ۵۸- قرآن و دعا و حدیث و رابطه آنها با یکدیگر ص ۶۶
- ۵۹- تفسیر آیه آخر سوره حشر ص ۷۲
- ۶۰- تفسیر آیات سوره حدید "هو الاول والاخر" ص ۷۲
- ۶۱- تفسیر روایت در مورد "باء کلمه بسم الله" و ولایت کلی علی (ع) ص ۷۱
- ۶۲- تعریف واقعیت و شناخت واقعیت ص ۷۳
- ۶۳- بیان حد یقین و کمال ص ۷۵
- ۶۴- بیان برهانی "صرف الوجود کل الاشیا لا بشیئ منها" ص ۷۶
- ۶۵- بیان مشاهده و رابطه آن با برهان ص ۷۷
- ۶۶- بیان ادراک قلبی و ایمان ص ۷۷
- ۶۷- مکانیزم و چگونگی نزول وحی ص ۷۹
- ۶۸- درک جوهر و عرض و چگونگی ادراک ص ۸۰
- ۶۹- بیان رسول الله بنام اسم اعظم ص ۸۱
- ۷۰- تفسیر "السماء الحسنی" و آیه "ایما تدعوا فلسه الاسماء الحسنی" ص ۸۱
- ۷۱- بیان وجود و تجلی وجود ص ۸۲
- ۷۲- بیان ویژگیهای جلوه ص ۸۳
- ۷۳- لازمه جلوه تعینات است ص ۸۳
- ۷۴- رابطه ایدئولوژی و استدلال، عقیده و برهان ص ۸۴
- ۷۵- انکار مجهول کفر است، برخورد با نظریه الحادی برتراند راسل ص ۸۶، ۸۵
- ۷۶- انکار مطلق سد راه است ص ۸۷
- ۷۷- قرآن و چگونگی استفاده و توشه گیری مردم از آن ص ۸۸، ۸۷
- ۷۸- بیان صفت عدالت خداوند ص ۸۹
- ۷۹- رابطه عبادت و رشد و تکامل ص ۸۹
- ۸۰- برخورد محتوایی و پرهیز از شکل گرایی ص ۹۲
- ۸۱- بیان علیت و سببیت ص ۹۵، ۹۴
- ۸۲- بیان اثر و موثر ص ۹۵
- ۸۳- تفسیر آیه شریفه "هو معکم اینما کنتم" و بیان احاطه قیومی خداوند بر جهان ص ۹۶
- ۸۴- بیان علت جنگ موسی و فرعون ص ۹۹ بقیمه در صفحه ۲۲

- ۷- تعریف اسم اعظم ص ۱۰
- ۸- بیان تسبیح در پدیدههای غیر از انسان، بیسان قضیه تسبیح سنگریزه، تفسیر آیه "ان من شیئ الا یسبح بحمده" ص ۱۰
- ۹- تفسیر آیه شریفه "الله نور السماوات و الارض" ص ۱۲ و ۱۳
- ۱۰- تعریف رحمت و رحمانیت خداوند ص ۱۴
- ۱۱- بیان دو وجه هر موجود وجه وجودی و وجه نقیص هر موجود ص ۱۴
- ۱۲- نفی نیستن انگاری، همه تعریفها برای آری واقع میشود ص ۱۷
- ۱۳- تعریف حمد ص ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۸، ۲۹، حمد: ۱- حمد هر چیز ۲- هر حمد ۳- حمد مطلق
- ۱۴- تفسیر آیه شریفه "ما ریت ان ریت و لکن الله ری" ص ۱۶
- ۱۵- تعریف ادراک، باور قلبی، ایمان ص ۱۸
- ۱۶- قیامت و تجسم افعال ص ۱۸
- ۱۷- تفسیر "من عرف نفسه فقد عرف ربه" ص ۲۰
- ۱۸- بیان رابطه دنیا و آخرت ص ۶۱، ۶۲، ۶۱
- ۱۹- تعریف حب نفس ص ۲۱۲
- ۲۰- تعریف استدلال، معنی عرفان واقعی خدا ص ۲۲
- ۲۱- تعریف موضوع، مورد و مربوط "بسم الله" ص ۲۶
- ۲۲- رابطه خدا و پدیدهها ص ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷
- ۲۳- برداشتی از تجلی، شمس و نور شمس، نفس و قوه باصره و قوه سامعه نفس ص ۴۶
- ۲۴- تفسیر دعای سمات "و بنور وجهک الذی تجلیت للجبل" ص ۴۷
- ۲۵- تعریف مشیت، بیان کیفیت آفرینش، تفسیر روایت "ان الله خلق المشیه بنفسها و خلق الاشیا بالمشیه" ص ۴۱
- ۲۶- تعریف هجرت بسوی خدا، تفسیر آیه "من یخرج من بیته مهاجراً الی الله" ص ۳۳، ۳۲
- ۲۷- بیان از چاه ص ۳۴
- ۲۸- تفسیر حدیث "اعدی عدوک نفسک التی بین جنیک" ص ۳۲
- ۲۹- تحلیل علل جنگها، رابطه آن با انسانیت (خود محور) ص ۳۵
- ۳۰- هدف از بعثت انبیاء ص ۳۷ هدف از رسالت انبیاء ص ۲۳، ۴۰
- ۳۱- تفسیر حدیث جهاد اکبر و بیان اخلاص بر عمل ص ۳۸
- ۳۲- بیان قضیه خندق و شیوه برخورد علی (ع) ص ۳۸
- ۳۳- بیان انواع عبادت، عبادت ابرار، عبادت تجار ص ۴۰
- تفسیر روایت "عشق العباد و عاقبتها" در مورد علی (ع) ص ۳۹
- ۳۴- تفسیر حدیث شریف "الناس نیام اذا ماتوا انتهبوا" ص ۴۰
- ۳۵- تفسیر آیه شریفه "ان جهنم محیطه بالكافرین" و بیان واقعی بودن جهنم ص ۴۰
- ۳۶- تعریف عدل و ظلم و اقامه عدل ص ۴۰
- ۳۷- اصلاح پیرو جوان و نقش من در تحول یابندگی انسان ص ۴۱
- ۳۸- بیان از دنیا و آخرت و تفسیر آیه شریفه "ما عندکم ینفذ و ما عند الله باق" ص ۴۱
- ۳۹- تعریف دنیا و اهل دنیا و حب دنیا ص ۶۰
- ۴۰- بطن های قرآن ص ۴۹

غرور از سرورزیها آفت بزرگی است که شیطان باطنی در بندگان خدا بوجود میآورد: امام خمینی



بنام خدای شهیدان

توضیح:
۱- کتب به باور تحلیلهای سیاسی نیروهای
که به این کار اختصاص دادیم درج نمائیم.
مجموعه‌ای از اخبار مهم روزنامه‌ها را در بخش از نشریه
همانطور که هستند (تحلیلهای ما را بر روی بنامید بر آن شدیم
از آنجا که اخبار و اطلاعات صحیح (گاهی
توضیح:
۲- دادن پیش استراتژیک از دیدگاه‌های ایران
و منطقه و جهان.
۳- کتب به پیدا کردن دیدگاه استراتژیک از مراحل
رشد خلق و افول امپریالیسم.
ضمناً راه مجاهدت با این اخبار برخورد فعال
میکنند.

آیت... العظمی منتظری امید امت و امام

جمهوری اسلامی ۶۱/۱۲/۱۸ تا انشاء الله تعالی کشاورزان بتوانند
دقت کنند (قضات) ذره‌ای از با اعتماد کامل کشور را ز نظر محصولات
ضوابط و دستورات شرح مقدس تخطی کشاورزی به خودگفایی برسانند
نمایند و آقایان از تاثیرات مثبت و وصیم جمیع مسئولین بر رعایت
اخلاق اسلامی و روحیه متهمین الاحتیاط و المراقبه فی جمیع المراحل
غافل نباشند ۰۰۰ رفتار شامد ر تمام والسلام علیکم ورحمت اللع وبرکاته
مراحل بازجویی دادگاه رفتار حسینعلی منتظری ۶۱/۱۲/۲۳



اسلامی و انسانی باشد آنها اگر
در بیرون به کارهای وحشیانه و بریختن
خون های مقدس دست زده و میزنند
شما بان نشان دادن چهره‌های واقعی
اسلام اغفال شدگان آنها را ارشاد
نمائید البته نمی گوئیم گرفتار ساد
لوحی و سادماندیشی شوید بایست
تمام تاکتیکها و شیوه‌های گوناگون آنها
را بخوبی بدانید، آنچه منظور اصلی
من است همان است که در پیام ها
و دستورات حضرت امام مد ظله العالی
آمده که این جوانان اغفال شده
فرزندان همین کشورند ۰۰۰ در نظر
شارع مقدس اسلام اگر فرضاً گناهکاری
از جنگال عدالت فرار کند بهتر است
تاینگاهی بدام افتد

اخبار داخلی

ارد بیللی بفرماید قانون کاری که عقب
افتاد مترز قوانین کار رایج در دنیا
باشد، برای مامایه شرمندگی است
آیا ایشان خلاف گفته‌اند؟ اگر این
شخصیت‌ها از انقلاب کنارت رفتند و روی
دشمن باز شد چه کسی این قافل
را رهبری کند؟

اطلاعات ۶۱/۱۱/۱۳
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
اکتون جریان‌های مروجیه اسلام
اسلام شعارهای ضد اسلام داده و
حرکت‌های ضد مردمی نشان می‌دهند
این جریان‌های مروجیه
فکر نکنند که باتکیه ظاهری بر اسلام
میتوانند مردم محروم را از انقلاب
جد اکند زیرا مستضعفان از اسلام
جد انمیشوند و اسلام هم جسد از
محرومین نیست و این دو بایست متصل
به هم هستند که انقلاب را به ثمر
رسانند.

کپهان ۶۲/۱/۶
حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی
اگر بخواهیم نسل آینده معارف
اسلام را بفهمد اگر بخواهیم این
دگی که تحمیل شده بر جامعه
ما این دگم را بشکنیم، اگر بخواهیم
طلبه‌های ما آزاد فکر کنند و آزاد در
کتب و روایات و قرآن نگاه بکنند و حرف
را بفهمند و به مردم بگویند، اگر
بخواهیم آزادانه روزی این منبع
عظیم معارف را بر مردم روشن بکنیم
باید آزاد اندیشی و آزاد گفتن
را حمایت بکنیم

اطلاعات ۶۱/۱۲/۲۶
حجت الاسلام عبد الله نوری
۰۰۰ آیا وقت آن نرسیده که حرکت
عظیمی در جهت رفع محرومیت کلیه
مستضعفین و به ویژه روستائیان انجام
گیرد و از بیچارگان حمایت شود؟
نظام جمهوری اسلامی که زیربنای
حرکت خود را تحقق اراده خدا
میداند که "و نريد ان نمن علی
الذین استضعفون الارض و جعلهم
ائمه و جعلهم الوارثین" ۰۰۰ اگر

کپهان ۶۱/۱۲/۲۲

حجة الاسلام فاضل هرنندی
در نماز جمعه قم: ۰۰۰ زمان
روزی نیست که مابه هرقامی به هر
ارگانی و در هر شرایطی هر انتقادی
خواستیم بکنیم ۰۰۰ امروز که امام
میفرماید مجلس در رأس همه امور
است و باید بره و قوه دیگر هم نظارت
کند و کنترل داشته باشد، اگر
امروز این شخصیت والای مجلس را
در هم شکستیم برای آینده انقلاب
چه تضمینی داریم؟ آیا این بی انصافی
نیست که به نمایندگان مجلس بگوئیم
اگر شما سواد عربی ندارید بروید
توضیح المسائل را بگردانید و بخوانید
و قانون تصویب کنید ۰۰۰

کپهان ۶۲/۱/۱۵
توجه داشته باشیم این مهم با
شعار فقط بدست تنهاد و لت علمی
نیست باید همه اقشار و طبقات همچون
گذشته دست برداری و صمیمیت
و اخلاص به یکدیگر داده و از دست
آورد های انقلاب که با خون جوانان
عزیز در جبهه ها و پشت جبهه ها
برای مابقی ماند حمایت نمائیم باید
بمجلس شورای اسلامی و دولت مجال
خدمت به محرومین را بدیم دولت
و مجلس هم باید پیش از شعار و وعده
بفعل و رفع محرومیت ها و کمبود ها
بپردازند ۰ ملت بزرگوار و فد اکار ما
هم با توجه به توطئه جهانی ابر
قدرتها علیه جمهوری اسلامی
از مسئولین انتظار عاجزان دارند و ما
پیش کردن زهد اسلامی که همان سیره
اولیاء اسلام است از سقوط در دام
شیطانی، مصرفی شدن و رفاه
طلبی و تجمل پرستی که میراث شوم
طاغوت بود خود را حفظ خواهیم
نمود ۰ انقلاب ما در این مرحله به
ایثار اخلاص و وسعت نظر و تفکر
و اغماض نیاز دارد ۰ در جمهوری
اسلامی باید به ارزشهای انسانی
ولایتها و استعداد های خدا داده
افراد ارج نهاد و از آنها راه خدمت
به انقلاب و مردم استفاده نمود باید
شیوه برخورد مابه شکلی باشد که بجای
دفع افراد به سمت دشمنان اسلام
آنان را خلع سلاح نمایم و افراد ساد
لوح و خدمت گذار و احمقان "گول
خوردن را به دامن اسلام برگردانیم
اگر برخورد ما موجب یاس و زدگی فردی
و گرایش او به جبهه ضد انقلاب شد
در تمام سیئات و گناهان او شریک
خواهیم بود و باید در پیشگاه الهی
پاسخ گویاییم همگی بگوئیم حالات
معنوی و خلوص را در خود تقویت
نمائیم ۰۰۰

اطلاعات ۶۱/۱۲/۲۴

در رابطه با واگذاری اراضی موات
به کشاورزان و روستائیان، آیت الله
العظمی منتظری به سؤال حجت
الاسلام فاضل هرنندی پاسخ دادند
و استفتائیان به شرح زیر است
متن سؤال: همانگونه که
مستحضر میباید تکلیف نهایی
اراضی زراعی موات و مصادره شده
در مجلس شورای اسلامی هنوز معین
نشده و از طرفی طبق قانون اساسی
اراضی موات از جمله انفال است که
اختیار رسیدن دولت اسلامی میباشد
بنابراین تکلیف ستاد مرکزی واگذاری
و احیاء اراضی در رابطه با ادامه کار
خود، در مورد اینگونه اراضی چیست؟
پاسخ: چون احیاء اراضی
موات و کشت اراضی مصادره شده
توسط دادگاه های اسلامی برای
خود کفایی کشور ضروری و حیاتی
است و هر چه مریخ نیز در چنین موضوع
مهمی مرضی شارع مقدس نیست
بنابراین تا زمان تعیین تکلیف نهایی
از طرف مجلس شورای اسلامی لازم
است ستاد مرکزی احیاء و واگذاری
اراضی موات و مصادره شده، فقط
همچون گذشته زیر نظر دولت و نظارت
دقیق جناب عالی به کار خود ادامه
دهد و با نظارت کامل بر هیئت های
هفت نفره متشکل از افراد صالح
مراقب باشید از ضوابط شرعی تخلف
نشود ۰ امید است دولت هم به
اندازه توان و قدرت خود در این امر
حیاتی کمک های لازم را انجام دهد

کسانی که حرف منطقی دارند باید
حرفشان را شنید، بر مشکلات نیافزود
و ضد انقلاب نباشند.
آیت الله منتظری



می بینیم دولت و مجلس ما می خواهند در جهت برطرف کردن محرومیت ها گام بردارند باید به آنها کمک کنیم و اگر خدای نخواستہ احساس کردیم نمی خواهند در این جهت گام بردارند باید وادارشان کنیم که برای محرومین کارکنند . . . آیا حمایت از مستضعف مقابلہ و یازاویہ گرفتن از اسلام است؟ و یا اصلی است از اصول اسلام؟ . . . آیا بلا تکلیفی و روشن نشدن قوانین اصولی نظام جمهوری اسلامی تا چه حد به نظام و ثبات آن لطمه میزند و آیا در رابطہ با این بلا تکلیفی چه کسی مسئول است؟ . . . اخیراً " جریان مقابلہ استضعاف و اسلام مطرح شده که همان ماجرای تخصص و مکتب را تداعی میکند و چنین تلقی شده که اگر کسی بحمايت از مستضعف برخاست ، متمايل به چپ و راست و شرق و غرب است و به تعبیر دیگر اسلام ناب را نمی داند و اصول گرا نیست . . . این درست است که همه کسانی که حمایت از مستضعفین میکنند مسلمان نیستند لکن، هر انسان مسلمانی باید از محرومین حمایت کند و ما معتقد هستیم که حمایت از محرومین و مستضعفین از اصول اسلامی و از ارکان انقلاب اسلامی بود و نمی توان از آن دست برداشت و اینجاست که یکبارہ انسان به فکر فرو میرود که آیا مقابلہ محرومین و اسلام یا محرومین و نهایتاً " به بن بست رساندن انقلاب اسلامی هدف چه کسی است و چه کسانی از تحقق یافتن این هدف خوشحال میشوند و آیا جریان دیگری برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی در کار نیست . . . چه شده است که در میان همه سخنان حق و باطل و درست و نادرست علیه کسانی که به نفع محرومین موضع گرفته اند و اسلام را به عنوان بزرگترین حامی محرومین معرفی میکنند ، افشاگری میشود؟ چطور اگر علیه فلان انجمن و گروه سخن گفته شود باید دعوت به سکوت و سازش کرد ، ولی در قبال چهره های بزرگ انقلاب اسلامی که مدافع حقوق زنجیدگان و ستم کشیدگان میباشند باید افشاگری کرد؟ . . . در شرایطی که همه دنیا جنگ را مسئله اصلی ایران دانسته و تکیه گاه ایران را بر نیروی عظیم انسانی اسلامی آن میدانند و این نیروی عظیم هم از قشر محروم و مستضعف جامعه است ، آیا طبیعی است که به یکباره مسئله دیگر غیر از جنگ اولویت پیدا کند و آنهم در جهت یأس نیروهای پشتیبان نظام جمهوری اسلامی؟ و سئوالات دیگری که در اینجا مطرح نمیکند . . . در شرایطی که جنگ اصلی ترس مسئله نظام جمهوری اسلامیست و همه نیرو و تلاش و توان را باید بر سر جنگ با صدام خون آشام که جنگ همه اسلام و همه کفر در این

دوران است ، بکار برد ، به مسائل دیگر که شاید انحراف از خط اصلی انقلاب اسلامی است نپردازیم و با کتک و تلاش بین شائبه استیلاگر سر ، شاید انحراف از خط اصلی انقلاب اسلامی است نپردازیم . . . طبیعی است در کنار حرکت عظیم نیروهای ظفرمند اسلام باید نیرو های پشت جبهه و مسئولین عالی رتبه مملکتی و عالمان اسلامی تنظیم و تدوین خطوط اصلی فقه اسلام در رابطہ با اقتصاد و سیاست و فرهنگ و غیره را بعهده گرفتیم و مسئولیت سنگینی را که در قبال خون

حکم می برند به مجلس میگویند ضرورت است و امام فرموده و دو سوم نمایندگان در مجلس اگر ضرورت بداند درست میشود . میگویند باید تمام خانهها را گرفت و مجلس تصویب کند که هر کس هر جا نشسته مال خودش است و شاید هم اینطور شد ولی ما نمی خواهیم اینطور بشود ، نگذارند به آنجا برسند . برای اینکه صحیح نیست ، چون اسلام برای مالکیت احترام قائل است و مالکیت مشروع محترم است و ما میخواهیم مملکت ما رو به روال اسلام پیش برود و کمونیست نیستیم و نمیخواهیم که دولت سرایی

پذیر نیست . . . قوانین اسلام را بنا بر ضرورت نمی توان زیر پا گذاشت . . . اگر مالکیت از راه مشروع بدست بیاید ، مشروع است . . . اسلام میگوید مال مردم را همینطور نمیشود گرفت . . .

اطلاعات ۶۱/۱۱/۲۴
آیت الله یوسف صانعی : شما امروز باید برخلاف گذشته با قوانین خشک برخورد نکنید تا محروم محروم تر شود . زیرا با این مسئله بطور جدی برخورد خواهد شد . . . اگر من بینیم در جای محرومی محروم تر خواهد شد در مقابل آن خواهم ایستاد . . .

کیهان ۶۱/۱۱/۱۶
آیت الله مهدوی کنی : . . . من با تندی و سخت گیری مخالفم . با خشونت مخالفم ، مگر آنهایی که

حل اختلافات فکری و ایدئولوژیک موجود در جامعه در مورد لوایح و قوانین انقلابی .

بنام خدای شهیدان
اختلاف نظر نیروها بر سر لوایح انقلابی پیشنهادی به چند دسته تقسیم میشود :
۱- موضع معرفتی : جریانی به لحاظ فکری و عقیدتی با لوایح انقلابی مخالفت دارند نه وابستگی دارند و نه سرمایه دارند ولی با تفکرشان لوایح تقسیم زمین ، بندج و غیره جور رنی آید .
۲- سرمایه داری داخلی : بعضی از موضع غیر وابستگی ولی به لحاظ تضادی که با منافعیشان دارد مخالف هستند ولی همین اقشار در جای دیگر حاضرند با بیگانه ، با تجاوزات امپریالیسم مبارزه کنند . مثل بازاریان متعهد به انقلاب که راه تعالی ورشد آنها همین است که آنها را در مسیر مبارزه با امپریالیسم بسیج کرد .
۳- وابستگی : جریانی از موضع وابستگی و فزون طلبی با لوایح انقلابی مخالفند و با خط امام تضاد قهر آمیز دارند . بقاییشان به درآمد نفت وابستگی دارد . طبعاً " اگر ادامه جنگ به قطع نفت بگردد موضع شان علنی میشود .
صحبتهای امام خمینی با مجلس ، بازاریها و حتی پیام ۸ ماده ای امام بنظر میرسد که شیوه حل صحیح

این اختلافات عقیدتی را ارائه کند و تشریح متعهد بازار را از جریان وابسته متمایز و جدا می نماید . برخی محورهایی مهم پیام اخیر چنین بود :
۱- تکیه به اسلام اصیل بدون پیشداوری و گرایش کمونیسم و سرمایه داری (جلوگیری از دو قطبی کاذب چپ و راست) .
۲- اختلاف مجلس و شورای نگهبان باید مثل دو مجتهد باشد (یعنی مجلس بجای تکیه بر اکثر آراء باید به قدرت اجتهاد و پشتوانه مکتبی لوایح تکیه کند) .
۳- در لوایح قبل از تصویب با شورای نگهبان مشورت کنید (طبعاً " در این برخورد ها د لایصل مکتبی بایستی مطرح شده و مبارزه ایدئولوژیک سالم شروع میشود) .
۴- هر کس بگوید من نقص ندارم همین نقص است . (ازین بگردن جو تناقض و اینکه هر یک دیگری را مقصر بدانند مانع بوجود آمدن جو مبارزه سالم ایدئولوژیک است) .
۵- همه حسن نیت دارند ولی هیچکدام همه جانبه نگاه نمی کنند یک وجه را می بینند .
۶- سعی کنید برای خدا نظر مردم را جذب کنید به بازار فشار نیاورید (شیوه برخورد با بازار نباید

به نحوی باشد که آنها را به جریانات وابسته و ضد انقلاب جذب کند) امام در پیام دیگری مواضع ضد سلطنت و ضد امپریالیستی بازاریان را ذکر کرده و آنها را در جنگ اسلام و کفر جهت داد و به مبارزه ضد اجتناب و ضد امپریالیستی کشاندند ، که تعالی و رشدشان در همین است و از جریان وابسته نیز جدا میشوند) .
۷- اگر چند لایحه اینطور شود از آنجا که مردم اسلام را میخواهند مجلس میرود زیر سؤال (در کسادر قانون اساسی مقام شورای نگهبان ذیصلاحتر از مجلس است و مردم چنانچه در کسادر قانون اساسی بررسی کنند طبعاً " به چنین شکلی میرسند) .
۸- سپاه برای خدا در صدد جلب نظر مردم باشد .
۹- فکر نکنید که قدرت نظامی شما را ننگ داشته قدرت ایمان و ملت است .
۱۰- اگر فردا علیما شعار داد ما چکاری توانیم بکنیم .
۱۱- مجلس برای ضرورتهای حداقل دو سوم رای را سعی کند بیاورد (برای قانع کردن دو سوم آراء مجلس طبعاً " یک پشتوانه مکتبی و منطق قوی لازم است که سایر فقها نیز قانع خواهند شد) .

اطلاعات ۶۱/۱۱/۱۹
آیت الله مهدوی کنی : . . . ما باید زمینه ظهور امام زمان (عج) را در مکه فراهم کنیم و بدین منظور مکه باید از لوث وجود امریکا پاک شود و از آن مسلمین گرد و این جز با الهی شدن مردم و اسلامی شدن کشورهای مسلمان نشین همچنانکه در ایران با انقلاب پرشکوه اسلامی تحقق یافته و استقلال و آزادی را برای ما بهارمغان آورده - امکان

امام فرمودند . . . بسایید از احساسات و عواطف دینی و انسانی مردم در رفع نابسامانیها استفاده کرد و نباید با سرنیزه و زور وادار کرد به کار خوب . . . قانون مالک و مستأجر در مجلس تصویب شده و در شورای نگهبان است و مستأجرین دعا میکنند که در شورای نگهبان رد نشود و مالکین برعکس . . . ما ملت مسلمان چرا یک کاری می کنیم که مجلس مجبور باشد بعنوان ضرورت قانون بگذارد برخلاف موازین اولیه اسلام باید مستأجرین آنجا باشد و زمین این آقا تقسیم بشود . چرا من و شما و آنهايي که دارند خودشان در فکر دیگران نیستند . . . و اگر حکم نکنید

اطلاعات ۶۱/۱۱/۲۴
آیت الله مهدوی کنی : . . . ما به خدا و امام سوگند یاد کرده ایم که اگر قانونی برخلاف شرع اسلام باشد ، تصویب ننماییم تا روحانیت کنار رود ، و خط هایی در پشت پرده است تا دوباره قضایای مشروطه را برگرداند و انقلاب را از خط اصلی خود به انحلال کشاند ، ولی ما بر حسب وظیفه ای که در برابر قرآن و اسلام داریم ، می مانیم .
نشریه جهاد سازندگی ۶۱/۱۲/۲۵
برادر زنگنه در سمینار سراسری جهاد مدارس : . . . مسئله مهمی که برای جهاد مطرح است تفاوت بین جهاد و ادارات است . . .



قانون برای ما يك مزیندیهایی می‌گذارد اما در واقع کارماست که می‌تواند آینده جهان را ترسیم کند و تاکنون نیز عملکردهای ما مشخص کننده وضعیت ما بوده است...

ما از اول انقلاب در جامعه و حتی در دنیا، قبل از پیروزی دو خط داشتند که يك خط در دنیا بعنوان خط اصلی حاکم بوده است که این اصل بر هر حرکتی که در جهان صورت می‌گرفته حاکم بوده است. اما انقلاب ما يك خط و يك اصل دیگری را آفرید و عرضه کرد خطی که از قبل بوده و هم اکنون نیز هست و در ابعاد مختلف در مقابل انقلاب ما قرار گرفته است و آن خطی به نام خط "اصالت علم تجرین و خط اصالت علم استدلالی" و "خط اصالت عقل حسابگر" است که در حقیقت خط سازش است و در مقابل ما که خط "حزب الله" و "خط اصالت وحی" و "اصالت توکل" و "تقوی، ایمان" و در واقع همان تبلور خط "امام" است قرار گرفته است و ما در ابعاد سیاسی این دو خط را بصیارت روی هم دیده ایم... خط امام معتقد بود که بسا توکل بر خدا می‌تواند با قدرتهای مخالف اسلام و استعمارگر بمقابله برخیزد و می‌گفت امریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند و این حسابش روی دو دوتا چهار عقل حسابگر نبود و پیشتر توانه‌اش ایمان الهی، تقوی و توکل بر خدا بود چه در غیر این صورت اگر اصالتش بر مبنای عقل بود به بن بست می‌رسید و گیر می‌کرد چنانکه آنها در جریان سیاسی لانه جاسوسی گیر کردند...

خط سازش تنها در مسائل سیاسی نیست مثلاً ما می‌گوییم کشاورزی ما باید خودگذا باشد در این رابطه خط سازش می‌گوید باید طبق آمار و استدلال دید که ما چقدر بولدوزر، گریدر، لودر و تراکتور داریم، بعد می‌گویند علم به من نشان داده است که ایران نمی‌تواند يك کشاورزی بشود یعنی آب ندارد زمین ندارد... بنا بر این باید از خیر این مسئله بگذریم و یا اینکه می‌گویند ما باید سدهای بزرگی بسازیم فلان مقدار وسایل... وارد کنیم، و خلاصه تا بالای سر زیر بار قرض برویم و چون نیازهای دیگر هم داریم، و متخصص هم نداریم، باید يك مجموعه‌ای از وابستگی برای خودمان ایجاد کنیم و بعد هم حتماً "اسمش را می‌گذاریم که با وابستگی هامبارزه می‌کنیم... و اما آنچه که می‌تواند برای جهان خطر باشد این است که آگاهانه یا ناآگاهانه دید علم تجرین بر او حاکم شود مثلاً مثل گذشته ملاک مادیات قرار بگیرد و ایثار مفهوم - اثر را از دست بدهد... آنچه اساس کار جهاد و آینده جهاد را می‌تواند به خطر اندازد تقدم کیفیت کار نسبت به کیفیت کار است

یعنی تقدم عمل در مقابل چگونگی عمل کردن است... اگر جهاد نماند جفا شده و اگر جهاد اینطور عمل نکند به انقلاب ظلم شد و نیازمند به باقی ماندن جهاد به جهادی است... با تجربیاتی که مابعد است آورده ایم و بدنبال آن هستیم، این است که ما باید از معماری خاص روستا جهت خودکفایی و عدم وابستگی به خارج استفاده کنیم و جهاد در این رابطه می‌تواند نقش بسیار حساس و آینده‌سازی را ایفا کند و هم اکنون نیز در زمینه‌های سیاسی و در حفظ انقلاب و حاکمیت سیاسی خط امام و از این بیعد در حاکمیت اقتصادی و اجتماعی و همه جانبه خط امام بسا طرز تفکرات و گرایش‌های التقاطی که در برخورد با مسائل و مشکلات جامعه مطرح می‌شود، جهاد نقش بسیار مؤثر و جالبی را داشته است. اگر جهاد صددهای بیند از درون آن استلزاماً اگر بر هر جریان سیاسی صدمه‌ای وارد شود از درون است و عوامل خارجی به اقتضای عوامل درونی هستند که می‌توانند اثر بگذرانند و اگر مجموعه‌ای درونش را یک و خالص باشد عوامل بیرونی نمیتواند بر آن اثر بگذارد. اگر جهاد، جهادی بماند هیچکس نمیتواند جهاد را اداری نماید.

راه می‌جاهد؛ خوب است که روی رابطه علم وحی با استراتژی و خط مشی انقلاب اسلامی بیشتر کار شود. علم وحی به عقل متکی به فطرت خدا - جو اصالت میدهد و نه به عقل متکی به منطق غریبی یونان، عقل متکی به فطرت نه نافی برنامه ریزی و حسابگری است و نه مانع انقلابیگری و مبارزه با جهان‌خواهان، بلکه از صفات خدا بسط خط مشی و شیوه متناسب می‌رسد.

کیهان ۶۲/۱/۶
حجت الاسلام رفسنجانی: ۰۰۰
به نظر من جامعه‌ای که قرآن و اسلام و عدالتی که اسلام میخواهد بیسن مردم از ابعاد مختلف ایجاد کند آنقدر بالاست و متعالی است که ما هر چه قدر تلاش کنیم با فرهنگ موجود جامعه و با تربیت خاص که امروز در دنیا هست نمیتوانیم به این زودی به این راه طولانی برویم... سیره انبیاء گذشته و سیره ائمه فقها را داریم که از داخل اینها مطلب می‌فهمیم و همه هم يك جور نمی‌فهمند جامعه باید آن اندازهرشد داشته باشد جامعه اگر يك نفر اهل نظری مطلبی اظهار داشت دیگران هم حق نظر دهند تا دیگران هم در مقابل نظر او اظهار نظر بکنند... در یکی از جنگ

دو سه سال اول که پیغمبر غنایم بسیاری بدست آورد فرمود انصار خیلی محبت کردند من حالا برای ایجاد تعادل پیشنهاد میکنم انصاریا بیازینند که من این غنایم را بین همه شما تقسیم کنم، شما و مهاجرین در کنار هم زندگی کنید اگر می‌خواهید این غنایم را به مهاجرین بدهم تا بتوانند خانه‌ای برای خودشان تهیه کنند و از خانه‌های شما بیرون بیایند. انصار گفتند آنها در خانه‌های ما باشند و شما غنایم را بدهید به آنها زیرا ما زندگیمان تامین است.

همچنین حضرت محمد (ص) آقوزهای درست کرده بود که در شام بود بطوریکه دست توی آن میرفت مقداری پول در این کوزه می‌ریختند و آنرا در میان مردم می‌گرداندند مردم در میان آن دست میکردند و معلوم نبود که چه کسی در آن پول میریزد و چه کسی پول در می‌آورد. آنها که نیازمند بودند پول برود داشتند

و آنان که نیازی نداشتند در آن پول می‌ریختند... روزی یکی از شیعیان نزد امام صادق (ع) آمد و گفت آقا ما نمی‌دانیم خراسان چقدر خوب شده مذهب شیعه دارد قوی میشود مردم خوبند... امام فرمود روابط اجتماعی شیعه‌ها با هم چگونه است مثلاً اگر یکی از شماها نیازی داشت و دیگری - همان نیاز را در خانه‌اش یا در کاشی یا جای دیگری داشت این می‌تواند به خودش حق بدهد بدون کسب اجازه از او از اموال او استفاده بکند و نیاز خودش را بر آورد کند؟ او فکری کرد و گفت نخیر آقا اینجوری نیست امام فرمود بنابراین شما آن شیعه‌ای که ما میخواهیم نیستید، به شیعیان مسافر خراسان بگویید بین شماها باید اینطور باشد... امام صادق فرمود کسی که خانه‌ای داشته باشد که این خانه خالی باشد و خودش نیاز نداشته باشد و مومنی هم احتیاجی به سگی داشته ولی این خانه را به او نمی‌دهند، خداوند بملائکه می‌گوید این بنده من نسبت به این بنده من بخل ورزید... به عزت خودم قسم که این حق سگتی در بهشت من راندارد... تقوی پهنه وسیعی دارد اگر انسان میبیند که حق پایمال میشود باید دنبال آن را بگیرد و نگذارد هر جا که اسلام در خطر است جامعه در خطر است و انسان با تقوی با همه این مفسد و خطرات مبارزه میکند.

اطلاعات ۶۱/۱۲/۱۶
ایت الله صانعی: اصل مالکیت برای ما محترم است همانطور که در اسلام به خون شهدا ارجح نیستیم باید به مالکیت نیز ارجح نیستیم در باب خون باید احتیاط کرد و در باب مالکیت نیز باید احتیاط کرد... اگر کسی فکر کند که ما در این نظام مالکین و مالکیت را می‌گیریم، این اشتباه بزرگی است... تا اسلام هست مالکیت شخصی و مشروع نیز با بر جاست... شما آقایان قضات عامل به قرآن هستید... به طرفی حرکت کنید که برای خدا باشد... وقتی طرفین يك قضیه برای دادخواهی به شما مراجعه می‌کنند شما ببینید کداميك نیازمند تر است و این قضیه به زندگی کداميك از این افراد بستگی دارد... ایا کسی که با حکم آن قاضی محترم، مغازه‌اش را از دست میدهد و زندگی - اش از هم پاشیده میشود، آن بیشتر نیاز به آن مغازه دارد و یا آن شخصی که پرتقال و نارنگی شب‌عیدش دیر شده و آقازاده‌هایش در خارج به سر می‌برند و ارز این مملکت را برای خوشگذرانی آن آقازاده به خارج می‌فرستند کداميك از این دو مستحقتر است... سعی کنید همیشه به مستضعفین و محرومین کمک کنید تا آنجا که دست شما قضات محترم باز است به محرومین کمک کنید همیشه به سراغ محرومین بروید و آنها را دریابید و جایی که تشخیص دادید که با حکم شما، آن محروم از سبب در خواهد افتاد، به آن کمک کنید. شما می‌توانید با قانون بازی کنید و يك امر احملی برای آن پیدا کنید و من بعنوان دادستان کل کشور، از شما قضات محترم در دادگاه انتظامی قضات حمایت خواهم کرد... شما فقط در راه کمک به محرومین قدم بردارید و مواظب نیش قلمتان باشید و البته این مسائل که عرض کردم، در مورد محل کسب و مغازه‌ها است چون مسئله مسکن يك مسئله جدا از این قضیه است.

اطلاعات ۶۱/۱۲/۲۶
حجت الاسلام عبدالله نوری: ۰۰۰
سعی کنید جهاد به اداره‌ای تبدیل نشود که فقط به فکر ساعات معین شده کار و به فکر حقوق باشند و نمی‌خواهیم که جهاد به این صورت درآید... تنها این نباشد که به

کیهان ۶۱/۱۱/۱۷
نخست وزیر: ۰۰۰
تلاش زیادی میشود که بصورت مرموزانه‌ای بین دولت و بازار را اختلاف بیندازند... من فکری نمی‌کنم برای آنکه بفهمیم که چرا این فعالیتها مرموزانه صورت می‌گیرد، همینقدر شما توجه داشته باشید که بازار اگر بصورت سوبرمارکتی بسود (بطور تشبیلی خدمت برادران عرض

نگاهی گذرا به نقاط رشد انقلاب اسلامی در سال ۶۱

بسم الله رب المستضعفین

آموزشهای مکتبی؛ تشدید نیازهای ایدئولوژیک مردم و گسترش منطق الهی صدیقین در سال ۶۱ نیازهای ایدئولوژیک و مکتبی نسبت به اسلام در سطح وسیعی تشدید گردید (شهیدی در - هنگام شهادت تنها آرزوی او این بود که تفسیر سوره الحمد امام گفته بود و شهید دیگری در وصیتنامه‌اش تاکید زیادی بر کار روی تفسیر الحمد نمود بود (۰۰۰۰۰) و جوابگوئیهای خوبی نیز در ابعاد مختلف جامعه به این نیازها داده شد که پیامها و سخنرانیهای امام مخصوصاً در مورد عاشورا و حرکت امام حسین (ع) در سهای نهج البلاغه آیت الله منتظری، در سهای فلسفه آقای جوادی آملی، تفسیر دعای کبیر آقایی مظاهری و پخش آنها از طریق رادیو و تلویزیون در سطح جامعه از این قبیلند. سخنان آقای هاشمی رفسنجانی در خصوص عدالت اجتماعی در زمینه مسائل اقتصادی در خطبه‌های نماز جمعه نقش زیادی در تفهیم خطوط اساسی حرکت انقلاب اسلامی و بیان خدا مالکی داشت.

۲- جنگ اسلام و کفر؛ تحقق دفع تجاوز بدون وابستگی؛ در جنگ اسلام و کفر مرحله اول خط مشی - آزادی قدس از طریق کربلا تحقق یافت. این پیروزی همراه با آزادی تقریباً کامل خاک کشور عزیز اسلامیمان از دست کفار یعنی - صهیونیستی بود. انقلاب اسلامی در این مرحله از رشد، حمله‌هایی باتکيه بصر نیروهای خلاق و شهادت طلب جامعه و مردم حزب الله و بدون وابستگی به شرق و غرب، ماشین نظامی کمپ دیوید (امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع عرب) را از خاک کشور عقب راند و به همه مستضعفین دنیا نشان داد که با تکیه به اسلام دین فطرت میتوان در مقابل هر تجاوزی ایستاد و با بسیج مردم و بکارگیری اصولی نیروهای مردمی می‌توان جنگ را به پیروزی رساند، این پیروزی ضربه بزرگی به منطق لیبرالی بود که لزوم اتکا به قدرتهای جهانی برای حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور را مطرح می‌کرد.

"والسلام"



می‌گفت: طبیعتاً هر نوع تلاشی برای اختلاف انداختن بین دولت و یک سوپر مارکت بسیار خنده دار و مضحک به نظر می‌رسید پس اینجا نقشی هست و اهمیتی دارد که این همه سرمایه‌ها - گذاری بر روی آن میشود ۱۰۰۰ این ملت با دقت نظر زیاد به تمام اعمال تک تک کسانی که به یک نحوی مسئولیت بردوش دارند نگاه میکند و در چنین شرایطی من فکر می‌کنم برخورد نهادها و برخورد ارگانها و برخورد تشهرهای مختلف با همدیگر باید بصورت پشتیبانی باید صورت بگیرد و وضعیتهایی که پیدا شد و سعی کرده شد خللی ایجاد شود بخودش باید شک کرد، باید دید که این دید و این فکر از کجا نشأت می‌گیرد. آیا یک خط سیاسی است؟ یک خط مرموز سیاسی است؟ نیست؟ ... آیامای توانیم خلا ناشی از پاییین آمدن قیمت را با زیاد صادر کردن نفت پر کنیم و آیا این مسئله به چاه های نفت ما آسیب نخواهد زد؟ ... فروش نفت ما تقریباً یک حالت تحریم شده‌ای در سطح جهان دارد و دارد پایین می‌آید و هزینه‌های جنگی را هم می‌دیدیم ۱۰۰۰ بنده خدمت امام عرض کردم با این مقدار ارزی که دست ماست و ما مجبوریم قطره قطره آن را مصرف کنیم و بر اساس اولویتها مصرف کنیم، مسلماً ممکن است که روزی برسد که ما به جز گندم نتوانیم چیزی وارد کنیم، اگرچه کارخانه‌های ما بخوابد و اگرچه همه بازار ما بخوابد و ما یقین داشتیم از این مسئله که اگر می‌آمدیم به ملت می‌گفتیم، ملت استقبال میکرد و در این زمینه هیچ شکی نداشتیم. گفتیم که ما با این برنامه پیش می‌رویم ولی انشاء الله با این تحرکی که دولت دارد در برخورد با کشورهای خارجی و در برخورد با بازارهای بین المللی که بحث بسیار طولانی دارد ما یقین داریم که به این مرحله حاد نخواهیم رسید ۱۰۰۰ ما در آینده امید داریم بتوانیم متکی بر تولیدات خودمان و در برنامه متونی که از بطن اسلام و از بطن مکتب آمده‌است (همانگونه که هست) و این در شرایطی است که این تشرع عظیم اصناف می‌تواند بزرگترین خدمت را در جهت خود کفایی کشور بکند.

ما تا کی می‌خواهیم از درآمد های نفت در بودجه خودمان استفاده کنیم. این مسائل خیلی روشن است. و همانطور که قبلاً گفتم ارتباط بین دولت و شما برادران باید بیشتر شود و توضیحات باید بیشتر داده شود و تصمیم گیرها باید بیشتر شکافته شود و شکافته شدن تصمیم گیرها و تصمیم گیرها یقیناً نزدیکی خیلی بیشتر بین کسبه محترم و انقلابی و دولت بوجود خواهد آورد ۱۰۰۰ ما قویا در قبل این مسئله

را عنوان کرده‌ایم که تحلیل انقلاب اسلامی بر اساس تحلیل طبقاتی یک دروغ و یک فریب بیش نیست و آن چیزی که انقلاب را ساخت و آن چیزی که انقلاب را بوجود آورد همان بافت مسجدی جامعه ما بود.

در یک بافت مسجدی و در یک ساخت مسجدی اگر دقت شود، ملاک ها برمیگردد به خدمتگاری، به خلوص، به تقوا و آن چیزی که در آن حضور ندارد برخورد و تعارض بر اساس معیارهای غیر الهی است و صف بندی که در داخل مسجد است متعالی ترین صف بندی است ۱۰۰۰ مردم برخورد هایشان دیگر بر اساس منزلت های کاذب اجتماع می صورت نمیگیرد، دیگر نمیگویند فلانی پولدار است، فلانی دکترا دارد، فلانی مهندس است و اینها تعیین کننده نیست و آنچه برای مردم حق است آن است که آیا فلانی متدین است یا نه، اسلامی هست یا نه، به خدا معتقد است یا نه، به این انقلاب خدمت میکند یا نه.

راه مجاهد:

تحلیل جامعه ایران همچنانکه برادر موسوی می‌گوید در ملاکهای خشک طبقاتی نمی‌گنجد. بافت مسجدی انقلاب اینچنین است که مسجد نه جایگاه سازش ثروتمند و فقیر است بلکه مسجد محل اتحاد تعالی بخش طبقات و تشرهاست که به بهترین وجهی مبارزه اصولی را به همراه دارد. اتحادی که متضمن نفی ارزشها و ملاکهای جاهلیت و امتیازهای طبقاتی و محل تسلیم به سیر همدار تاریخ به سمت

امت واحده می‌باشد. برای توضیح بیشتر به شرح ماده ۶ مکتب راهنمای عمل رجوع شود.

اطلاعات ۶۱/۱۲/۱۹

آیت الله موسوی اردبیلی: من پیشنهاد میکنم که مسئله مسکن برای مردم این سرزمین حل نشده و این چنین بحرانی هست، مجلس شورای اسلامی تصویب کند هیچکس حق ندارد بیش از یک مسکن معمولی برای نشستن خویش در سطح شهر - ها داشته باشد و با این تصویب می‌توان مسکن را از صورت کالای تجاری بیرون برد تا دیگر مورد تاخت و تاز سوداگران نباشد.

راه مجاهد:

مسائلی چون مسکن، ترافیک، ازدحام در شهرها و بیکاری بدون حل تضاد شهر و روستا که یکی از تضاد های اصلی انقلاب ماست بطور بنیادی حل نمیشود. هرچند جلوگیری از سوداگری بر سر مسئله مسکن یک راه حل موقت خوب است.

اطلاعات ۶۱/۱۲/۲۴

حجة الاسلام فاضل هرنندی ضمن اشاره به سخنان آیت الله منتظری پیرامون واگذاری اراضی به کشاورزان از قول ایشان فرمود: آن قسمت از اراضی که قبل از توقف بنده "و دال مطابق قانون واگذار شده است نیز شرعی است و قانونی و ولی بایستی بهای نسق آن و نیز بهای تاسیسات اراضی مذکور به مالکینش مطابق نظر کارشناسان داده شود.

کیهان ۶۱/۱۰/۱۸

اصغری وزیر دادگستری: اسلام نسبت به بیمه کارگر چه چیز های گفته؟ قانون کار را چگونه باید تنظیم کرد؟ آیا حقوق در مکتب اسلام از اخلاق جداست؟ آیا اسلام برای رفاه طبقه مستضعف اجازه میدهد یک نفر تا هر جا که خواست ثروت جمع کند؟ آیا اسلام برای رفاه طبقه مستضعف جامعه مکانیسم هایی در نظر گرفته و یا نه؟ این پیام اور اسلام است که هزار و چهارصد سال پیش بردست کارگر بوسه زد و فرمود این دستی است که آتش نمیتواند به آن نزدیک شود ۱۰۰۰ مگر میشود که بپذیریم بیمه نباشد نمیتوانیم قبول کنیم که مکتبسی با این وسعت و با این همه تاکید بیمه نداشته باشد، کارگر بعنوان یک انسان اسلامی باید از مرخصی استفاد بکند.

مسئله دیگر اینکه اگر خواستند کارگر را اخراج کنند کارگر باید آواره بشود. نباید کارگر تا این داشته باشد؟ بطور مثال اگر یک کارخانه - دار یک ماه کارخانه اش را تعطیل کند مسئله برایش مهم نیست از میلیونها ثروتی که دارد یکماهش کم میشود اما کارگر اگر یک روز مزد نگیرد بچه هایش گرسنه میمانند مگر میشود این را با هم سنجید.

کیهان ۶۱/۱۰/۱۶

آیت الله موسوی اردبیلی: این یک مسئله پیچیده است. از من می‌پرسند آقا بیمه کارگر با اسلام مخالف است. میگویم نه می‌گوید

در رساله نوشته‌است، ببینم مگر در رساله نوشتند این آقا وزیر است من از شما سؤال میکنم آیا اسلامی این است که کارگر هیچ آتیسهای نداشته باشد؟ اسلامی این است که کارگر هیچ امنیت شغلی نداشته باشد؟ و بخش خصوصی هر چه گفت کارگر بگوید چشم ۱۰۰۰؟

پیرامون پیام هشت ماده‌ای امام خمینی

اطلاعات ۶۱/۱۲/۱۹

حجت الاسلام سید جعفر کریمی رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات: متأسفانه بعضی از آقایان در پاسخ دادن به سوالات کوتاهی نموده یا بیش از حد لازم پاسخ را به تاخیر می‌اندازند ۱۰۰۰ حجت الاسلام کریمی افزود امام امت فرمودند شما بسا قاطعیت به کار خود ادامه دهید و هیچکس حق ندارد در مقابل دادگاه بایستد و در صورتی که کسی نسبت به این دادگاه کارشکی نمود معرفی نمایید تا طبق قانون، و شرع با وی برخورد شود.

اطلاعات ۶۱/۲/۱۱

حجت الاسلام رفسنجانی: ۱۰۰۰ ماباید این دستور اسلام را بین خودمان عمل کنیم که تجسسهای بیمورد نکرده و سواظن به یکدیگر نداشته باشیم و تا حد امکان کارهای دیگران را حمل بر صحت نکنیم مگر اینکه خلاف این مطلب ثابت شود. البته موارد خاصی وجود دارد که رعایت احتیاط لازم است ولی در کارهای معمولی باید همه چیز را خوب ببینیم بنابراین حالت خوش بینی و رفاقت مایه اصلی زندگی انسان است.

کیهان ۶۱/۱۲/۱۸

آیت الله موسوی اردبیلی: ۱۰۰۰ در بعضی از شهرستانها و مراکز استان گرههایی بودند به نام حزب الله و اینها افراد را گروهگان می‌گرفتند، شکنجه میدادند، سر به نیست میکردند، ترور میکردند به اسم اینکه اینها فاسداند و دولت نمیرسد ما می‌خواهیم در اینجا اعدام انقلابی کنیم یا اقدام انقلابی کنیم کار بسیار نامشروع و وحشتناک. این رقم شکایات هم در حد خودش کم نیست گروه دیگر از شکایات مربوط است به اشخاصی که از تشرهای انقلابی سوءاستفاده کردند به شکل پاسدار، پاسدار سپاه، پاسدار کمیته یا گروه ضربت دادستانی یا پاسدارها - ی مربوط به حفاظت شخصیت ها

گاهی قاطعتر شد انقلاب اسلامی رسال ۶۱

"بسم الله رب المستضعفین"

۳- جنگ اسلام و کفر: تثبیت خط مشی الهی - خلقی آزادی قدس از طریق کربلا.

رسال گذشته شاهد تثبیت و همه گیر شدن شعار و خط مشی آزادی قدس از طریق کربلا بودیم، در سال گذشته با جافتادن این استراتژی در قلب مردم نیاز به تبیین مکتبی مراحل این استراتژی در طول جنگ شدت گرفت. تثبیت این استراتژی در مردم تیسر از هراس بودی به قلب دشمن و آغازی بر رشد بزرگ است ماست کما اینکه تثبیت خط مشی مبارزه علیه رژیم سلطنتی وابسته به آمریکا در سالهای بعد از ۴۲ توسط امام بزرگترین ضربه به رژیم شاهنشاهی بود و مایه همه برکتها و رشد ها از آن پس شد. اکنون همه جا نام کربلا و قدس است. همه جا صحبت از آزادی قبر سیدالشهدا و زیارت آن مرقده مطهر است.

قاطع تر شدن بر روی رفته حتی عدا و حزب بعث و تشکیل حکومت اسلامی در عراق توسط مردمشان نیز از اثرات تثبیت این استراتژی است.

"والسلام"

ماباید کوشش کنیم که اخلاق کاخ نشینی را از این ملت بزدا کنیم.

امام خمینی



وامثال اینها . تخلفاتی که اینها کرده اند مثلا "رفته اند اجناس را از گدیخ ترخیص کرده اند ، جنس را وارد کرده اند مجوز نداشتند و به تذکرات مامورین دولتی گوش ندادند به دلیل اینکه شما طاقتی هستید ، شما اعتمادی به شما نداریم ، شما حق سوال از ما ندارید و نظایر اینها . . . یک قسمت مهم دیگر متوسط است به زمینهای کشاورزی و دعوا در سطح روستاها مابین آنها ای که زمین دارند و آنها ای که زمین ندارند یا اشخاصی که رفته اند زمین ها را گرفته اند در حالیکه این زمین ها مالک داشته یا هیئت هفت نفری به اینها داده بعد مالک آمده بر علیه اینها شکایت میکند گاهی مسئله برعکس است انفرادی هستند که زمینهای وسیعی دارند و زاربین ده شکایت دارند که دور دوره سابق این زمینها مال ما بوده و اینها آمدند به زور از ما گرفتند و الان هم در تصرف دارند ما زمین های خودمان را می خواهیم .

اطلاعات ۶۱/۱۱/۲۶
آیت الله موسوی اردبیلی : . . .
سوالی در اذهان بعضی از مردم مطرح بود که آیا ستاد می تواند فرمان مهم امام را به اجرا در آورد و آیا این

فرمان به فراموشی سپرده نخواهد شد من همانطور که قبلا " نیز گفته ام اعلام می کنم که ستاد همچنان مانند گذشته ضمن حفظ الویتها با قاطعیت به کار خود ادامه خواهد داد و به هیچ عنوان تحت تاثیر هیچگونه ملاحظه سیاسی و یا اعمال فشار از سوی هر جناحی قرار نگرفته و نخواهد گرفت پیام امام به قوت خودش همچنان باقی است و اگر هم ضرورتی پدید آید حضرت امام خود نیز مجددا " تاکید شان را بر روی مسئله بیان خواهند فرمود - آقای موسوی اردبیلی در مورد ضرورت اعلام عمومی اسامی متخلفین گفت این ضرورتها تحت یک انضباط خاصی قرار دارند ، گاهی متخلف شخصی است که در برابر تذکرات متعدد مقاومت میکند ، گاهی تخلف بصورت جریان است و گاهی نیز نحوه تخلف بصورتی است که آنچنان جوی را ایجاد نموده که تنها با اعلام عمومی می تواند این جور را برطرف کرد راه مجاهد

امام در فرمان انحلال گریزها گفتند ، که منحرفین قصد نابودی ستاد پیگیری فرمان امام ریشه یابی شیوه های غیر اسلامی و کشف جریانات مرموز و عافیت طلب که همچون موربان قصد پوک کردن نظام جمهوری اسلامی را از درون دارند ، است .

هر پیمانی و هر تشکلی تابع امپریالیزم خواهد شد .
رجو استها نیز همین بود که عراق باید منابع نفتی ایران را نابود کند تا ایران قادر به حل نارضایتی ها در درون نباشد .
توجه به اقتصاد خودکفای متکی به توده های بسیج شده تنها راه مبارزه با امپریالیزم است . به مقاله " اقتصاد قدس " در راه مجاهد شماره ۱۱ مهربانه توجه شود .

نفت و تحولات منطقه
کیهان ۶۱/۱۱/۳۰
کشورهای انگلیس و نروژ اعلام کردند قیمت نفت دریای شمال را بشکای سه تا سه و نیم دلار کاهش داده اند .

کیهان ۶۱/۱۱/۳۰
کارشناسان نفتی کاهش قیمت نفت کشورهای که عضو اوک نیستند را یک اقدام تاکتیکی در جهت ضربه زدن به اوک توصیف کردند .
راه مجاهد :
کاهش قیمت نفت از طرف امپریالیزم چیزی جز ادامه توطئه های کشورهای مرتجع در کفران اوک برای کم کردن درآمد ارزی است .
ترس امپریالیسم از این است که درآمد نفتی ایران در جهت ضربه زدن به ثبات امپریالیزم و صهیونیزم در منطقه گار رود و با کاهش قیمت نفت می خواهند ایران را از این امر باز دارند . تحلیل

اطلاعات ۶۱/۱۱/۲۶
رئیس مجلس : . . . از طرف دیگر می بینند حمله والفجر را آغاز کرده ایم و مثل گذشته حملات تند و سریع را انجام نمی دهیم و کج شده اند که چرا ایران ساعتها ارضیات وارد نمی کند و بدستوب افتاده اند

جنبش غیر متعهد ها

کیهان ۶۱/۱۲/۱۵
یادداشت روز : . . . حال این سوال مطرح میشود که چرا جنبش عدم تعهد کشورهای را که بلحاظ نه داشتن زمینها و شرایط لازم برای عضویت در پیمانهای استراتژیک از سوی امپریالیسم امریکا طرد شده اند به زیر چتر خود دعوت میکند . آیا صرف رسمی نبودن عضویت کشورهای در پیمان های ناتو و ورشو میتواند بر چهره جریانات وابسته و ارتجاعی مهر عدم تعهد بزند ؟
. . . . ریگان هم در نامه ای که برای بانو گاندی به مناسبت آغاز کار اجلاس دهلی وفاداری امریکارانسبت به اصول عدم تعهد ابراز کند . به نظر ما جنبش عدم تعهد به جای اینکه خود را درگیر مسائل انحرافی کند یک بازنگری مجدد روی اصول اولیه خود و واقعیت های موجود کرده فاصله خود را با اهداف بنیادی خود کم کند تا کشورها بتوانند جایگاه اصلی خود را در جهان معاصر پیدا کنند .

اطلاعات ۶۱/۱۱/۱۶
نخست وزیر : . . . یکی از شعار های که از متن توده های میلیونی و راهپیمایی های عظیم و سالیان دراز محرومیت ، سیلی خسور دین ، تازمانه خوردن ، جوشیده است و آن شعار نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی است . شعاری که بصورت یک شمشیر برنده در دست ملت ماست و کاربردش نه تنها در سیاست خارجی بلکه در جز جز زندگی روزمره ما وجود دارد . این شعار را خیلی وسیع میشود شکافت و بحث زیادی هم میشود روی آن کرد . . . بیشتر کشورهای که آنها را بعنوان کشورهای غیر متعهد می شناسیم اگر دقیقاً بررسی کنیم خواهیم دید که تعهدی در مقابل یکی از قدرتها ی استکباری دارد .
راه مجاهد :
آنچه که آقای موسوی می گویند یعنی کار روی شعارهای انقلاب و توضیح و تبیین آنها نظیر نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی نیاز مبرم انقلاب اسلامی است و تنها راه حفظ و تقام انقلاب تحقق این شعارها در شیوه های سازماندهی اقتصاد آموزش و پرورش و غیره . . . است

کیهان ۶۱/۱۱/۲۶
رئیس مجلس : . . . از طرف دیگر می بینند حمله والفجر را آغاز کرده ایم و مثل گذشته حملات تند و سریع را انجام نمی دهیم و کج شده اند که چرا ایران ساعتها ارضیات وارد نمی کند و بدستوب افتاده اند

جنگ اسلام و کفر

اطلاعات ۶۱/۱۱/۲۶
رئیس مجلس : . . . از طرف دیگر می بینند حمله والفجر را آغاز کرده ایم و مثل گذشته حملات تند و سریع را انجام نمی دهیم و کج شده اند که چرا ایران ساعتها ارضیات وارد نمی کند و بدستوب افتاده اند

ولی ما آن مقداری که لازم بود گفتیم و امید داریم با این حمله جنگ تمام شود . آقای هاشمی گفت : در این حمله ما در یک نقطه متمرکز خواهیم بود این حمله باید منتهی به گرفتن حقوقمان شود ملت ما آمادگی دارد و میداند که چه باید بکند و به هر حال به نقطه ای رسیده ایم که دشمنان اسلام و اعمال استعمار و کسانی که در این جنگ بنحوی با ما عداوت کرده اند نگران هستند و از سوت مردم منطقه امیدوارند . . . اگر قرار باشد صدام و حزب بعث بمانند آینه منطقه دیگر امنیت نخواهد داشت ولی اگر ما بتوانیم صدام و حزب بعث و راتنبیه کنیم و ثابت نمائیم کسانی که در این منطقه برخلاف مصالح اسلام و ملتشان چنین جنایتی میکنند مجازات خواهند شد انشاء الله در منطقه کسی بدولت دیگری تجاوز نخواهد کرد .

جمهوری اسلامی ۶۱/۱۲/۷
حجت الاسلام رفسنجانی : . . . البته همین جنگ هم برای ما بسیار گران تمام شد مثل همان نقشه تروریستی که آن چهره های که ما از دست دادیم هر یک به اندازه یک دنیا ارزش داشتند در جنگ هم این شهدا که دادیم ما یک سوی اینها را با همه عراق عوض نمی کنیم اگر بنا بر مقابله باشد اما خوب جنگ است و شهادت است و آنها به خدا رسیدند و خانواده ها هم اجرشان را خواهند گرفتو بجای شهدا هم افراد بیشتری خلق شده اند چون همین شهادتها بچه ها و جوانان ما را بیشتر از پیش خواهد ساخت .

کیهان ۶۱/۱۲/۸
پیرامون خطبه های اخیر حجت الاسلام رفسنجانی تحت عنوان " امپریالیسم از ادامه جنگ چه اهدائی را دنبال میکند " . . .
حجت الاسلام رفسنجانی در نماز جمعه اخیر پاسخ آخر را به آنانکه در محافل تبلیغاتی جهانی بدنبال آخرین خبر جنگ بودند داد . . . در میدان جنگ باید مقاومت کنیم اگر چه ممکن است طولانی باشد . . . بدین ترتیب می بینیم برای خاموش ساختن آنچه که براون وزیر اسبق

. . . ما در میدان جنگ الان باید آنقدر مقاومت کنیم ممکن است طولانی باشد بیلت مایران خودش را را وعد ه ندهد که همین فردا یا پس فردا قضیه تمام بشود ، قضیه به این شکل است الان گفتیم که معکوس شده است الان عراق جنگ طولانی را نمی تواند تحمل کند . . .

کیهان ۶۲/۱/۶
حجت الاسلام رفسنجانی :
. . . امام جمعه مرت تهران با اشاره به جاسوسی یکی از منافقین که بعنوان بسیجی به جبهه رفته بود و یکی دو ساعت قبل از شروع عملیات والفجر برای دادن اطلاعات بطرف دشمن فرار میکند گفت : واقعا این چقدر سقوط است جریانی که یک روزی در دانشگاه های هیهوی ضد امپریالیستی و طرفداری از محرومین راه انداخته بود و دیدن وسیله کسانی را جذب نموده بود امروز برای گرفتن پول و آدم کشی با شیوخ عربستان ، کویت ، عراق و همچنین با امریکا و اسرائیل همراه است .

کیهان ۶۱/۱۲/۸
پیرامون خطبه های اخیر حجت الاسلام رفسنجانی تحت عنوان " امپریالیسم از ادامه جنگ چه اهدائی را دنبال میکند " . . .
حجت الاسلام رفسنجانی در نماز جمعه اخیر پاسخ آخر را به آنانکه در محافل تبلیغاتی جهانی بدنبال آخرین خبر جنگ بودند داد . . . در میدان جنگ باید مقاومت کنیم اگر چه ممکن است طولانی باشد . . . بدین ترتیب می بینیم برای خاموش ساختن آنچه که براون وزیر اسبق

نگاهی گذرا به نقاط رشد انقلاب اسلامی در سال ۶۱

بسم اللعرب المستضعفین

۵- مبارزه با دستهای مرموز- رفوسم خزننده . . . پیام ۸ ماده ای امام اوج درگیری با دستهای مرموز بود که این دستها را بعنوان يك تشکل با شیوه های غیر اسلامی (برخورد های غیر هدایتی - سوءظن - تجسس در امور شخصی مردم و . . .) که در بسیاری از ارگانها و نیروها در جامعه وجود دارد مطرح کردند و تزکیه این شیوه ها از درون جامعه تشدید گردید .
مطرح شدن مبارزه با این جریانات به شکل مبارزه با شیوه های غیر اسلامی آنها و تزکیه این شیوه ها از خود بنیادی ترین شیوه مبارزه با این جریانات است به امید تداوم این امر .
بعد از پیام امام جو عدم انتقاد که در جامعه بود شکسته شده و دست مردم برای انتقاد های سازنده بازگردید و میان انتقاد سازنده و انتقاد های جریانها سی منحرف و ضد انقلابی علیه انقلاب مرزبندی شد که با یک چسب رانده نشوند .
امید داریم که با پرداختن به ریشه های ایدئولوژیک انحراف های مورد اعتراض امام خمینی و تصحیح آنها گامهای بلند تری در راه تحقق آرمانهای مکتب انقلاب اسلامی برداشته شود .
"والسلام"



دفاع آمریکا " آشوبهای غیرقابل کنترل در خلیج فارس " بعنوان خطری به مراتب بزرگتر از توسعه طلبی شوروی " برای آمریکا می نامد ، مهار محتوای انقلاب اسلامی و منزوی ساختن نیروهای خدای امام در حاکمیت يك ضرورت برای امریکاست
استراتژی کنونی امپریالیسم در ارتباط با آینده جنگ جز دوره اعطای تحمیلی یا جنگ فرسایشی با محتوای تضعیف تدریجی انقلاب اسلامی و حاکمیت خط امام وجود نخواهد داشت .

دارم در مقابل اسرائیل مقاومت کنیم و شما نیز همین وظیفه را دارید . دولت جمهوری اسلامی ایران بستان فرستادن نیروهای خود به لبنان نشان داد که عملاً " در جنگ با اسرائیل در حد توان خود شرکت دارد . ما می دانیم که فلسطینی ها در شرایط سختی به سر می برند و علی الرغم هشتاد روز مقاومت آنان در بیروت هیچگاه از جانب دنیای اسلام حمایتی جدی از آنان نشد . لذا مایوس شده ، به این وضع رسیدند .
راه مجاهد :

معروف نظیر کیسیجر را و یا جیمی کارتر را برای تسریع مذاکرات صلح اسرائیل و لبنان تحت بررسی قرار داده است . نیوزویک می افزاید کاخ سفید همچنین امکان تشکیل یک کنگرانس با شیوه کنگرانس سران کمپ دیوید میان ریگان حسنی مبارک بگین و احتمالاً " حسین شاه اردن را نیز مورد رسیدگی قرار داده است .

کیهان ۶۱/۱۲/۱
نشریه المجله چاپ لندن نوشت ، اغلب سلاحهایی که هم اکنون میشود از انبارهای ارتش این کشور تامین میگردد . وزیر دفاع فرانسه چندی پیش در پاسخ به اعتراض چند تن از مخالفان گفته فرانسه باید به هر دو سبب ممکن از عراق پشتیبانی کند زیرا پیروزی ایران در جنگ " امنیت ملی فرانسه " را با خطر مواجه خواهد ساخت .

منطقه

کیهان ۶۱/۱۲/۱
وزیران خارجه کشورهای شوروی همکاری خلیج فارس که ظاهراً " برای بحث درباره مسائل مربوط به توسعه همکاری میان کشورهای عضو در زمینه های مختلف در ریاض اجتماع کرده اند گفته میشود مسئله جنگ ایران و عراق و موضوع قیمت نفت محورهای عمده بحث است .

کیهان ۶۱/۱۲/۳
دریافت کنندگان کمکهای نظامی ، آمریکا ، اسرائیل پیش از هر کشور دیگر از آمریکا کمک دریافت میکنند این مقدار کمک بالغ بر ۲/۴۸ میلیارد دلار است که ۱/۷۰۰ میلیارد دلار آن کمک نظامی و ۷۸۵ میلیون دلار کمک اقتصادی است .
مصر ۲/۰۵ میلیارد دلار که ۱/۳۰۰ دلار کمک نظامی و ۷۵۰۰۰۰ میلیون دلار آن کمک اقتصادی است ترکیه ۱۳۰ میلیون دلار که ۱۲۵ میلیون دلار کمک اقتصادی خواهد بود .
پاکستان ۵۲۵ میلیون دلار که ۳۰۰ میلیون دلار کمک نظامی و ۲۲۵ میلیون دلار کمک اقتصادی است .

کیهان ۶۱/۱۲/۳۰
به نوشته يك نشریه چاپ مسکو هواپیماهای نظامی آمریکا که حامل سلاحهای هسته ای هستند هر روز بر فراز اقیانوس هند پرواز میکنند . این نشریه نوشت : : امریکاتلاش میکند تا پایگاههای نظامی تازه ای در کشورهای بنگلادش ، تایلند ، سنگاپور ، سری لانکا و پاکستان ایجاد کند و اشنگتن در نظر دارد پاکستان را به دژ امپریالیسم آمریکا در منطقه تبدیل کند و از این کشور بجای ایران در زمان حکومت شاه استفاده کند .

عراق

کیهان ۶۱/۱۱/۳۰
روزنامه تایمز مالی لندن مینویسد : رژیم صدام که مشکلات پرد اختهای رویه افزایش را تجربه میکند جهت تأمین مالی واردات خود از ترکیه

کیهان ۶۱/۱۲/۹
. گفتیم که اساساً " امپریالیسم جنگ را به منظور " جلوگیری از رشد و گسترش انقلاب اسلامی در منطقه و منزوی ساختن حاکمیت خط امام در ایران " بر ما تحمیل کرد
لذا امپریالیسم در آینده جنگ تنها يك هدف را دنبال میکند " فرسایشی و طولانی کردن جنگ با تلاش همزمان در جهت ترقیق کردن جوشش انقلاب از درون تا از این طریق :

۱- زمینه های لازم را برای نظامی کردن منطقه ایجاد کند ۳۰۰۰- جلوگیری از گسترش انقلاب اسلامی ۴- ارتجاع منطقه را منسجم تر نماید ۵- با افزایش فشارهای اقتصادی و سیاسی بر جمهوری اسلامی ، جریانات سازشکار و رفاه طلب را مینان داده و تا با انتساب مشکلات به تدبیر و تفکر خط امام که مخالفان سرسخت صلح تحمیلی هستند این نیروها را تا سرحد امکان منزوی نماید ولسی حجت الاسلام رفسنجانی گفتند : " مقاومت ، کرچه طولانی باشد " البته این طولانی بودن که مای گوئیم برای آمادگی هر چه بیشتر در قبول مشکلات جنگ است و آن طولانی شدن که امپریالیسم میخواهد يك میراندن در میان مشکلات داخلی یعنی "تفت و پنهان و ترورسم " خواهد بود .

راه مجاهد :
لازم به تذکر است جریانات هائیت طلب و رژیمم جنگ طولانی را عامل رکود و پیرانی دانسته و با شعار بازسازی بعد از جنگ می خواهند که دوباره با وارد کردن اجناس بیرونی و باطبع طبقه رفاه طلبان و فروش بی رویه نفت خود را تثبیت نماید . در حالیکه اگر از مواضع طولانی شود ضربه کاری به روابط بیرونی وابسته وارد آمده و به شکستهای اقتصادی و رفاه اجتماعی خواهیم رسید .

فلسطین

اطلاعات ۶۱/۱۲/۱۲
برادر هاشمی رفسنجانی : حتی اگر فلسطینی ها روزی تصمیم به کنار گذاشتن مقاومت مسلحانه در مقابل اسرائیل بگیرند ما وظیفه

سخن امام

از صفحه ۲

راهنمای مستضعفین

فرعون بایستد از يك نفر نظیر خود فرعون اینکار نمی آید ما باید آدم تربیت کنیم نه شکمبار ، اسلام میخواهد انسان درست کند اسلام میخواهد که استقلال محفوظ باشد و استقلال با توجه به دنیا ممکن نیست ، حاصل شود یکی از نکات بزرگی که در قرآن کریم مکررات را مبینند دارد اینها مکررات نیست سبک انسان سازی اینظوری است هر صفحه را باز میکنی دعوت به تقوا دعوت به خوبی آن صفحه را هم باز میکند قعه موسی را چندین بار ذکر میکند جنگ مجلس مثل جنگ دو فقیه میماند نه این است که آنها اختلاف دارند خوب فقها باهم اختلاف دارند از صدر اسلام تا حالا اگر این نظرها تصادم با هم نمیکرد فق ما به این قوت نبود نظرها باید تصادم کند مخاصمه در کسب نیست مباحثه علمی است همه حسن نیت داشته باشند برای خدمت کردن به هم و بداندند این خدمت عبادتی است که کمتر عبادت به این بزرگی هست امروز برای حفظ اسلام باید ما از همه چیزهایی که در ذهنهایمان است و که در تهایی که فوخر کنیم ، يك وقتی داریم دست برداریم برای خدا با هم باشیم اگر اینطور شد شما حفظ خواهید شد و اسلام را خواهید صاد رکود الان يك تکلیف بسیار بزرگ است که از همه تکالیف بالاتر است حفظ اسلام در ایران به وحدت شماهاست امروز که اختلاف پیدا شد بین شما امروز بدانید که این شیاطین که نشستند اینجا و نگاه میکنند آن شیاطین يك کود تاجی درست میکند (میترانند) اختلاف این کار را درست میکنند باید ما به فکر باشیم که ما خودمان را در بین این تلاشی که در دنیا هست حفظ کنیم و حفظ به این است که به اسلام گرایش پیدا کنیم و به احکام اسلام گرایش پیدا کنیم و به حال این مردم تقییر برسیم و به حال این اشخاصی که زحمت دارند برای این ملت میکنند ، به حال اینها دولت برسد .

کیهان ۶۱/۱۱/۱۴
پیام امام به مناسبت پنجمین سال استقرار جمهوری اسلامی : : :
اگر خدای بخواید یکی از این دو

مدرس همچنان میدرخشد و درخشنده تر هم میگردد. آری مدرس هم اگر مرتجع باشد آری این از تجاع زبانت است (هشدار است برای منحرفین امروز ما) .

ما امروز با امریکا میجنگیم یعنی به هر حال دشمن نزدیک است و ناوهای هواپیما برش در خلیج فارس هست از نظر تکنولوژی امریکا میتواند تمام خاک ایران را با هواپیماهایش ببوشاند . . . دیدیم که ایادی داخلش هم به علت آنکه تفکرشان امریکائیت و وابستگیهای اقتصادی دارند و در آن طبقه هستند همکاری داشتند حالا این انقلاب آموزشی در دانشگاه چه ربطی به جنگ با امریکا پیدا میکند . یعنی رابطه عملی اش چیست؟ . . . در جنگی که با امریکا داریم با این وسائلی که هست و آنها از تکنولوژی بالاتری برخوردار هستند خوب یک عده ای در ایران هستند که میگویند ما هم باید به تکنولوژی پیچید مسلح شویم اگر نشویم نمیتوانیم با امریکا بجنگیم مثلاً

ب: مبارزه با انحرافات در شیوهها
اگر ما توده را بسیج کنیم تمام مشکلاتمان را حل میکنیم و به توسعه اقتصادی هم میرسیم منتهی بسیج توده یک امر اقتصاد دی مصطلح نیست بسیج توده یک امر ایدئولوژیک است شما بایستی نیازهای ایدئولوژیک و ویژگیهای پایسدار توده را بدانی تا بتوانی دست رورش بگذاری و توده را بسیج کنی و مثلاً دیدیم در جریان مرگ پرشاه مصرف مردم کم شده بود و تولید ششان بالا میرفت و چقدر در همین مدت تولید کشاورزی ما بالا رفت . همین بسیج چشمگیر مردم ما داشتند . یعنی اقتصاد ما باید اقتصاد بسیج باشد . . . با تکیه بر ویژگیهای پایدار توده ها است که ما میتوانیم آنها را در مسیر مبارزه با دشمن اصلی زمان بسیج کنیم در مبارزه با دشمن اصلی زمان است که باید تمام نهاد های سیاسی اقتصادی شکل بگیرد . این اقتصادی توحیدی است . برداشتی که سعید محسن شهید از اقتصاد دارد همین اقتصاد بسیج است ، بدون بسیج ما نمیتوانیم توسعه اقتصادی داشته باشیم .

اقتصاد غرب محرک را منافع فردی میداند و اقتصاد اسلام محرک را منافع طبقاتی و اجتماعی میداند . یکی مالکیت خصوصی را قبول میکند ، یکی مالکیت عمومی را ولی هر دو در پذیرش مالکیت یکی هستند ، اندیشه مالکیت را می پذیرند .

میگویند رادارهای ما نقطه کور دارد باید رادارهایمان را تقویت بکنیم تا بتوانیم با امریکا بجنگیم یا هواپیماهای مدرنتری بخریم تا بتوانیم بجنگیم ، اگر از امریکا ضربه خوردیم بگوئیم علتش این بود که هواپیما نداشتیم این یک تفکر است ، آیا این تفکر میتواند با امریکا بجنگد . . . در رازمدت ما از این شیوه شکست می خوریم . . . چاقو که دست خودش را نمیتواند ببرد . باطل که نمیتواند باطل را از زمین ببرد این حق است که میتواند با باطل مبارزه کند این شیوه های حق و شیوه های اسلام است که میتواند با شیوه های شیطان بزرگ بالاخره بجنگد و همانطور که برادرمان گفتند از نظر اسلامی تنها به کما بسیج توده آنها هم بسیج اصولی توده علیهم

امیرالایم است که ما میتوانیم با امریکا بجنگیم یعنی اگر مردم طوری بسیج شوند که اگر امریکا نیرو پیاده کند و جب به جب سنگر به سنگر با مردم روبرو شوند و نتواند جلو بیاید . . . اینکه نظام آموزشی ما باید عوض شود بخاطر این است که ما تا به حال از شیوه های غربی به توسعه اقتصادی خود میرد اکتیم . شیوه های غربی چیست . پس انداز را زیاد کنیم یا سرمایه گذاری را زیاد کنیم یا تولید بالا ببریم . یعنی به این بزرگ دایره خبیثه می گویند . . . ولی در سازمان یادم هست وقتی بحث بود می گفتیم ما از هیچ کدام از این طرق نمیخواهیم به توسعه اقتصادی برسیم و هجرت ما با خرق ما از این دایره خبیثه چیزی جز بسیج توده نیست یعنی اگر ما توده را بسیج کنیم در طول بسیج مصرف کم میشود تولید زیاد میشود و هم صنایع بوجود میآیند سرمایه گذاری هم میشود . . .

ضرورت انقلاب آموزشی
الف: مبارزه با شیوه های
" ان الارضییرتها عبادی الصالحون " بد رستی که زمین و منابع طبیعی آن متعلق به بندگان صالح و پیش تازان انقلابی است . و به تعبیری امامت برحق جامعه . این است آیه راهنمای عمل شهید مدرس در مبارزه با بیابول غرب و عدم ساده اندیشی در برابر آن . روی این آیه فکر کنید ببینید اقتصاد ترجیحی و اقتصاد بسیج از کجایر در میآید .
ج: دوم: (جلسه ۱۲۶ از سلسله درسهای برادر مجاهد لطف الله میثقی)
اقتصاد اسلامی اصالت عمل صالح چیزهاییکه به نظر ما میرسد به شکل اجمالی و نه بررسی عمیق این است که اقتصاد اسلامی اصالت به عمل صالح میدهد . ممکن است شما یک کاریدی بکنید و عرق هم بریزید ولی اینکار اصالت نداشته باشد و عمل صالح نباشد . . . اقتصاد اسلامی اینست که ما به پراتیک و عمل صالح اصالت بدیم و وقتی که میگوئیم عمل صالح یعنی عملی که در جهت سیر هدف دار تاریخ باشد و ما را به گسترش امت واحد رسانده و یاد دشمن عده و شیطان بزرگ هر زمان بصورت قهرآمیز درگیر کند . مثلاً در شرایط فعلی امیرالایم با تمام وجوه مکتبی ، نظامی ، اقتصادی ، فرهنگی ، سیاسی به سرکردگی امریکا ، همان دشمن بزرگ و شیطان بزرگ است عملی که از موضع مکتبی جهت گیری ضد امریکا و ضد دشمن عده داشته باشد صالح است .
ملاک در دست گرفتن کالا و نعمات (صلاحیت مکتبی)
یک آیه از قرآن هم میتواند راهنمای عمل ما باشد این که میگوید " ان الارضییرتها عبادی

الصالحون " یعنی زمین را بندگان صالح وارث آند . اگر به تعبیر امروز بگوئیم میگویند زمین از آن انقلابیون است . این هم یک رهنمود که میتواند یک بعد از اقتصاد اسلامی باشد وقتی که زمین مال بندگان صالح است . منابع طبیعی و نفت و مخازنش به مدیریت بندگان صالح است . . . میگوئیم زمین از آن بندگان صالح است و بندگان صالح در شرائط فعلی نهضت های مکتبی رهائی بخش هستند چرا که آنوقت که نفت در خلیج فارس بوجود میآید اصلاً تاریخی وجود ندارد ، بشری نبود . . . پس بنابراین ما نمیتوانیم بگوئیم این نفت که بنا بر اراده خدا در این مقطع در سرزمین ما ایرانیهاست و نفت خلیج فارس و جنوب ایران مال ایران است . چون زیر زمین ماست بنابراین مالکیتش مال ماست . اگر در این سرزمین ملتی بود مثل قوم فاسد لوط فاشینم هیتلر ، یا یک قوم فاسد دیگری در این سرزمین بود آیا از نظر ایدئولوژیک ما میگوئیم که نفت مال اینهاست؟ . . . زمین و کلا طبیعت و منابع زیرش متعلق به بندگان صالح است . بندگان صالح کسانی هستند که عمل صالح میکنند . عمل صالح چیست هملمسی است که در جهت مبداء و معاد باشد و طبعاً جهت گیری علیه دشمن عده هم داشته باشد پس بندگان صالح در نیانهضت های عدل طلب و مخصوص نهضت های مکتبی ضد ظلم و نهضت های توحیدی بطور خاص هستند و ما بایستی نفت خود را به هر حال در اختیار این نهضت ها قرار دهیم تا وقتی که کشور مادر جهت حق قدم میزند و در جهت حمایت از نهضت های رهائی بخش و ضد ظلم قدم بر میدارد این زبول نفتی که ما میگیریم میتواند واقعا " اسلامی باشد و طبعاً در اینجا امیرالایم امریکا را به تناقض با ما میکشاند و به هیچ وجه من الوجوه حاضر نیست ازمانعت بخرد و ما دلارهای نفتی را تبدیل به اسلحه و مسلسل و بمب کنیم و اینها را در اختیار فلسطینیها و نهضت های اسلامی و رهائی بخش و ضد ظلمی بگذاریم . . . و در این مقطع چون معتقدیم انقلاب مکتبی تراز سایر نهضت ها است پول نفت باید عمدتاً " در ایران و برای تحکیم و تدویم این نهضت و انقلاب خرج شود ولی اگر خدای نکرده پول نفت صرف تحکیم ارتش (۱) بوروکراسی اداری شود اداری مکتبی به در آمد نفت هستند ، و صرف توسعه حرکت های ضد خلقی شود آن موقع است که در جهت امیرالایم است ما باید نفت خود را به انداز نیازمان بنویسیم و منظور از نیازها نیاز مکتبی و اصیل و تاریخیمان است و اینکه پول نفت صرف تقویت و رشد و تکامل بندگان صالح و سازماندهی صالح شود و آنها را به عمل صالح میکشاند چه در ایران و چه در خارج باشند (۲)

خلاق مسلم و اندیشه ما لکیت و رهنمود دیگری که در زمینه اقتصادی ما میتوانیم بکار بندیم مسئله مالکیت است . مالکیت بایستی در رابطه با ایدئولوژی ما باشد و نظام هست که یکی میگوید محرك انسان کار و تلاش منافع فردی و مالکیت خصوصی است نظام دیگر میگوید محرك انسان مالکیت جمعی و منافع طبقاتی است . . . ما میبینیم که در هر دو یک چیز مشترک است و آن نفر اندیشه مالکیت است که در هر دو نظام وجود دارد آن که میگوید محرك انسان مالکیت فردی است این مالکیت را غریزی و فطری میدانند . . . آنکه مالکیت عمومی را قبول دارد میگوید مالکیت مال جمع است ولی باز هم اندیشه ما لکیت بهر حال در آن هست . . . در جهان بینی اسلامی اصلاً اندیشه مالکیت چه فردی چه جمعی وجود ندارد اینجاست که جواب اینکه مدرس کجاست رس خوانده شده میشود . مدرس از قلب روستاهای اصفهان بود اگر بروید به روستاها این پاسخ را میشنوید آنجا به دیوار همه باغهای ده به خط سلیس نوشته " در حقیقت مالک اصلی خداست این امانت بهر روزی یک در روزی دست ماست . . . میخواهم بگویم تمام جواب اقتصاد و فلسفه اسلامی همین است که اولاً " خدا را مالک اصلی همه چیز میدانند و وقتی که مالک اصلی بداند حاکم اصلی هم میدانند بنابراین حکومت خدا برپدید می آید و انسان و تاریخ را قبول کرده و این یک اصل توحیدی است که خدا حاکم بر همه جهان است و پدید می آید و ما انسانها استقلال از خودشان ندارند که در برابر خدا سبز شوند و خود را علم کنند اینجا به رابطه خدا و پدید می آید هم میسریم که در این شعار ساده که در قلب روستاهای مانوشته شده رابطه خدا و پدید می آید و ما را هم قشنگ میتوانیم ببینیم . میگوید در حقیقت مالک اصلی خداست و وقتی میگوید مالک اصلی خداست یعنی مالکیت ما اعتباری است و مالکیت حقیقی مانند اربم که بگوئیم مالکیت خصوصی غریزی و فطری است ما میگوئیم فطرت انسان بینهایت طلب ، وحدت طلب و عدل طلب است اگر این ویژگیها را فطرت انسان بدانیم بنابراین منافع فردی و یا جمعی نمیتواند فطرت انسان باشد ما که یک فطرت بیشتر نداریم قرآن میگوید انسان خدا دوست است ، عاشق و عین ربط است بنابراین فطرت انسان بینهایت طلب و خدا دوست است پس نمیتواند محرک منافع فردی و یا جمعی باشد . چند

خواهد داشت که کارش را در خدمت نیازهای اصیل و مکتبی ، تاریخ خودش قرار دهد و جهت گیری علیه امیرالایم داشته باشد تا زمانیکه مبارزه با امیرالایم نکند کار صنفی کاری که در کارخانه میکند و حتی مبارزات صنفی صرفش راهم ما کار نمیگوئیم . . . ببینید آنچه یک بعد از اقتصاد اسلامی مطرح است عمل صالح است اگر میگوئیم اصالت کار نه بشکل یکدی نه بشکل مکانیکی ، نه بشکل فکری و اینطوری ما را جذب کند و ببینیم که اینکار در کدام جهت است این خیلی مهم است . آدم ممکن است خیلی زحمت بکشد ، کمر درد بگیرد ، چشمش ناراحت شود (مثل جوشکارها) ولی بازش ببینیم که در جهت اصلی نباشد . مشکلی که در مملکت ما وجود دارد اینست که اکثر نیروهای انقلابی به کار اصالت میدهند ، کارگر را که کار میکند ببینند ولی کارگر ایدئولوژیک را که همان مستضعف تاریخی باشد نمیتوانند در یابند و به آن بطور اصیل تکیه کنند .

خلق مسلم و اندیشه ما لکیت و رهنمود دیگری که در زمینه اقتصادی ما میتوانیم بکار بندیم مسئله مالکیت است . مالکیت بایستی در رابطه با ایدئولوژی ما باشد و نظام هست که یکی میگوید محرك انسان کار و تلاش منافع فردی و مالکیت خصوصی است نظام دیگر میگوید محرك انسان مالکیت جمعی و منافع طبقاتی است . . . ما میبینیم که در هر دو یک چیز مشترک است و آن نفر اندیشه مالکیت است که در هر دو نظام وجود دارد آن که میگوید محرك انسان مالکیت فردی است این مالکیت را غریزی و فطری میدانند . . . آنکه مالکیت عمومی را قبول دارد میگوید مالکیت مال جمع است ولی باز هم اندیشه ما لکیت بهر حال در آن هست . . . در جهان بینی اسلامی اصلاً اندیشه مالکیت چه فردی چه جمعی وجود ندارد اینجاست که جواب اینکه مدرس کجاست رس خوانده شده میشود . مدرس از قلب روستاهای اصفهان بود اگر بروید به روستاها این پاسخ را میشنوید آنجا به دیوار همه باغهای ده به خط سلیس نوشته " در حقیقت مالک اصلی خداست این امانت بهر روزی یک در روزی دست ماست . . . میخواهم بگویم تمام جواب اقتصاد و فلسفه اسلامی همین است که اولاً " خدا را مالک اصلی همه چیز میدانند و وقتی که مالک اصلی بداند حاکم اصلی هم میدانند بنابراین حکومت خدا برپدید می آید و انسان و تاریخ را قبول کرده و این یک اصل توحیدی است که خدا حاکم بر همه جهان است و پدید می آید و ما انسانها استقلال از خودشان ندارند که در برابر خدا سبز شوند و خود را علم کنند اینجا به رابطه خدا و پدید می آید هم میسریم که در این شعار ساده که در قلب روستاهای مانوشته شده رابطه خدا و پدید می آید و ما را هم قشنگ میتوانیم ببینیم . میگوید در حقیقت مالک اصلی خداست و وقتی میگوید مالک اصلی خداست یعنی مالکیت ما اعتباری است و مالکیت حقیقی مانند اربم که بگوئیم مالکیت خصوصی غریزی و فطری است ما میگوئیم فطرت انسان بینهایت طلب ، وحدت طلب و عدل طلب است اگر این ویژگیها را فطرت انسان بدانیم بنابراین منافع فردی و یا جمعی نمیتواند فطرت انسان باشد ما که یک فطرت بیشتر نداریم قرآن میگوید انسان خدا دوست است ، عاشق و عین ربط است بنابراین فطرت انسان بینهایت طلب و خدا دوست است پس نمیتواند محرک منافع فردی و یا جمعی باشد . چند

روز شمار فروردین و اردیبهشت

۱۳۶۲ ه. ش
۱۴۰۲ ه. ق
۱۹۸۳

فروردین مارس جمادی الثانی

۶	۲۱	۱	شروع عملیات فتح المبین با رمزی زهرا (س) (۱۳۶۱)
۷	۲۲	۲	حمله مزدوران شاه به مدرسه فیضیه (۱۳۴۲)
۸	۲۳	۳	نبرد کرامه (۱۳۴۷)
۱۲	۲۷	۷	شهادت مجاهد جوان ربیع (۱۳۵۳)
۱۴	۲۹	۹	شهادت حضرت قاطمه زهرا (ع)
۱۷	اورس	۱۲	تاسیس جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸)
۱۸	۲	۱۳	قیام تقی خان پسیان در خراسان (۱۳۰۰)
۱۹	۳	۱۴	انقلاب مشروطیت
			ولادت حضرت قاطمه (س) - ولادت امام خمینی
			قتل مارتین لوتر کینگ رهبر سیاهپوستان آمریکا
			قیام شیخ محمد خیابانی (۱۲۹۹) - اعلام موجودیت
			سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی (۱۳۵۸)
۲۱	۵	۱۶	شهادت آیت الله محمد باقر صدر و خواهر
			مجاهد شریعت الهدی (۱۳۵۹)
۲۴	۸	۱۹	قطع رابطه با آمریکا (۱۳۵۹)
۲۶	۹	۲۰	شهادت سرباز وظیفه محمد شمرآبادی (۱۳۴۴)
۲۶	۱۰	۲۱	کشف کودتای با صطلاح براندازی حکومت جمهوری
			اسلامی (۱۳۶۱)
۲۷	۱۱	۲۲	غزوه بدر اولی (۵۲ ه. ق)
۲۸	۱۲	۲۳	شهادت پنج تن از مسلمانان مصر به اتهام
			اعداد سادات خائن (۱۳۶۱) - ولادت
			امام محمد باقر (ع) (۵۷ ه. ق)
			ولادت حضرت زینب (ه. ق) - شهادت
			مجاهدین شهید کاظم ذولانوار و مصطفی جوان
			جوان خوشدل
			شهادت مرتضی واعظی - قاطمه جعفریان
			از گروه مهدیون (۱۳۵۶)
			وفات علامه اقبال لاهوری مصلح بزرگ اسلامی
			(۱۳۱۷)
			تاسیس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۵۸)
			ولادت حضرت امام محمد تقی (ع) (۱۹۵ ه. ق)
			حمله مستقیم نظامی آمریکا در طبرستان (۱۳۵۹)
			شهادت محمد منتظر قائم در مبارزات هلی کوپترهای
			آمریکا در طبرستان
			ولادت حضرت علی (ع) (۲۳ قبل از هجرت)
			شهادت سرگرد خلبان برادر علی اکبر شیروانی
			(۱۳۶۰) - قیام کارگان جهان چیت کرج که
			طی آن سه تن از کارگران شهید شدند
			(۱۳۵۰)
			رحلت حضرت زینب (س) (۶۲ ه. ق)
			شروع عملیات بیت المقدس سر با رمزی علی (ع)
			در منطقه خونین شهر (۱۳۶۱)
			پیروزی مردم ویتنام بر آمریکا (۱۹۷۵)
			شهادت مجاهد شهید مجید شریف واقفی
			بدست جریان انحرافی چینیما
			شهادت امام موسی کاظم (ع) (۸۷۳ ه. ق)
			لغو امتیاز تنباکوی فتوای میرزای شیرازی
			(۱۲۷۰) - شهادت برادر مجاهد مهدی
			آرزومند ارشادی
			ولادت امام حسین (ع) (۵۴ ه. ق) - روز پاسدار
			ولادت حضرت ابو الفضل (ع) (۲۶ ه. ق)
			ولادت حضرت امام زین العابدین (ع) (۳۸ ه. ق)
۲	۱۵	۲۵	
۳	۱۶	۲۶	
۴	۱۷	۲۷	
۵	۱۸	۲۸	

واژه اخلاق است یعنی هم به معنی به اصطلاح تزکیه و تصحیح خصلت‌های شاه پسند آمده یعنی وقتی که خصلت‌ها را تصحیح کنیم تزکیه نفر کرده ایم. اساس اقتصاد اسلام روی زکات است زکات به معنی دادن است یعنی شما هر چه که بدیدید بیشتر رشد میکنید مثلا روزه میگیرید و یک چیزی از خودت دور میکنی ولی رشدت بیشتر است و یا مثلا درختی را نگاه کنی این درخت را وقتی که شاخه‌هایش را بزنی و ببند از بد درخت بیشتر رشد میکند، اساس اقتصاد اسلامی روی دادن است روی ایثار است روی فداکاری است زکات واژه‌ای است که هم اقتصاد است و هم سیم ایدئولوژیک. یا مثلا میبینیم که حضرت عباس وقتی که به فرات رفت مشکش را پر از آب میکند

دانشگاه مدرس در روستا است. همانجایی که در هر باغی که بروی می‌نوشته شده است در حقیقت مالک اصلی خدا است این امانت یک روزی هر روزی نزد ما

وتوی آب هم میرود ولی آب نمیخورد با وجود اینکه تشنه بود. حال آنکه در تبیین‌های معمولی ما می‌گفتیم حضرت عباس باستی اول آب بخورد و خودش را سیراب کند تا توان آن را داشته باشد که به صحرای خشک برسد و آب را به بقیه برساند حال آنکه حضرت عباس به فرات رفت و مشکش را پر از آب کرد ولی خودش آب نخورد چرا؟ اگر آب میخورد انگیزه آبرسانی به دیگران از بین میرفت. می‌گویند شکمی که سیر است انگیزه‌ای برای سیر کردن دیگران ندارد. اصلا آدمی که بهر حال از نظر جنسی اشباع است نیاز جنسی دیگران را نمی‌فهمد، درک نمیکند، نمی‌داند عقیده جنسی چیست؟

انقلاب بنیادی را از کجا شروع کنیم... انقلاب آموزشی و حرکت به سمت روستاها

(۱) قابل توجه است که منظور تحکیم سیستم ارتش به حالت طاغوتی است
(۲) امروز از دیدگاه مکتبی مجاهدین و امام خمینی نفتیک کالای ایدئولوژیک است چرا که باید در خدمت حاکمیت طبقه مستضعف قرار گیرد.

اساس اقتصاد اسلامی
روی زکات است...
اساس اقتصاد اسلامی
روی دادن است، روی
ایثار است، روی فداکاری
است...

نتیجه گرفتیم که مالک اصلی و حاکم اصلی خداست رابطه خدا و دیدید مهاراد را آوردیم و دیگر اینکه مالکیت ما اعتباری است و ایگسرها حرك انسان منافع فردی و اجتماعی نیست و این را نمی‌تواند بگوید این امانت بهر روزی دست ماست یعنی این با غم‌انگیز است و من مالک واقعی آن نیستم، اینجا اصل کالا امانتی هم در می‌آید. اصل اول خدا مالکی بود این هم اصل دوم کالا امانتی، یعنی کالاهایی که در طبیعت هست (معادن، نفت، خانه باغ و...) امانت است من مدیر امانت دارم این کالا هستم. اگر من نتوانم از عهد این امانت برآیم، اگر نتوانم مدیریت خوبی باشم امانت جامعه آنرا از من گرفته و به دست دیگری میدهد که از کالا خوب استفاده کند و شکر نعمت را بجا آورد. شکر نعمت یعنی چه یعنی بهترین استفاده از امکانات را بکند، این بود تعریف شکر. ما می‌گوییم اصل امانت است بنا بر این وقتیکه نتواند خوب از عهد این امانت برآید از او می‌گیریم و به کس دیگری میدهم پس ببینید روستائیان ما مرکز دانشگاه هستند همانجاکه روستائی با زبان ساده جهان بینی اسلام، رابطه خدا و دیده، اصل خدا مالکی اصل کالا امانتی را به من روشن فکر نشان میدهد ولی چون قلم تیره است این را نمی‌توانم بفهمم رفاه شهر مثل سلف سرویس، سرویس‌های حمام و استخر و... نمی‌گذارد که من به قلب توده‌ها پیوندم بخورم و ببینم که آنها واقعا چگونه نیایش میکنند. آنها اسلام را چطور قبول دارند می‌گویند این امانت یک دور روزی بهر روزی دست ماست وقتیکه می‌گویند یک دور روزی یعنی عمر ما موقت است دنیا در گذر است یعنی این جهان، جهان فانی است و به یک ابدیتی هم معتقد است و به یک فناپذیر هم معتقد است بنابراین با این شعار، توده‌های روستائی اهل دنیا نیستند، اهل آخرتند و متعلق به جامعه توحیدی، می‌گویند که ما این ملک این باغ را امانت داریم برای یک دور روزی آن هم بهر روزی و روزی یعنی بعد از اینکه ارتزاق کردیم و نیازهای اصلیمان برآورده شد و نه این که فزون طلب باشیم، سرمایه طلب باشیم از تولید به تمرکز تولید و تجمع تولید و... برسیم و استثمار کنیم و تولید اضافی را بقیایم... توسعه اقتصادی یک عمل اقتصادی نیست بلکه توسعه اقتصادی بسیج توده‌هاست و ما بدون بسیج توده نمی‌توانیم توسعه اقتصادی داشته باشیم بسیج کردن توده هم یک امر ایدئولوژیک است یعنی باستی واقعا ویژگی باید از انسان را بداند، نیازهای اصیل و مکتبی تاریخی توده‌ها را بداند اگر روی این نیازهای اصیل دست گذاشتید توده بسیج میشود اگر نتوانیم این نیاز را کشف کنیم، بیشتر از نبود و قانونمندی توده را درک نکرده ایم... اینها میتواند رهنمودهایی برای کار آینده باشد مسئله دیگر اینکه بعضی می‌آیند و می‌گویند فلانی اقتصاد دان است فلانی ایدئولوگ است ما این رابطه را قبول نداریم می‌گوییم اقتصاد ایدئولوژی از یکدیگر جدا نیستند و ما نمیتوانیم اقتصاد را از انسان جدا کنیم و انسان را هم نمی‌توانیم از ایدئولوژی (یعنی ویژگی‌های باید از ریشه یعنی فطرتش یعنی بینهایت طلبی و عدل طلبی) جدا کنیم و ما می‌بینیم که اتفاقا در فرهنگ قرآن واژه زکات هم یک واژه اقتصادی و هم یک

بسم الله رب الشهداء

به علت نیازمندی عامه مردم نسبت به مسئله ولایت فقیه و رابطه امامت و امت و نحوه استمرار و جانشینی آن، بر آن شدیم تا مسأله مجموعه نظریات که در این موارد در جامعه موجود است را چه به صورت مکتوب و چه غیر مکتوب، در حوزة سه محور: الف) اصل یا حکم بودن ولایت فقیه ب) ولایت فقیه و پذیرش عامه ج) نحوه استمرار و جانشینی، تدوین کرده و در راه مجاهدت بیاوریم تا وسیله تحقیقی باشد برای پیوندگان راه حق. البته بعضی از نظرات موجود در جامعه هر سه محور فوق را در بر ندارند و بدیهی است که در این صورت عینا به نقل این نظرات در مورد يك یا دو محور باقیمانده خواهیم پرداخت.

پیرامون ولایت فقیه شماره سوم

ولایت فقیه و پذیرش عامه

در کتاب "خط امام و دو جریان انحرافی" نوشته "جعفری" از انتشارات حر صفحہ ۶۰ میخوانیم: "ملاک حاکمیت ولی فقیه، توجه و روی آوردن اکثریت مسلمین به آن رهبر است همانطور که از قانون اساسی بدست می آید هر گاه اکثریت ملت، فقیه را بر رهبری دانست بی شک مسئولیت ولایت امر به عهده او خواهد بود و تمامی اختیارات رهبری که در قانون اساسی نیز ذکر شده است در دست او تفسیر خواهد گرفت در این موقع جای هیچ گونه مخالفت و کارشکنی از سوی اقلیت مخالف وجود نخواهد داشت. اقلیت نیز وظیفه دارند در امری که موقوف به حکومت و اداره کشور است از رهبر مورد اعتماد اکثریت مردم پیروی کنند زیرا کشمکش در امور حکومتی باعث اختلال نظام خواهد شد. اکثریت مردم در اینجا نقش تعیین کننده را دارند زیرا قوه مجریه را همانطور که قبلا گفته شد مردم به رهبر میدهند یعنی در میان چند نفر فقیه، آنکه مردم او را پذیرفته اند عهده دار حکومت اسلامی خواهد شد در این صورت طبیعی است که اگر کسی مرجع دیگری را برای خود برگزیند باید در امور کلی و سیاسی و حکومتی تابع نظر فقیه و ولی امر بوده و از او اطاعت کند. ولایت فقیه در یک جمله، بسط فقیه واجد شرایطی گفته میشود که عموم مردم او را بر رهبری پذیرفته باشند و بدلیل اعتماد به وی تن به ولایت آن بدهند. به عنوان مثال: اگر تعدادی مسافر در اتوبوس بسوی مقصدی در حرکت باشند راننده اتوبوس که نقش هدایت سر نشینان را به عهده گرفته شکی نیست که باید مورد اعتماد اکثریت مسافران باشد حال اگر در این میان چند تن از مسافران راننده را فاقد صلاحیت رانندگی بدانند حق ندارند نظیر خود را بر دیگران تحمیل کنند و دست به کارشکنی و مخالفت علیه همه بزنند. اگر شما به نرضو وارد جامعه ای شدید یا در دوران عمر خویش با جامعه ای مواجه شدید که بمنظور شما آن جامعه و رهبران حاکم بر آن که مورد اعتماد مردم بر خطا هستند اینجا وظیفه چیست؟ آیا میشود به عنوان این که این سیستم و همه مردم آن به نظر شما در راه باطل قدم میگذارند، شمشیر به دست گرفت و علیه آنها عصیان کرد تا حق را در آن جامعه برقرار ساخت؟ آیا این منطقی است؟ هرگز مبارزه علیه نظام مورد اعتماد مردم حتی اگر به نظر ما آن نظام باطل بیاید مبارزه بر علیه خلق است مگر حق را می شود به زور و از روی عدم رضایت بر ملتی تحمیل کرد، ما چنین مسئله ای را در هیچ کجا در اسلام سراغ نداریم آنها که امروز مبارزه مسلحانه را شروع کرده اند نه تنها عملی ضد دموکراسی و حاکمیت اکثریت مردم مرتکب شده اند که ضد اسلامی نیز.

در صفحه ۹۶ کتاب ولایت فقیه و حاکمیت ملت نوشته حجة الاسلام طاهری خم آبادی میخوانیم: "بنابراین ولایت فقیه چون امامت امام معصوم مقامی است که از طرف خداوند به او داده شده است و یا به تعبیر دیگر امامتی است الهی و مسئولیتی است که بفرمان خداوند فقیه عهده دار آن میشود و رای و انتخاب مردم در ثبوت آن هیچ گونه نقشی ندارد و چنان نیست که اگر مردم بکسی که از طرف خدا ولایت دارد رای ندادند و او را بر رهبری انتخاب نمودند او ولی امر و امام نباشد و دخالتش در امور خالصانه و بی دلیل باشد. همانطور که در حکومت های غیر الهی که بآراء عمومی بستگی دارد چنین است یعنی ثبوت ولایت و حکومت منوط بآراء عمومی و انتخاب مردم است و همچنین از نظر برادران اسلامی غیر شیعه (اهل تسنن) حکومت را پس از پیامبر انتخاب می دانند نه انتصابی."

ولایت بستگی بآراء عقلاء و دانایان قوم دارد آنها میتوانند فردی را ولی و امام قرار دهند و در غیر این صورت ولایتی نخواهد داشت ولی از نظر شیعه درست بعکس، آنچه دخالت در ثبوت ولایت دارد نصب از طرف خداوند است نه آراء مردم و اما يك مطلب است و آن اینکه اگر مردم مکتب را نپذیرفتند و یا در شناخت مسئله رهبری دچار اشتباه شدند و یا راه عصیان را در پیش گیرند و یا آزادی در عمل نداشته باشند و موافقی بر سر راه آنها نباشد ولایت الهی صورت خارجی پیدا نکند. و به مرحله فعلیت نمیرسد. پس میتوان گفت آراء عمومی نقش اساسی در تعلیل ولایت دارد و تا پذیرش و پشتیبانی مردم نباشد ولایت و رهبری تحقق خارجی پیدا نمی کند. نتیجه آنکه ثبوت ولایت مشروط به آراء عمومی نیست و اگر کسی را خداوند ولی امر قرار داد او ولایت دارد اگر چه مردم هم او را بر رهبری و زمامت نپذیرفتند ولی عینیت و تعلیل ولایت در گرو آراء و پذیرش عمومی مردم است.

نظر دیگری نیز در این مورد هست که با ریشهایی استبداد دینی در طول تاریخ اوج آزادی را در ولایت میداند و تحقق آن را به این صورت می بیند که: "یکی از بزرگترین ویژگی های ولایت فقیه انتخاب او از سوی امت اسلامی به طبیعی ترین شکل ممکن است و عهده دار شدن مقام ولایت از سوی امام زمان سلام الله علیه است و البته فرق این دو انتخاب را هم در شیوه های انتخاب میدانند و انتخاب ولایت فقیه را انتخابی میدانند که در يك روز يك ساعت انجام شود. مقام ولایت فقیه در سیاهترین شبها با امت اسلامی ارتباط برقرار کرده بود. این تفکر معتقد است مقام ولایت فقیه تا زمانی قدرت اجرایی دارد که در قلب توده ها جای داشته باشد و تا زمانی در قلب توده ها جای دارد که در خدمت مکتب باشد و تمام زندگی و استعداد و امکانات خود را در راه خدا ایثار کند. مردم نایب امام را بر اساس معیارهای مکتبی انتخاب میکنند، آنچه در این انتخاب به رای مردم اصالت می بخشد پیروی از دستورات الهی است و عینیت بخشدن به مفهوم حاکمیت الله. بنابراین مهمترین عاملی که از انحراف مردم در تعیین مقام ولایت فقیه جلوگیری میکند شناخت دقیق و صحیح مکتب است و پس اگر این شناخت همراه با عمق و اصالت انجام گیرد استبداد دینی هرگز نخواهد توانست خود را به عنوان مذهب به مردم تحمیل کند. میبینیم که در انقلاب اسلامی ایران این توده های مردمند که همواره آخرین تصمیم را میگیرند در فرآیند جمهوری اسلامی در انتخابات مجلس خبرگان، این رای مردم است که به پیروزی میرسد و اگر مردم بیشتر به روحانیون رای میدهند

نه به مفسرینی از این دست که تحلیلهای سفارشی به نفع قدرتهای خارجی علیه ملت خویش مینویسند، دلیل آنرا باید از مردم با توجه به سوابق روحانیت مبارز و شبه روشنفکران غرب زده پرسید زندگی ساده و بی آرایش امام ما خود نشان این حقیقت است که آنچه برای مقام ولایت فقیه مطرح نیست و نباید باشد کسب مقام و جاهت و قدرتهای ظاهری است اما قدرت معنوی و حکومت بر قلبها مطرح است. در کتاب رهبری امت نوشته استاد جعفر سبحانی در این مورد میخوانیم:

"اشکال دیگری که این نوع حکومتها (حکومت دموکراسی) دارد این است که هرگز عادلانه نیست زیرا بر فرض اینکه انتخابات به صورت صحیح وی غل و غش انجام بگیرد سرانجام بایستد اکثریتی که چه بسا با يك رای بیشتر روی کار آمده است بر اقلیتی که با يك رای کمتر از صحنه عقب زده شده است حکومت کند و در واقع باید به خاطر يك رای منافع و مصالح ملتی از بین برود از اینجا است که باید گفت که حکومت ۵۱ بر ۴۹ نفر يك نوع حکومت ظالمانه است که بشر بر اثر بی چارگی و نبودن راه بهتری عدم توجه به راه دیگر که اسلام پیشیای ملتها گذارده است خواه و ناخواه به آن تن داده است در صورتی که هرگز عادلانه نیست. ولی در انتخاب جانشین برای پیامبر از جانب خداوند چنانکه بیان گردید راه این نوع تبعیض استباه بسته شده است امام را شخصی انتخاب میکند که همگی به حاکمیت او ایمان راسخ دارند و از روی قوانین حکومت میکند که همه افراد آنرا پذیرفته اند دیگر مسئله اقلیت و اکثریتی مطرح نیست" نحوه استمرار و جانشینی

در صفحه ۵۵ کتاب خط امام و دو جریان انحرافی نوشته ع- جعفری میخوانیم: "مطلب قابل تذکر در اینجا اینکه مردم فقیه و ولی امر خویش را انتخاب نمیکنند بلکه او را شناخته و می یابند در این دوره (دوره غیبت) فقیه، یعنی آنکه دارای شرط لازم رهبری امت است فی الواقع و عند الله، معلوم و مشخص است اما وظیفه شناختن آن بر دوش مردم سپرده شده. بنابراین منظور از تعیین رهبری از سوی مردم در این دوره هرگز به معنای انتخاب یا انتصاب آنها از ناحیه مردم نیست، یعنی این مردم نیستند که منصب رهبری را به رهبر میدهند بلکه او که رهبر واقعی امت است را می شناسند و با رو آوردن و تن دادن به رهبری وی دست وی را در اداره امور و اجرای احکام بساز میگذارند. و یا به تعبیر دیگر مردم فقط قوه مجریه به رهبر میبخشند نه سمت رهبری را، چه رهبری او عند الله و عند الواقع محرز و مسل است و یا به تعبیر ساده تر مردم نسبت به ولی فقیه کاشف هستند نه جعل و قرار دهند مقام رهبری مردم. رهبر و ولی امر خویش را کشف میکنند. پس همانطور که مردم این ولایت را برای فقیه جعل نمیکنند همینطور اگر کسی این ولایت را داشت و مردم از او اعراض کردند از او سلب ولایت هم نمیشود."

در کتاب رهبری امت نوشته استاد جعفر سبحانی تحت عنوان دو نظریه پیرامون امامت میخوانیم: "خلافت از نظر دانشمندان اهل تسنن يك مقام و منصب اجتماعی است و در او، جز لیاقت و کاردانی برای اهداف خاص، چیزی شرط نیست در حالیکه امامت از نظر شیعیان منصب الهی است که باید از طرف خدا تعیین گردد و در بسیاری از موارد و مسئولیتها با پیامبر برابر و یکسان میباشد. در صفحه ۹۸ کتاب ولایت فقیه و حاکمیت ملت نوشته حجة الاسلام طاهری خم آبادی تحت عنوان "چگونه به آراء عمومی مراجعه باید کرد" میخوانیم:

"آراء عمومی گاهی به طور طبیعی در مورد فردی مشخص میشود یعنی اکثریت مردم فردی را واجد اوصاف لازم در رهبری تشخیص میدهند و او را به رهبری و امامت می پذیرند. در این فرض دیگر نیازی به مراجعه بآراء عمومی به شکل همپرسی نیست. در ادامه مطلب توضیح داده میشود که در غیر این صورت برای اینکه کارهای حکومتی توقف بردار نیست:

به الله و به فرأت و به رهبر شهیدان زنده اند الله اکبر

معرفی کتاب

کتاب "در راه فاطمه به دنبال عصمت" تحلیلی است از زندگی و شیوه‌های خواهرمجاهد شهید بتول پورابراهیمی که شامل محورهای زیر است:
- شیوه تبیین زندگی مکتبی شهید
- مختصری از زندگی خواهرمجاهد شهید بتول پورابراهیمی
- عصمت، یازندگی لله
- تحقق نیاز به عصمت در زندگی و شیوه‌های شهید بتول
- امیدواریم که این کتاب کامی باشد و رجعت شناسانندن شهید برای تدوین راه سرخس و السلام

در راه فاطمه به دنبال عصمت



تکمیل از: ...
نقش شهید صمدیه زاهدان

داد بود مجاهد شهید بتول پورابراهیمی

بسم رب الشهداء والصدیقین
انا اعطیناک الکوثر فصل لربک
وانحر ان شانک هو الاثر
وما به تو کوثر (چشمه جوشان)
عطا کردیم . . .

چشمه جوشان کوثر تا این زمان
مبجوشد و فاطمه گونه‌ها را سیراب می-
سازد آنها بی که فاطمه را الگوی
خویش قرار داده و عصمت را در راه او
می‌بیند "عصمت" یعنی باور حق
نزد یکی به خدا و در بودن از ناپاکی
و گناه و زشتی آنچنانکه ائمه اطهار
(ع) در اوج معصومیت بودند زیرا
همه چیز را فقط در رضای خدا
میدیدند. انسانهای خدا جو نیز
به خاطر فطرت پساکی که دارند
در مرتبه پائین تر از ائمه بد نیستند
عصمت هستند یعنی نیاز دارند که
شیوه‌های اسلامی را بکار بندند و به
میزانی که این امر را تحقق میدهند از
گناه و آلودگی‌ها و می‌شوند به مقام
عصمت نزد یک میگردند.

مجاهد شهید بتول پورابراهیمی
از زمره مومنانی بود که نیاز داشت با
فعال شدن در عمل صالح زمان و
کسب رضایت خدا هر لحظه بیشتر
به مقام عصمت نزدیک شود.

مختصری از زندگی شهید

خواهرمجاهد شهید در سال
۱۳۳۵ در خانواده‌ای نسبتاً مرفه
در کرمان متولد شد. زندگی کودکی-
اش را در روستاهای اطراف شهید
کرمان گذراند. بعد از گذراندن
تحصیلات متوسطه به دانشگاه
کرمان راه یافت در طول سالهای ۵۰
و ۵۱ که مبارزات دانشگاهی او
گرفته بود وعده‌ای از دانشجویان
مذهبی بر اساس نیاز به داشتن
تشکیلی برای مبارزه در و هم جمع شد
بودند، بتول نیز به آنها پیوست و در
شرایطی که خواهران به آن صورت
در مبارزات نقش مبنایی نداشتند
فعالانه در تمامی حرکتها اعم از
اعتصابات و تظاهرات و غیره شرکت
داشت.

پس از اتمام دوره دانشجویی
از زندگی مرفه خانوادگی جدا شد
و شیوه زندگی مستضعفین را
اختیار کرد. و با وجود اینکه رشته
تحصیلی او متناسب با سیستم
اداری وابسته بود ولی عشقش به
مستضعفین و محرومین سبب شد
تا بلوچستان را برای خدمت
انتخاب کند به دنبال مبارزاتی که
قبل از پیروزی انقلاب و بعد از آن
داشت با نیاز پیوند با خط مکتبی
امام و خط اصیل مجاهدین کار
تشکیلاتی او را با نهضت مجاهدین
خلق شروع کرد و سرانجام با عشق
به خدا و مستضعفین در این راه پسر
صلابت به لقاء الله شتافت.

شهید وسیله تقرب به خدا
خون شهید اتعهد آفرین و بسیار
گران و راه اتحاد اصولی پرهیز و خم
است از آنجائیکه شهید با تحقق
صفات الهی در زندگی و اعمالشان

فشارها این است که در مقابل با
توطئه‌ها و مشکلات نه به دام
شیوه‌های غیر اسلامی افتاده و نه
منفعل شویم بلکه همواره بدنبال
تحقق مکتب و قرب به خدا در اعمالمان
باشیم.

فشارها این است که در مقابل با
توطئه‌ها و مشکلات نه به دام
شیوه‌های غیر اسلامی افتاده و نه
منفعل شویم بلکه همواره بدنبال
تحقق مکتب و قرب به خدا در اعمالمان
باشیم.

فشارها این است که در مقابل با
توطئه‌ها و مشکلات نه به دام
شیوه‌های غیر اسلامی افتاده و نه
منفعل شویم بلکه همواره بدنبال
تحقق مکتب و قرب به خدا در اعمالمان
باشیم.

فشارها این است که در مقابل با
توطئه‌ها و مشکلات نه به دام
شیوه‌های غیر اسلامی افتاده و نه
منفعل شویم بلکه همواره بدنبال
تحقق مکتب و قرب به خدا در اعمالمان
باشیم.

و کسب شیوه‌های اسلامی الگوهای
مطهری در جهت تقرب به خدا
هستند بر آنیم باز گریزها و دعاها
این شهید قدمی در جهت تدوین
راهش برداریم. اگرچه شهید
بتول ظاهراً وصیت نامه‌ای نداشت
اما شیوه‌ها و دعاهاش که برایمان
به یادگار مانده است میتواند هر
لحظه راهنما و الگوی مادر زندگی
باشد.

امت واحد، بهشت روی زمین
شهید بتول به دنبال کسب
رضایت خدا در پی تحقق و رشد
و گسترش روابط امت واحد بود. او
خدا را هدای انسان‌ها می‌داند از این
رومی میگرد به جای برخورد های
تند و عجلانه، تعالی و هدایت
انسانها را در نظر گیرد و با مسائل
و مشکلات برخورد صبورانه داشته
باشد. او در یکی از نوشته‌هایش
آورده بود "بهشت آخرت مال
کسانی است که بهشت را در این
دنیا تحقق دهند" همانطور که
امام آیت ا... العظمی منتظری
بارها اشاره کرده اند انقلاب ما
به مرحله‌ای رسیده است که نیاز به
تعمیق درونی چه از لحاظ سیاسی
و چه از لحاظ ایدئولوژیک دارد. در
واقع این تعمیق تنها از طریق کار-
هایی امکان پذیر است که خود با
مشکلات برخورد صبورانه داشته
و به دنبال شیوه‌های اسلامی باشند
مقابل با خطوط و جریانهای انحرافی
که خود آگاه یا ناخود آگاه به انقلاب
ضربه میزنند، به انجم درونی
ارگانها، نهادها و جریانهای خط
امام نیاز دارد.

خدا ای لحظه به لحظه
شهید بتول همواره سعی
داشت تا خدا را در لحظه لحظه‌های
زندگی حاکم ببیند و در راه رضای او-
قدم بردارد او میگفت "اگر زیر فشار
نتوانیم آرامشمان را حفظ کرده
و رابطه کارمان را با خدا در دنیا بر-
حتماً" منفعل شده و از سیج می‌افتیم
و اگر امید به کسی زیر فشار منفعل شده
تمام تلاش را در جهت حل مسئله
او بکار میبرد.
فشاری که در اثر ترور کارهای
مکتبی و نفوذ خطوط انحرافی به
انقلاب وارد شد از یک طرف باعث
انفعال بعضی از عناصر انقلاب شد
و از طرف دیگر موجب گسترش شیوه‌های
غیر اسلامی نظیر تصفیه و مارک و تهمت
گشت. برخورد صبورانه با این

- نوحه ماسیت الگرد شهادت شهید بتول
یکسال گذشت از هجرت طاهر بتول پاک پیرو فاطمه
عاشق کر بلا
آن زار ز کرب و بلا ی حسین
رفت بر راه وفا
عاشق کر بلا
آنکه شد فاطمه الگوار
نور و روشن مهر
عاشق کر بلا
یا ابن الحنای سید فاطمه
خال غریب تن
عاشق کر بلا
مهریه اش آزادی کر بلا
داده است این دنیا
عاشق کر بلا
رفقه پیش خدا
آنکه سرداشت هوا حسین
رفت بر راه وفا
رفقه پیش خدا
آنکه شد فاطمه الگوار
نور و روشن مهر
عاشق کر بلا
یا ابن الحنای سید فاطمه
خال غریب تن
عاشق کر بلا
مهریه اش آزادی کر بلا
داده است این دنیا
عاشق کر بلا
رفقه پیش خدا

وَمَنْ جَازَ مِنْ بَنِيهِمْ مَهْجَرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ بَدَّ لَهُ كُفْرًا الْيَوْمَ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ
هر کس از خانه‌اش بیرون بیاید به حال هجرت بسوی خدا و رسول او، سپس مرگت او را در یابد، همانا اجر و پاداش او بر خدا واقع گردیده است.

بقیه فاطمه (س) ... از صفحه ۵

قادر به برخورد صحیح و مکتبی با بچه نیست به عبارت دیگر عده ای به نیازهای فطری بچه ها مثل حق طلبی - عدالت طلبی و بینهایت طلبی اصالت میدهند و خطشان این است که این نیاز فطری را در رجه ها تشدید کنند و آنها را به خوی کوخ نشینی عادت بد دهند و در مقابل عده ای هستند که تنها به نیاز مادی بچه اصالت میدهند بطور مثال کودک به خانه مجلل، غذای لذیذ و ... احتیاج دارد تا رشد کند که مسلمات این شیوه های به خوی کاخ نشینی عادت میکنند. البته نیازهای طبیعی بچه نفی نمیشود بلکه نباید این نیازها را در زندگی ورشدا و اصل صیبه گرفت. آنچه مادر شیوه های فاطمه (س) میبینیم این است که او به نیازهای فطری بچه اصالت داده و سعی در رشد خوی کوخ نشینی در آنها دارد. گرچه ظاهراً این زندگی مشکل وحل تضاد های آن با بچه ها ساخت به نظر میرسد ولی تنها راه تربیت بچه های مکتبی است بقول امام از کوخ فاطمه است که آن همه معنویت به در نیاساطع میشود. در جایی اسماء بنت عیسی میگوید " روزی رسول خدا (ص) به منزل فاطمه تشریف برد. دید حسن و حسین منزل نیستند احوالشان را پرسید، عرض کرد امروز در خانه ما چیزی برای خوردن وجود نداشت. علی (ع) وقتی خواست بیرون برود فرمود حسن و حسین را با خودم بیرون ببرم مباد اگر بچه کنند و از تو مطالبه غذا نمایند آنان را برداشت و رفت نزد فلان شخص یهودی رسول خدا در جستجوی علی بیرون رفت و او را در خلستان یهودی یافت که مشغول آب کشی بود. حسن و حسین را مشغول بازی دید. مقداری خرماییزد نزدشان بود به علی فرمود قبل از اینکه هوا گرم شود، حسن و حسین را به خانه برزنی گردانی؟ عرض کرد بارسول الله وقتی از خانه خارج شدم غذا بی در خانه نداشتم صبر کنید تا قدری خرما برای فاطمه تهیه کنم من با این یهودی قرار گذاشتم در مقابل هر دو آب یک دانسه خرما بگیرم. وقتی قدری خرما تهیه شد آنها را در دامن خودش ریخت و حسن و حسین (ع) را برداشته به منزل برگشت."

آنچه در این روایت مشخص است شیوه های فاطمه (س) و علی (ع) در رابطه با مشکل گرسنگی فرزندانشان میباشد: اولاً آنها اصالت را به سیرنگ داشتن بچه نمی دهند زیرا در این صورت برای تامین معاش چه بسا مجبوره نرفتن در میدان مبارزه و عمل صالح زمان بودند و می با بیست برای تامین رفاه فرزندانشان در مواضع مکتبی خود حداقل تعدیل نمایند. فرزندانشان آنها میبایست در در محرومین جامعه را در رک میکردند تا بتوانند با آنها بیوند بخورند و در راه ازین بردن ظلم و استثمار مبارزه کنند. دوماً اگر قرار است به این نیازها پاسخ گفته شود نباید شیوه پاسخ گویی به آن بگونه ای باشد که در جهت تشدید انگیزه های ضد ظلمی آنها قرار بگیرد در ضمن آنها برای بچه ها قانون بندی جدا از بزرگ سالان قائل نیستند که بگویند در بچه ها نیازهای مادی اصالت دارد بعداً معنویت پیدا کنند. بلکه از ابتدا باید در جهت الله حرکت کنند. ثالثاً در روش آنها مبارزه نافی نیازهای طبیعی نیست ولی از طریق مکتبی به آنها پاسخ میدهد و علی (ع) با کار کردن خود غذای آنها را تامین میکند. در همین رابطه میبینیم اگر پیامبر رجایی احساس میکرد که فاطمه (س) به نیازهای غیراصیل بچه ها توجه دارد با او طوری برخورد

میکرد تا او متوجه اشتباه خود شود. مثلاً روایت شده زمانی که پیامبر (ص) از جنگ برگشته و بر طبق عادت معمول اول به خانه فاطمه تشریف فرماید ندیدند پوره پشمی تازه ای برد راتاق آویخته و دستبند نقره ای در دست حسن و حسین است. رسول خدا در منزل دخترش درنگ نکرده برگشت فاطمه (س) علت کم لطفی پدر را درک کرده پوره را برداشت و دستبند را زد دست حسن و حسین باز نمود و به آنان داد و فرمود: بپروید خدمت جدتان تقدیم نمائید و آنها را فرستاد تا در بازار بفروشند و دست بند از آن قیمت برای بچه ها بخرند. در اینجاست فاطمه (س) خیلی سریع درک میکند که علت ناراحتی وجود دستبند های گران قیمت در دست حسن و حسین بود است. شیوه آموزشی که حضرت فاطمه (س) با بچه های خود داشته است این بود که متناسب با سن آنها آموزش های لازم را میداد است مثلاً یکی از شیوه های آن حضرت این بود که موقع بازی با امام حسن و ابوالعباس انداختن او شمعی را متناسب سنش برای او میخواند و تسبیح او را آموزش مکتبی بدهد. روایت است که این شعر را موقع بازی با امام حسن میخواند: اشیح ابابک یا حسن، واخلع عن الحق الرسن واعد الها " نامن، و لاتوال ذاللاخن یعنی حسن جان مانند پدرت باش، رسما ن را از گردن حق بردار و خدا ای احسان کننده را پرستش کن و با افراد دشمن و کینه توز دوستی مکن.

با این شیوه آموزش های مکتبی لازم و متناسب با سن را به آنها میداد است. نمونه دیگر طبق روایتی یک روز زینب (س) که نزد پدر قرآن میاموخته است و پدر او را از سر نوشت آینه ها ش مطلع میسازد زینب در جواب میفرماید مادرم مرا از آن مطلع کرد بود. این نمونه نشان میدهد که فاطمه (س) نه تنها خود آنگردید مکتبی داشته میتوانسته آینه فرزندانش را درک کند، بلکه این دیدگاهها را به فرزندانش نیز آموزش داده است و با آموزشهای لازم آنها را برای سختیهای آینده آماده میکند و است و ویژگی او این بوده که بطور مستمر و لحظه به لحظه به فرزندانش در روشی و شیوهها آموزش میداد است و یکی از نکات مهم در برخورد فاطمه (س) که از پدر آموخته بود اینک همیشه با احترام با بچه ها برخورد میکرد و همیشه الفاظ خوب در برخورد با آنها بکار میبرد.

شیوه های که میتواند برای مادران مکتبی امروز ما راهنمای عمل قرار گیرد و درسی باشد از فاطمه زهرا این است که اگر نیازهای بچه ها را در جهت حق طلبی و ضد ظلمی جهت بهم میتوانیم مشکلات مادی و اقتصادی را برای بچه ها تبیین کنیم و این تبیین میتواند از خود کم بینی بچه ها در مقابل هم سالان خودشان بکاهد. و موضع مبارزه با ظلم به آنها بدهد

زندگانی سیاسی حضرت فاطمه (س)

آنچه در زندگی فاطمه (س) مشخص است اینک همیشه برای او رشد حق و اسلام اصل بوده است و با این ملاک وظیفه خود را در جامعه مشخص کرده است. در زمانی که مسلمین دارای حداقل نیرو هستند و به شدت از طرف کفار تحت فشار میباشند او همراه پدر تمام مشکلات و سختی ها را در شعب ابوطالب تاهجرت به مدینه تحمل میکند. پس از آن در جنگها همگام با نیروهای رزمده مشکلات پشت جبهه را رسیدگی میکند. همراه پدر همسر و فرزندانش

خود در مباحله با یهودیان شرکت میجوید و زمانی که باید نهضت اسلام را در مقابل توطئه های آینده حفظ کند مسئولیت فدک را به عهد میگیرد تا بتواند با تقسیم درآمد آن بین مستضعفین، نهضت اسلامی را تداوم دهد و در همین رابطه است که میبینیم بعد از جریسان سقیفه که خلافت علی را غصب میکنند فدک را هم که پیامبر به فاطمه بخشیده است غصب میکنند تا اگر دست علی (ع) را بستند که نتواند کاری کند دست فاطمه را هم ببندند تا او هم نتواند در جامعه حرکتی داشته باشد اما فاطمه هم از حق غصب شده شوهر دفاع میکند هم از حق غصب شده خودش، گرچه خلفاسعی کردند که بگویند اختلاف فاطمه (س) با ابوبکر اختلاف شخصی بر سر یک مسئله اقتصادی (فدک) است اما فاطمه به صراحت گفت که به خاطر غصب خلافت علی (ع) است که او با ابوبکر مخالفت میکند. او چون کوهی در مقابل این توطئه ایستاد تا اینکه جان خود را در راه حق از دست داد. او که پیامبر در زمان حیات خود همواره تأییدش مینمود و گفته بود " هر که فاطمه را به خشم آورد مرا به خشم آورد و هر که او را ازیت کند مرا ازیت کرده بعد از فوت پیامبر برای بسیاری از مردم ملاکسی بود برای تشخیص حق از باطل و ابوبکر و عمر از خشم فاطمه بینهایت میترسیدند زیرا موجب برانگیخته شدن مردم بر علیه شان میشد و آنها تا زمانی هم که فاطمه زنده بود نتوانستند از علی (ع) بیعت بگیرند.

حضرت فاطمه برای نشان دادن موضع خود نسبت به غصب حق علی (ع) و

خودش مدتها با ابوبکر و عمر برای ملاقات نمی پذیرفت و این امر باعث بوجود آمدن زمره های بی درین مردم شده بود که آنها را به وحشت و انداخت و ایند و برای جلب رضایت فاطمه (س) به علی (ع) متوسل شدند و فاطمه به خاطر نجات جان علی (ع) آنها را برای ملاقات پذیرفت.

فاطمه (س) که در مقابل غصب خلافت علی (ع) نمیتوانست سکوت کند تمام همش را در جهت افشا و خنثی کردن این توطئه گذاشت او شبها همراه علی (ع) و حسین نزد صحابه میرفت و وصایا و تائید های را که پیامبر از هلی کرده بود متذکر میشد و در رابطه با مسائل فدک آنچنان خطبه ای در مسجد خواند که با آن تمام ملاکهای را که لازم بود گفت و آنچنان حسی و باطل را مزمزندی کرد که در تاریخ هیچ شکی در غصب حق خود و شوهرش باقی نگذاشت. او حتی در هنگام مرگ هم موضع انقلابی خود را حفظ کرد او که وصیت کرده بود که نگذارند کسی جز صحابه علی (ع) بر جنازه اش نماز بگذارد و در ضمن او را شبانه دفن کنند تا قبرش معلوم نشود و به این صورت مخالفت خود را با حکومت برت نشان داد آنچه که از این شیوه های فاطمه میتواند راهنمای ما باشد اینک مکتب زندگی حرکت در جهت رشد حق باشد و در این جهت از هیچ کوشش نباید دریغ کرد و خانواده و همسر و بچه همه چیز را باید در این جهت بخواهیم در فریاد صورت حدی میشود که مانع از رشد و تعالی طرفین میگردد.

والسلام

بقیه و الفجر ...

در طی دو سال جنگ هر چه رشد مردم ما شدت گرفته ماهیت صدام که در صد جلوه گیری از این رشد بوده بیش از پیش افشاشده است. در مسیر عملیات و الفجر با سیخ بسیاری که بدنبال داشت بیش از هر زمانی آشکار شد استفاده از شیوه های نظامی فاشیستی جهت سد کردن راه رزمندگان اسلام و تائید ثبات امنیتی و سیاسی اسرائیل و همچنین کمک خواستن بیش از پیش از غرب و حمایت هر چه گسترده ابرقدرتها و ارتجاع منطقه از او خود عقب نشینی و شکستی برای اوست زیرا سعی دشمن در حفظ چهره مظلومانه و جعبه نمایانه اش است و صدام با این مواضع مایه رسوایی خویش را فراهم کرد.

۱۰- ایجاد زمینه فعالیت برای انقلابیون عراق؛

در عملیات و الفجر دشمن بیشتر نیروهای خویش را جهت جلوه گیری از حرکت نیروهای اسلام به جبهه گسیل داشت و خود این عمل باعث باز شدن زمینه ای برای فعالیت بیشتر انقلابیون داخل عراق میگردد.

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ
اسْرَافَنَا فِيْ اَمْرِنَا وَ تَبَّ
اَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلٰى
الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ آل عمران آیه ۱۴۱

شهید داد ه ایم و چندین هزار معلول و زخمی و ۱۷۰ شهید و ۱۳۰ آبا ن ها و ۰۰۰ راگد رانده ایم و همیشه در صحنه خون و شهادت بود ه ایم کاندیدای مرحله اول انتخابات رئیس جمهوری مان یا وابسته بود ند و با صلاحیت نداشتند مردم عراق که این مراحل را نگذرانده اند چگونه حکومت اسلامی را اداره کنند، با کدام کادر؟

۱- جمع بندی جنگ دراز مدت، زنجیره ای زیر متمرکز؛

در طول این عملیات ساده اندیشی که در مورد سقوط صدام مطرح بود (شعار آخرین عملیات و مقطعی دیدن جنگ) نیز ضربه خورد. به این ترتیب که این ضربه را متوجه این موضوع کرد که جناحهای اپرالیسم و صهیونیسم با توجه به حاکمیت خط امام در ایران حاضر نیستند صدام سقوط نماید و زنجیره ای و لور فریسم روی کار بیاید زیرا سقوط صدام ثبات جمهوری اسلامی ایران را در منطقه بدنبال دارد، ضربه خوردن این ساده اندیشی منجر به مطرح شدن جمع بندی جنگ دراز مدت غیر متمرکز زنجیره ای شد

حجت الاسلام رفسنجانی در نماز جمعه تهران گفتند مردم ما خودشان را آماده کنند ممکن است جنگ طولانی شود و همچنین در جمع مسئولین واحد های آموزشی جهاد گفتند: " در این حمله مادر یک نقطه متمرکز نخواهیم بود و آقای نخست وزیر هم گفتند: این عملیات ادامه خواهد داشت و صورت زنجیره ای باید باشد ان نگاه کرد" با این جمع بندی باید امیدوار بود که همه جبهه ها فعال شود و عملیات در نقطه خاصی محصور نشود.

۹- افشای چهره چپ نما و ماهیت فاشیستی صدام؛

از صفحه ۴ نوشته گیری از پیام...

اسلامی هستند و لذا معتقدند از آنجا که بسیاری از انتقادات وفادار پیام امام از خود مسئولین و نهادها سرزده است لذا از اینکه این پیام تحقق پیدا کند و به فراموشی سپرده نشود مایوس می شوند. عده ای معتقدند که مبارزان و مسئولین خط امامی که از شیوه های غیر اسلامی مبرا بوده و می توانند ضامن به اجراء آمدن پیام امام شوند بسیار معدود اند و لذا توان برخورد با جریان مخالف را ندارند. این برادران توجه ندارند که شیوه اصیل انقلاب اسلامی و خط مشی رهبری آن همواره تکیه به بسیج توده ها بوده است و رمز پیروزی آنها در همین است. رهبری انقلاب علی رغم اینکه مسئولین متعهد را در اجرای پیام فعال نمودند ولی مخاطب اصلی شان در پی گیری و تدامین آن مردم مسلمان و عدل طلب بوده است. امام که همیشه بر لزوم حفظ وحدت و حل مسائل و اختلافات مسئولین در میان خود شان تاکید می کنند، چه میشده که اینطور انتقادات و انحرافات را آشکار و علنی ابراز می نمایند؟ آیا به این معنا نیست که مقصود شان توجه دادن به مردم و بسیج آنها برای حل مسائلی است که دیگر از حد اختلاف سلیقه و اشتباهات طبیعی گذشته است و اصلاح آنها نیاز به برخورد و قاطعیت بیشتری دارد؟

امام در یکی از سخنان بعد از پیام نزدیک به این مضمون می گویند که این اشکالات بیشتر در مسئولین است و اینها در مردم ما نیست. یعنی امام مردم حق طلب ما را که مبرا از شیوه های غیر اسلامی و خود محورها هستند صالح ترین جریان برای شنیدن و قیام به اجرای پیام میداند. برادر میرحسین موسوی - نخست وزیر - در یکی از مصاحبه های بعد از پیام در پاسخ به این سوال که آیا شما برای اجرای تضمینات ستاد پیگیری نیروی انتظامی خاصی تشکیل میدهند؟

گفتند ما در حقیقت با تکیه به نیروی مردم است که میخواهیم این پیام را تحقق ببخشیم.

هر حرکتی که ضامن اجرایش پیداری و بسیج مردم باشد حرکتی ابرتر خواهد بود هر چند که شیاطین و افراد غیر متعهد در صدور کارشکنی و سوء استفاده از آنهام برپایند. با این باور است که ما علی رغم مشکلات بسیار به تحقق این پیام امیدواریم.

ب- امام از آنجا که در پیام خود به مسائل بنیادی جامعه یعنی مزبندی در شیوه ها و مبارزه با شیوه های غیر اسلامی پرداخته است لذا این امر یک حرکت مقطعی نبوده و در حقیقت ملاکی خواهد بود تا افراد بیدار بیدارتر شده و مردم در آینده با هوشیاری بیشتری بر امور نظام مراقبت کنند. حرکتی با این شیوه (مزبندی شیوه ها) کارهای خود را بتدریج در جامعه خواهد ساخت. هم چنین جریانهای مختلف هم با مواضعی که در مقابل پیام اتخاذ کرده اند و یا می کنند از یکدیگر مزبندی شده و امام با موضعگیری مساو و برخورد های متوالی با این جریانها بر بیداری جامعه می افزایند و این خود به تحقق پیام عمق بیشتری می بخشد.

برکات پیام:

- ۱- امیدوار کردن بسیاری از نیروهایی که به آینده انقلاب مایوس می شوند و همینطور قاطعیت دادن به آنها در امر مبارزه با شیوه های غیر اسلامی و جریانهای منحرف.
- ۲- ایجاد زمینه نسبی برای طرح انتقادات اصولی و شکستن این محیط که هر انتقادی را به حساب مخالفت با نظام جمهوری اسلامی بگذرانند.
- ۳- اثر این پیام روی نیروهای صادق و ارگانها و نهادها بصورتی که آنها را در مقابل حرکت های نادرست و روشهای غیر اسلامی فعالتر نمود.

۴- شکستن جو ساده اندیشی و خوش بینی کاذبی که تمام مسئولین را یک دست مورد تایید امام میدید و لذا قاطعیت مبارزه با انحرافات را از دست میداد.

آنچه بر ما برای تحقق بهترین پیام ضروری است:

- ۱- در پیام به شیوه های غیر اسلامی اشاره شده و ما آنها مبارزه شده است در عین حال در جامعه نیاز به ارائه شیوه های اسلامی و اثباتی برای حل مشکلات وجود دارد این امر مهمی است زیرا بسیاری از افراد با حسن نیت بخصوص در زمینه های قضایی و امنیتی از آنجا که شیوه های اثباتی و اسلامی برای حل مشکلات ندارند به سمت شیوه های غیر اسلامی و انسانی سوق پیدا میکنند.
- ۲- از وظایف ما این است که هدفهای این پیام را هر چه بیشتر تبیین کنیم و در جهت گسترش آن در جامعه بکوشیم.
- ۳- سعی کنیم مخاطبان اصلی پیام را در نقاط مختلف شناسیم و با روشها و خط مشی غیر اسلامی آنها مبارزه کنیم.
- ۴- به سوء استفاده هایی که از پیام میشود توجه کنیم و در آگاه کردن افراد متعهد نسبت به آنها بکوشیم زیرا این امر همانطور که امام فرمودند ضرر بزرگی به حیثیت انقلاب است.

والسلام علی عباد الله الصالحین

توضیح: در سرمقاله گذشته راه مجاهد "پیام ۲۴ آذرماه امام خمینی" اشتباه "پیام ۲۴ دی ماه" ذکر شده بود که بدینوسیله تصحیح و از اشتباه چاپی فوق معذرت میخواهیم.

از صفحه ۱۹ پیرامون ولایت فقیه

"لذا برای حل این مشکل در قانون اساسی در اصل ۱۰۷ چنین پیشبینی شده است که مردم در یک انتخابات عمومی شرکت میکنند و افرادی به نام خبرگان (آگاهان) انتخاب میکنند و به آنان نمایندگی میدهند تا رهبری شورای رهبری را تعیین کنند البته این افراد (خبرگان) باید افرادی باشند که بتوانند تشخیص دهند که چه فرد یا افرادی از بین فقها طبق موازین اسلامی و قانون اساسی برای مسئله رهبری صلاحیت دارند و آنگاه پس از انتخاب شدن اگر فرد برجسته ای از بین فقها یافتند او را بر رهبری انتخاب میکنند و اگر

چنین فردی نبود شورای مرکب از سه یا پنج نفر فقیه عادل برای رهبری تشکیل میدهند. بنابراین انتخاب رهبری شورای رهبری با اکثریت آراء مردم توسط نمایندگان آنها خواهد بود و این طرز انتخاب نیز به گونه ای دیگر در تاریخ شیعه سابقه دارد زیرا همیشه مردم برای شناختن مرجع تقلید بعلماء و مجتهدین شهر و محل و یا حوزه علمیه مراجعه میکردند و اساسا کسی که خود دارای مرتبه اجتهاد باشد میتواند تشخیص دهد فقاقت یا علم بودن دیگری را و از عهده غیر مجتهد این کار ساخته نیست. نتیجه آنکه مردم اگر توانستند رهبر واقعی خود را مطابق با شرایط یاد شده تشخیص دهند نیازی به انتخاب خبرگان نیست و اگر نتوانستند باید خبرگانی را برای این جهت انتخاب نمایند"

ادامه دارد

از صفحه ۹ ریشه یابی و تکمیل یک گروه عاقبت طلب

نفوذ کلام آنها در بعضی او را به وحشت انداخته و تحت تاثیر تبلیغات الفاسد شده بنای فعالیت گسترده و تشکیلاتی علیه بهائیت را می گذارد.

قابل بررسی است که از اساسی ترین اصول اولیه گسروه جدایی دین از سیاست است و اینکه امروز خطر عظیم از طرف منکرین ولایت امام عصر (عج) یعنی بهائیان است و باید همه نیرو را در جهت مبارزه با آن بسیج کرد.

باتوجه به گسترش تفکر دکماتیسم راست از یک طرف و توطئه امپریالیسم و دسیسه های از طرف دیگر دست بدست هم داده و جریان عاقبت طلبانهای شکل گرفت که ما شاهد آن هستیم.

این عوامل یعنی شیطنت امپریالیسم و انحرافات فکری هنوز هم موجود است و فعال و ولی آنچه اصالت دارد - زمینه های دینی انقلاب و بسیج مردم است. اگر نیروهای انقلاب و رهبران آن با این دسیسه ها برخورد عادلانه و واقعی بنمایند تنها چنین توطئه های بثر نیبرند بلکه باعث رشد و گسترش انقلاب میگردد. در باره تفکر دکماتیسم راست بعداً بیشتر سخن خواهیم گفت. لذا به بررسی زمینه های میرد ازیم که دسیسه فوق از آنها سوء استفاده کرده و خط خود را گسترش دادند.

از صفحه ۳ مراحل منتهی به نکت

عراق بصورت تشکیلاتی قوی سرتاسری بر تمامی زوایای جامعه عراق پنجه افکنده است و کشور را کاملاً در دست دارد.

به قول برادر عراقی، حزب بعث خانواده را از چند وجه کنترل میکند. مرد خانواده عضو حزب بعث یا اتحادیه است. کاروان و یا ۱۰۰ است که بدست بعثی ها اداره میشود و مسوول مرتباً از اوضاع خود و خانواده اش گزارش میدهد. زن خانواده عضو اتحادیه زنان، انجمن محل و ۱۰۰ است که در دست بعثیهاست و از طریق مدرسه و اتحادیه ادنش آموزی، توسط دانش آموزان خانواده راتحت کنترل قرار میدهد. تشکیلات حزب بعث تمامی اتحادیه ها، مدارس و انشگاهها، کارخانه ها و ۱۰۰ راتحت کنترل خود دارد.

مهمترین وجه تشکیلاتی که جوهر رژیم عراق و ویژگی رژیم عراق هم میباشد ثبات پلیسی نظامی حزب بعث است. حزب بعث کنترل ارتش را کاملاً در دست داشته و وسیله آن ارتش قوی تمامی حرکت های مردمی را سرکوب مینماید. ثبات قوی حزب بعث و بخصوص وجه نظامی آن مانع اصلی حرکت مردم و عامل اصلی در کند کردن حرکت مردم عراق میباشد و اگر بتوانیم با ضربه زدن به ارتش بعث آن را تضعیف و ضربه پذیری آن را به توده های عراقی نشان دهیم حدود مردم

از صفحه ۱۰ فهرست موضوعی

- ۸۵- تفسیر مناجات شعبانیه دعای "الهی هب لی کمال الاقطاع الیک" ص ۹۹
- ۸۶- رابطه حق و خلق و سخت تر بودن تصور آن از تصدیق آن ص ۱۰۱
- ۸۷- برخورد های امام خمینی با جریانهای تحت زن و مقتدری و لزوم تصحیح شیوه ها ص ۱۰۳
- ۸۸- بیان تفسیر وحد آن، بیان حب نفس مورچه، تفسیر آیه شریفه "یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم" ص ۱۰۰
- ۸۹- رابطه انسان با دعا ص ۱۰۹
- ۹۰- درباره کسروی و حافظ ص ۱۰۹

عراق شکسته شده و حرکتشان تشدید خواهد شد قابل تذکر است که در تمامی طول جنگ، عراق همواره متحدانه تلفات خود را در ارتقا پائین اعلام نموده و خبرگشته شدن سربازان خود را پخش نمیکرد. است تا ارتش در اذهان مردم ضربه پذیر نشود.

تضمین جناح کمپ دیویدی ارتش بعث خطر حمله دوباره به خاک ما را تقلیل میدهد در ضمن عملیات متوالی کارهای چریک فراوانی را در عمل آموزش داده و میسازم در حملات اخیر بیسیست کا در سازی چریکی ضعیف بود و رزمندگان ما اکثر از اردوگاههای آموزشی راهی جبهه ها میشوند و بدون طی مراحل عملیات، وارد عملیات شده و به علت کمبود تجربه ضربه پذیری ما زیاد میباشد.

۵- تقویت جریان حُر و استقلال طلب و معترض در ارتش عراق

از آنجا که ارتش دشمن یک دست نبوده و از نیروهای احتیاط، پرسنل وظیفه و کادر از ستوه مختلف برخوردار است در درگیری دراز مدت با نیروی حق تجزیه شده و یک جریان معترض و عدالت خواه علیه حاکمیت قدر در این ارتش ساخته خواهد شد این جریان را اصطلاحاً جریان "حُر" موجود در ارتش عراق مینامیم (۱)

جریان حُر در ارتش عراق پس از شکستهای متوالی بقیه در صفحه ۲۴

ادبیات انقلاب
و مکتب

خدا مالکی

"بسم الله رب الشهداء والصدیقین"

سال گذشته و بخصوصی اواخر سال گذشته مسائلی و درگیر - یهایی بین جریانهای فعال در جمهوری اسلامی ظهور کردند و بود که توجه بسیاری از مردم را به خود معطوف داشت بود . مسائلی مثل بحث در مورد قانون کار ، نحوه بازرگانی خارجی ، مشکل مسکن ، مساله بندج و چگونگی اجرای مصوبه آیه الله منتظری ، آیه الله مشکینی ، شهید بهشتی و شورای انقلاب در مورد تعدیل مالکیت و تقسیم اراضی مزروعی بزرگ در زمین زارین ۰۰۰ ، برحسب دیدگاههای مختلفی که نسبت به این مسائل وجود داشت مسئولین مواضع مختلفی گرفته و گاهها حالت پرخاش نسبت به یکدیگر را پیدا نموده بود . مساله تا بد انجا رسید که مسئولین دلسوز در صدور اصلاح امر و جلوگیری از ایجاد تفرقه و تشتت برآمدند . حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی در خطبههای نماز جمعه قریب به این مضمون گفتند که اختلافاتی که وجود دارد اختلاف بین افرادی است که همه اسلام را می خواهند و حسن نیت هم دارند ولی برخی بیشتر در ارتباط با مستضعفین بوده و خوب طرحهای بنفست مستضعفین میدهند برخی ارتباط کثرتی با مستضعفین داشته اند ، این عده به عده دیگر نگوید کمونیست و آن عده به این عده نگویند طرفدار سرمایه دار و ۰۰۰ او بدین وسیله مسئولین را به وقت نظر بیشتر نشان دادن و حلم بیشتر دعوت نمودند .

امام خمینی ، این رهبر بیدار و با عبق نظر و شناخت عیب خودشان در سخنانشی در ملاقات با نمایندگان مجلس بناسبت شروع ده فجر در حسینیه جماران خطاب به آنان وحلت قریب به این مضمون فرمودند که : این نمایندگان و مسئولین را که من می شناسم اکثر قریب به اتفاق حسن نیت داشته و اسلام را می خواهند ، ولی عده ای معتقدند که مکتب شرق از سرمایه داری بهتر است و عده ای برعکس معتقدند که سرمایه داری و غرب بهتر از مکتب شرق است حال آنکه ما می بایست بینیم اسلام چه می گوید و اسلام چه خواهد

و بدینوسیله توجه دادند که ریشه اساسی این اختلافات در اختلاف بینش هاست و شیاطین بوسیله وجود این زمینه ها و اختلافات بینشی میتوانند در ما دودستگی ایجاد کنند امام مسئولین و مردم را به شناخت بهتر و عمیق تر اسلام فرمودند .

پس از این پیام ، یکی از خوانندگان دلسوز نشریه راه مجاهد ، با توجه به اینکه میبایست با نشان دادن دیدگاه اصیل اسلامی نسبت به مالکیت این اختلافها را حل کرد و وحدت جسمانی را تعالی داد شعری در بیان اصل اسلامی خدا مالکی سروده است ، گرچه ممکن است در - صنعت ادبی این شعر اشکالات و نارسائیهایی داشته باشد (که در اولی عمق نظر شاعر و روانی کلام و در آشنایی ایشان ما را بر آن داشت که شعر را در نشریه چاپ کنیم با این امید که اینگونه شعر گفتن یعنی شعر گفتن در جهت تحقق نیازهای امامت برحق جامعه راهنمای عمل همه شاعران متعهد قرار گیرد . انشاء الله

قل اللهم مالك الملك توفى الملك من نساء
وتتبع الملك ممن نساء ونعزم من نساء
ونذل من نساء بديك الخير وانث على
كل شيء فدير (آل عمران - ۲۶)

بسم الله الرحمن الرحيم

این جهان در جنگ و در دعوا بود
در خروش و داد و در بلوا بود
جنگ بین صادقان با کاذبان
بین قوم حاکمان با غاصبان
جنگ بین اولیاء حق پرست
با ولیان ره طافوت هست
اصل درگیری و پیکار و نبرد
بر سر ملکیت است ای باخرد
قوم باطل میکشند نسراده ها
مالک دنیا منم ای توده ها
قوم حق گویند که ای اهل زمین
مالک عالم خدا باشد یقین
آنچه در ارض و سماوات است تمام
ملك رب العالمین هستند مدام
از خدا هستند این مال و منال
جملگی شان میروند سوی کمال
عارفان گویند این هستی و ملک
از خدا باشد و گز نه در هلیک
ملکها باشند امانت پیش ما
در امانتها ، خیانت نسا را
هر کسی را قرب درگاهش بی
در صلاح آن امانتها شدی
مالکیت اعتباری است یا اخی
ملك را بر صاحبش ده ای سخی
صاحب هر ملك وجود بهتر است
پاکتر هر کس شود مالکتر است
ملك را در راه غیبتش آوری
سوی استثمار کردن میبوری
سوی فیر و ظمی به ملك و مالک است
ملك و مالک در زبان و هالك است
ملك را گر سالکش فرعون شود
تا که او فرعون است خائن بود
او خیانت بر امانت کرده است
چون برای خود بکارش برده است
مالك ملکی اگر موسی شود
ملکها در راه حقش میروند
کاخ فرعون قتلگاه مردی است
چادر موسی پناه آدمی است
گر ز فرعون چون فرو آید همی
از اسیران سر جدا سازد همی
چوب موسی گریفتند بر زمین
قوم فرعون را بگیرد در کیمین
آن لباسی در تن فرعون بود
از برای کبر و نخوت میشود
پیرهن موسی اگر چه ساده است
لیک در حفظ کلیم الهای است
دست و پا گر مالکش فرعون شود
دست و پا را ظلم بی حد میشود
چشم و گوش در ملك موسی گر شود
دید ، او جای عدلش میروند
پس اگر مالک شوند فرعونیان
غصب بنمودند ملك موسیان
بایدش چون راه و رسم موسیان
ملك رها سازند از فرعونیان
يك کسی میداد فریاد و ندا
دست و پا و چشم و گوش از خدا

این زن و فرزند من این خانم
پیرهن و شلوار و کل جامه ام
بول و دارایی و جمع مال من
مالك اصلی خدای ذوالمنن
در رهش گرانم این ملکها
در هلاک ، اضطراب و شرکها
دست من یاری کند مستضعفین
هم زند مستکبرین را بر زمین
دست من باید بگیرد اسلحه
تا کشد هر ظالم اندر مفسد
دست من باید بگیرد آب جان
تا کشد سیراب ، لب حق تشنگان
باید اندر راه رب در پیشه اش
قطع گردد هر دو دست از ریشه اش
پای من باید رود راه خدا
هم گذارد روی قانون خطا
پای من در حفظ این احکام و دین
بایدش هجرت کند روی زمین
پای من گر آخر کارش شود
در ره حق از گردیدن سوزد
چشم من باید ببیند هر چه هست
نی به زیبایی تر از آن منی به پست
بایدش ببیند حقایق را تمام
تا کشاند سوی حق ما را مدام
چشم باید بنگرد بر دشمنان
گنده و ساده نگردد در گمان
بر خودم باید نظر بر افکند
تا که ضعف نفس خود را بشکند
گوش باید بشنود صوت جلیل
دعوت پیغمبر آن مرد خلیل
آه و افغان ناله مستضعفان
گوش باید بشنود در هر زمان
تعهه مستانه هر ظالمی
بشنود گراوست گوش سالوی
تا که خاموشش کند این عریده
با طنین صوت تیر اسلحه
این زن من بایدش با عنم جنم
بهر تن دوزد لباس جنگ و رزم
هم پسر هم دخترم را بایدش
در ره حق تربیت او سازدش
يك پسر همچون حسین در کربلا
يك تنه درگیر با خصم خدا
یا چو يك دختر بسان فاطمه
با ستگر در نبرد بی واهمه
این پسر این دخترم با عشق شور
بایدش قریبان شوند در راه نور
بایدش مصرف شود اموال و جان
در جهاد مسلمین با کافران
این چنین باشد امانت داشتن
ملك را در راه رشدش خواستن
گر نویسی با مدادت غیر د اد
آن زمان غصبش نمودی آن مداد
معدن نفت و طلا را مالکین
گریارند در ره مستضعفین
غاصبند و ملکها در بندشان
ملك را باید نمود آزاد شسان
پس اگر بر غاصبین خصم بودیم
بهر آزادی املاک آمدیم
قصدمان از جنگها و از کیمین
دادن ملك است بدست صالحین
ملکها همچون زمین و آب و خاک
توده ها و قلبهای پاک و پاک
جان و مال و
هر چه هست
در حصرا
مالکش باشد
اما عصمر ما

دعا

زبان دل نیازمندان

بسم الله الرحمن الرحيم

پیش از يك سال است که در بخشی تحت عنوان دعاهای دعاهايي را در این نشریه معرفی و توضیح داده ایم. این کار را به دلیل نیاز به تعالی که هم در خود و هم در جامعه میدیدیم شروع نمودیم. اینک پس از گذشت ماهها احساس میکنیم که برای تعالی بیشتر، نیاز به يك جمعبندي از دعاهای منتشره و نیز درك بالاتری از مفهوم دعاهای ما داریم. این مقاله که در دو شماره ارائه میشود گامی است در جهت پاسخگویی به این نیاز.

این مقاله با توشه گیری از مقاله دعا نوشته استاد شهید مطهری در کتاب بیست گفتار و کتاب نیایش امام حسین در عرفات نوشته استاد محمد تقی جعفری تهیه شده است. با این امید که با نارسائیهای ضعف های مقاله برخورداردی تعالی بخش شود و با امید اینکه مجموعه این کار پیوند های تعالی تری ایجاد نموده و دعاهايمان نه در لفظ بلکه در عمل وسیله پیوند و تقرب به خداوند متعال باشد.

دعا و مفاهیم گسترده آن :

دعا یعنی خواندن خدا و یاری خواستن از او. انسان فطرتاً نیازمند و متکی به خداوند خلق شده و هر کس در عمق وجود خود این نیاز را احساس میکند ولی در پاسخ به این نیاز انسانها گاهی دچار انحراف و اشتباه شده و اسباب و وسایل مادی را تکیه گاه اصلی خود قرار میدهند. به عبارت دیگر گاهی انسانها برای اسباب و علل مادی وجودی مستقل از خداوند قائل شده و به این ترتیب پدیده های نسبی را به جای خداوند مطلق می گیرند. در حالت دعا نیاز به خدا در انسان تشدید میشود و انسان درصی یابد که تکیه گاه واقعی او خداست و از او طلب یاری می کند.

انسان بدلیل اینکه نیازمند به خدا خلق شده فطرتاً در جستجوی درك رابطه خود و خالق و ایجاد رابطه نزدیکی بیشتری با پروردگار خویش است ولی به علت افتادن در گرفتارها و توجه بی اندازه به مادیات جهان از این

میل و نیاز اصیل خود منحرف گشته و این رابطه و نیز دیکسی را از مخلوقات خدا می خواهد و آنها را هدف و غایت اصلی خود قرار میدهد. " الهی ترددی فی الآثار یوجب بعد المزار فاجمعنی عليك بخدمه توصلنی اليك خدا ایا رفت و آمد من در آثار وجود تو (پدیده ها) موجب دوری دیدار من از تو شده و مرا از تودوری کند. پس مرا در حال خدمتی برای خودت قرار ده که مرا به تو برساند و پیش تو بلند مرتبه گرداند. (نیایش امام حسین در صحرای عرفات) در حالت دعا انسان بازگشت به فطرت میکند و نسبت به این نیاز خود آگاه میشود و یا به عبارت دیگر با این نیاز هماهنگ میگردد و همه وجود انسان زبان گویای این نیاز میشود.

در حقیقت عالی ترین هدف دعا نیز همین است یعنی ایجاد رابطه نزدیک تر و ملموس تر و مستقیم با پروردگار. در این حالت است که طلب با مطلوب یکی میشود یعنی چیزی را که انسان به دعا از خداوند میخواهد در همین اولین لحظات دعا به نسبتی به آن دست یافته است. گفت آن الله تو لبیک ماست آن نیاز در دوزخ سوزت لبیک ماست حیلها و چاره جوئیهای تو جذب ما بود و گشاد این پای تو ترس عشق تو کند لطف ماست زهر ریا رب تو لبیک ماست (۱) در این خصوص در بحث شرایط دعا صحبت بیشتری خواهیم کرد.

انسان همواره در آرزوی شناخت درون و عمق وجود

خویش است و همچنین انسان می خواهد توحید را در خود بیشتر تحقق داده و درون و برون خویش را هر چه بیشتر بهم نزدیک کند. درون انسان همان فطرت خدا جوونیازمند به خداست. هر قدر فاصله درون و برون (دل و زبان) بیشتر باشد انسان مضطرب تر و نا آرام تر است و بالعکس هر قدر فاصله درون و برون فرد کمتر شد یعنی دل و زبان انسان هماهنگ تر باشد احساس آرامش و سعادت بیشتری می کند. در حالت دعا بیشترین نزدیکی بین دل و زبان یا درون و برون انسان به وجود می آید یعنی انسان هم نیاز درون خود را بهتر می شناسد و هم قدرت بزبان آوردن آن را می یابد. به همین دلیل لحظات دعا از پرسعادت ترین لحظات انسان می باشد.

در حالت دعا وقتی انسان حل مشکلی را و رسیدن به چیزی و ... را از خداوند می خواهد احساس سرفرازی و سربلندی می کند. خواستن از خدا عزت و سربلندی می آورد و هر چه انسان با زاری و استغاثه بیشتری طلب کند سرفرازی و بی نیازی و استقلال بیشتری احساس می کند و در مقابل طلب و خواستن از بندگان خدا ذلت و خواری می آورد چرا که هر خواهش و طلبی از غیر خدا وابستگی ایجاد می کند و وابستگی عزت و سربلندی و استقلال انسان را از بین می برد. در حالیکه طلب از خداوندی که انسان را آفریده و حاکمیت بر وجود او دارد و خداوندی که انسان و همه موجودات نیازمند و محتاج به او است و در مقابل او هیچگونه استقلالی ندارند از وابستگی انسان به موجودات دیگر کم می کند و همین باعث عزت و استقلال او میشود. در مناجات شعبانیه می خوانیم :

" الهی آن من تعترف بك غیر مجهول و من لاذبك غیر مخذول ومن اقبلت علیه غیر ملوک. ای خدا آنکه به تو معروف شد هرگز مجهول و بی نام نشود و هر که بتو ناله آورد هرگز خسوار نگردد و هر که تو به او توجه کنی بنده دیگری نشود."

" ادامه دارد "

پاورقی (۱): صفحه ۲۹۳ - دفتر سوم - مثنوی مولوی - چاپ امیرکبیر.

از صفحه ۲۲

مراحل منتهی به تک گسترده...

در جنوب و غرب نسبت به صحت خط مشی، صدام به تردید نظای دشمن خواهد بود. ضربات متوالی، تبلیغات و بیان افتاده و موضع مخالف پیدا کرد است. در عقب نشینی نیروهای حقانیتهای ما نیز در تشدید این مخالفت بسیار مؤثر است عراقی از منطقه دشت نهاب هنگامیکه برادران به یکی از درباریان این مرحله ارتش و سپاه پاسداران انگیزه سنگرهای تخلیه شده دشمن وارد شده بودند با نوشته ای به بشارت در مسعود خط مشی آزادی قدس پیدا کرده اند. در این مضمون مواجه شده بودند " درود برخیزی مرگ بر صدام این زمینه با بیستی کاراید ثلوثك فراوانی بشود.

برادران ایرانی موفق باشید، در این منطقه ۶۰ هزار مین کار گذاشته شده است. و در حقیقت به این وسیله در کشف میدانهای مین و کم شدن تعداد شهیدان امارت یاری کرده بودند.

هنگامیکه ارتش عراق به پشت مرزهای خود رفته این سؤالها پاورقی (۱) - مثل جریان حضرت حرا بن یزید ریاحی در راهان پرسنل ارتش بالا میگردد و افسراد معترض اندک اندک لشکر این سعد که در اثر برخورد های درست امام حسین (ع) هدایگر را پیدا میکنند و تشکل نامرئی علیه ارتش بعثت بوجود علیه این سعد قیام کرده و به لشکر امام حسین (ع) پیوست میاورند. این تشکل مبنایی قوی برای درهم شکستن قوای و در روز عاشورا به شهادت رسید.

ادبیات انقلاب و مکتب

شوم کربلائی و تا کربلا برویم

- بیا به پای دل سفر کربلا برویم
- بیا به روضه رضوان پر بلائی حسین
- بیا به محفل انس عارفان به حق
- بیا به هشت لاله الا هو
- بیا تا که بخوانم حدیث قدسی عشق
- بیا به تلمذ استاد سرفدا برویم
- بیا به شمشاد و سپس تا خدا برویم
- من آن هشت نعیم کربلا ندیم
- حسین بحم اسلام و مکتب حق است
- بیا ز بریز لرزه لحظه های حسین
- بیا به بویس خامس آل سابر برویم
- به کربلا مکتب سلم و رضا برویم
- بیا به درس بقای در قنار برویم
- هشت حسین جنت لغا برویم
- بیا به تلمذ استاد سرفدا برویم
- بشر هشت و سپس تا خدا برویم
- مگر شود که به دیداری بلا برویم
- جز راه باقی حق بگو چرا برویم
- نموده کسب طریق در و رولا برویم

بیا حجاب ظلمت خود پاره پاره کنیم

شوم کربلائی و تا کربلا برویم



نحوه اشتراک نشریه

از کلیه برادران و خواهرانی که علاقمند به اشتراک نشریه هستند می خواهیم تا تقاضای کتبی خود را به صندوق پستی ۷۱/۵۴۴ تهران ارسال دارند. چگونگی پرداخت بهای نشریات متعاقباً اعلام خواهد شد. بهای اشتراک سالیانه ۲۲۰ ریال بهای اشتراک ۶ ماهه ۳۶۰ ریال

بروای رسمی انتشار را می خواهد
جمهوری اسلامی ایران
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره نشریات و کتابخانه
آقای دکتر محمد علی
تاریخ: اردیبهشت ۱۳۶۲
شماره: ۷۱/۵۴۴
بازگشت: به آدرس تهران
پ. م. ۷۱/۵۴۴

کتابخانه و مرکز اسنادی
موسسه تخصصی زبان و ترجمه

این شانزدهمین شماره راه معاهدات که با اهداف مذکور در این نامه منتشر شده است. کلیه انتقادات و پیشنهادات و طرحهای خود را در جهت بهتر شدن کیفیت نشریه، هر چه سریعتر در اختیار ما قرار دهید. با تشکر راه معاهدات

مهندس لطف الله میشمی
صندوق پستی: ۷۱/۵۴۴